

آفتاب مهر

پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی



حوزه علمیه قم
مرکز تخصصی احکامات و نهادهای



بنیاد مهدی موعود
انتشارات

آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)

- جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- ویراستار: محمدرضا مجیری
- طرح جلد و صفحه‌آرا: عباس فریدی
- نوبت چاپ: سیزدهم / تیرماه ۱۳۹۲
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۱-۴
- شمارگان: سهزار نسخه (تاکنون: شصت و دو هزار نسخه)
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) // بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۴۹۵۶۵ و ۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) / ۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰ و ۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

○ www.mahdi313.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول

ادیان، فرق و مذاهب

۱. آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟ ۲۱.
۲. آیا یهود ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارد؟ ۲۲
۳. دیدگاه انجیل و مسیحیت درباره موعود چیست؟ ۲۵
۴. دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟ ۲۸
۵. آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و اهل سنت در آن ها اتفاق نظر داشته باشند؟ ۳۰
۶. نظر اهل سنت درباره ولادت امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۳۴
۷. چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟ ۳۷
۸. گرایش انجمن حجتیه در گذشته و برنامه های آنها را توضیح دهید؟ ۴۰

فصل دوم

مهدی شناسی

۹. چگونه می توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر علیه السلام بالاتر برده و عمیق تر کنیم؟ ۴۷
۱۰. خلاصه ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را تشریح کنید؟ ۴۸
۱۱. ویژگی های حضرت مهدی چیست؟ ۵۱
۱۲. چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می باشد؟ ۵۳
۱۳. لطفاً در مورد آیات و روایاتی که در مورد عرضه کردن اعمال ما به ائمه صحبت می کنند کمی توضیح دهید؟ ۵۴
۱۴. آیا موقع گناه، امامان علیهم السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیه السلام عرضه میشود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟ ۵۶.

۱۵. این که امام زمان علیه السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند، معتبر است یا نه؟ ۵۸.
۱۶. محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟ ۵۹.
۱۷. چطور ممکن است امام مهدی علیه السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟ ۶۱.
۱۸. آیا عمر طولانی از نظر عقل امکان‌پذیر است؟ ۶۴.

فصل سوم

امام مهدی علیه السلام در قرآن

۱۹. قرآن کریم برای معرفی افراد از چه روش‌هایی استفاده کرده است؟ ۶۹.
۲۰. با توجه به اینکه نام پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات ذکر شده است، چرا نام حضرت مهدی علیه السلام به صورت صریح در قرآن نیامده است؟ ۷۱.
۲۱. آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه السلام در نعمتها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟ ۷۳.

فصل چهارم

انتظار و منتظران

۲۲. مقصود از انتظار فرج چیست؟ ۸۱.
۲۳. چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟ ۸۲.
۲۴. وظایف منتظران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۸۴.
۲۵. چگونه می‌توانم با حضرت ارتباط برقرار کنم؟ ۸۶.
۲۶. چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟ ۸۷.
۲۷. چگونه می‌توان رضایت امام مهدی علیه السلام را به دست آورد؟ ۸۹.
۲۸. دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه السلام چیست؟ در حالی که خدای مَنان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند؟ ۹۲.

فصل پنجم

یاران و نایبان عام و خاص

۲۹. نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟ ۹۷.
۳۰. نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟ ۹۸.
۳۱. کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟ ۹۹.

۳۲. چگونه میتوان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟ ۱۰۱
۳۳. ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۱۰۳
۳۴. یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ ۱۰۵
۳۵. آیا انحصار یاران حضرت مهدی علیه السلام به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ چرا ۳۱۳ نفر؟ ۱۰۸
۳۶. چرا بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام مرد هستند؟ ۱۰۹
۳۷. آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام مهدی علیه السلام همه هم عصر زمان ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان می باشند؟ ۱۱۰
۳۸. یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می شوند؟ ۱۱۱
۳۹. آیا با خواندن چهل بار دعای عهد، یار حضرت مهدی علیه السلام می شویم؟ ۱۱۳
۴۰. نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۱۱۴

فصل ششم

دوران غیبت

۴۱. مراد از غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۱۱۹
۴۲. چه آثار و فوایدی بر وجود امام غائب مترتب است؟ ۱۲۰
۴۳. مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟ ۱۲۳
۴۴. مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟ ۱۲۵
۴۵. چرا آن حضرت غایب شد؟ ۱۲۷
۴۶. اگر امام زمان علیه السلام بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی میکرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و میتواند او را از شر کافران حفظ کند. ۱۳۱
۴۷. غیبت امام زمان علیه السلام دارای چه مراحل بود؟ چرا؟ ۱۳۲
۴۸. آیا امامان در گذشته برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه سازی کرده اند؟ ۱۳۴
۴۹. عده ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی علیه السلام است. آیا استاد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟ ۱۳۵
۵۰. مراد از سرداب غیبت چیست؟ ۱۳۸
۵۱. در روایتی خواندم که، هر حکومتی پیش از قیام امام زمان علیه السلام به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید. ... ۱۳۹

فصل هفتم

ارتباط و ملاقات

۵۲. حضرت مهدی علیه السلام میفرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان علیه السلام را دیده‌اند. این تناقض را حل کنید؟ ۱۴۵
۵۳. روایاتی میگوید: «هر کس در غیبت کبریا، ادعای رؤیت امام زمان علیه السلام را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت نکرده‌اند؟ ۱۴۸
۵۴. آیا می‌توان به امام زمان علیه السلام نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟ ۱۵۰
۵۵. آیا شخصی که گناه کرده است، میتواند با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته باشد؟ ۱۵۳
۵۶. عشق و محبت دو سویه دربارهٔ ما و امامان علیهم السلام چگونه است؟ ۱۵۵

فصل هشتم

آخرالزمان

۵۷. آخرالزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخرالزمان هستیم؟ ۱۶۱
۵۸. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟ ۱۶۴
۵۹. شنیده ایم در روایات آمده که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سختتر از زمانهای دیگر است؟ ۱۶۷
۶۰. معنای این جمله که میگویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است»، چیست؟ ۱۷۰
۶۱. منظور از «آرماگدون» چیست؟ و غربی‌ها در این مورد چه فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند؟ ۱۷۱
۶۲. تفکرات حاکم بر فیلم‌های امریکایی (هالیوود) دربارهٔ تسخیر جهان و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد چگونه تحلیل می‌شود؟ ۱۷۴
۶۳. فیلم‌هایی مانند «روز استقلال»، «نوستراداموس» یا «بازی جهنم خلیج فارس» چه ارتباطی با موضوع مهدویت دارد؟ ۱۷۷
۶۴. ماجرای کنفرانس تل‌آویو و مصوبات آن چیست؟ ۱۷۸
۶۵. چه سیاست‌هایی در فیلم‌سازی هالیوود دنبال می‌شود؟ ۱۷۹

فصل نهم

ظهور، علایم و شرایط آن

۶۶. اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی علیه السلام آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟ ۱۸۳
۶۷. مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟ ۱۸۷
۶۸. برای آن که ظهور امام مهدی علیه السلام واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟ .. ۱۸۸
۶۹. با توجه به این که امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسانها به آماده‌سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ ۱۹۲
۷۰. آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده است؟ ۱۹۶
۷۱. دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند؟ ۱۹۷
۷۲. امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟ ۱۹۹
۷۳. چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ مانع عمده ظهور چیست؟ ۲۰۰
۷۴. انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟ ۲۰۲
۷۵. هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی ما، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟ ۲۰۵
۷۶. با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن، آیا جنگ امام زمان علیه السلام با شمشیر خواهد بود؟ ۲۰۷
۷۷. مراد از علایم ظهور چیست؟ ۲۰۸
۷۸. علایم ظهور کدامند؟ ۲۰۹
۷۹. کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟ ۲۱۲
۸۰. آیا به نظر شما، نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟ ۲۱۳
۸۱. دجال کیست؟ ۲۱۴
۸۲. خراسانی کیست؟ ۲۱۷
۸۳. منظور از قتل نفس زکیه چیست؟ ۲۱۸
۸۴. درباره سید حسنی توضیح دهید. ۲۲۱
۸۵. درباره یمانی توضیح دهید. ۲۲۴
۸۶. سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید. ۲۲۵
۸۷. جهان در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام در چه شرایطی است؟ ۲۲۶
۸۸. آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور خود اطلاع دارد؟ ۲۳۱

۸۹. حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام قیام خود را از کجا آغاز میکند؟ ۲۳۳
۹۰. چرا حضرت در مکه ظهور می‌کند؟ ۲۳۴
۹۱. درباره جنگ‌های زمان ظهور سخنانی گفته می‌شود، حقیقت آن چگونه است؟... ۲۳۵
۹۲. زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟ ۲۳۸
۹۳. حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از سوی من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه میکنند و فریاد تمنای ظهور مهدی علیه السلام سر میدهند و ظلم و جور، بیداد می‌کند و فقر، گریبانگیر ملتها شده است، حضرت نمی‌آید؟ ۲۴۰

فصل دهم

دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام

۹۴. آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی، همگرایی دارد یا واگرایی؟ ۲۴۵
۹۵. آیا انقلاب مهدی علیه السلام الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟ ۲۴۷
۹۶. آیا با ظهور امام زمان علیه السلام همه مردم مسلمان میشوند؟ ۲۵۰
۹۷. برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۲۵۴
۹۸. آیا امام زمان علیه السلام و اصحابش در عصر ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند؟ ۲۵۷
۹۹. منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان علیه السلام چیست؟ ۲۶۰
۱۰۰. اگر حضرت مهدی علیه السلام شیطان را بکشند، مردمان پس از ظهور، از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است؟ ۲۶۲
۱۰۱. آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه میکند؟ اختیار چه میشود؟ ۲۶۵
۱۰۲. برخی می‌گویند با توجه به روایات در زمان امام مهدی علیه السلام امکان گناه کردن وجود ندارد، آیا این گفته‌ها درست است؟ ۲۶۷
۱۰۳. اگر در زمان امام عصر علیه السلام امکان گناه وجود دارد پس چرا ظلم و گناه صورت نمی‌گیرد و یا بسیار اندک است؟ ۲۶۸
۱۰۴. سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی علیه السلام چگونه است؟ ۲۶۹
۱۰۵. نقش و برنامه حضرت عیسی علیه السلام در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۲۷۲
۱۰۶. آیا حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور خود، احکام جدید می‌آورد؟ ۲۷۳

۱۰۷. منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان علیه السلام می آورد، چیست؟ ۲۷۵
۱۰۸. حکومت امام مهدی علیه السلام چه مدت به طول می انجامد؟ ۲۷۷
۱۰۹. آیا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، به شهادت میرسد؟ ۲۷۸
۱۱۰. رجعت چیست؟ لطفاً آن را به صورت کامل توضیح دهید؟ ۲۸۰
- فهرست منابع ۲۸۳
- کتابنامه ۲۸۵

مقدمه

اسلام‌گرایی و گسترش اندیشه دینی در دهه‌های اخیر و رشد روز افزون تشنگان مباحث اسلامی به خصوص معارف مهدویت در میان جوامع اسلامی، دشمنان را بر آن داشته که در مقابل این سیل خروشان، سدی ایجاد کنند تا شاید از امواج آن بکاهند و روند آن را کندتر کنند. در این راستا دشمن برای مبارزه با اسلام‌گرایی راه‌های مختلفی را در پیش گرفته است از جمله تهیه فیلم‌های سینمایی کارتونی، بازی‌های رایانه‌ای، تبلیغات گسترده بر علیه اسلام و... در این میان شاید بتوان ادعا کرد که از میان آموزه‌های دینی اسلامی، مهدویت از مهم‌ترین و اثرگذارترین آموزه‌ها است. در حقیقت حیات جوامع اسلامی و امید به آینده روشن در اعتقاد به این آموزه و ایمان به آن نهفته است. دشمن به این مسأله پی برده و با تمام توان شروع به فعالیت علیه این آموزه حیاتی کرده است. انکار این آموزه، سعی در ایجاد تحریف در آن، تحمیل مدل‌ها و نمونه‌های ساخته خود به عنوان مدل مهدوی به جوامع انسانی و اسلامی، حمایت از مدعیان و القاء سؤالات و شبهات از جمله تلاش‌های آنان است.

در نگاه اول این حرکت دشمن بسیار آسیب‌زا و مخرب است؛ اما در حقیقت مصداق روشن این سخن است که: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»؛ چرا که ماندن در شک و تردید اگرچه جایگاه بدی است ولی معبر و گذرگاه خوبی است برای مؤمنانی که با پیگیری

مسأله و تحقیق و سؤال از اهل علم و دانایان به آن موضوع، به نتیجه قطعی می‌رسند و ایمان و معرفت خود را افزایش می‌دهند. شهید مطهری علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

... اگر این تشکیکات وارد جامعه نشود خطر است، اگر وارد نشود کم‌کم مردم آن حالت دینی شان رو به تحجر و نه تحجر که رو به عفونت می‌رود. درست مثل آب کاملاً صافی که آن را در حوض قرار می‌دهیم و اگر مدتی بماند می‌گندد. اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی تازیانہ شک نخورد در آن صورت عوام، پیشتاز آن معتقدات می‌شوند. وقتی عوام پیشتاز بشوند دائم از خودشان چیزی می‌سازند...^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که زمان شناس است شبهات بر او هجوم نخواهد آورد.^۲

با این نگاه هر انسان مؤمن با درک صحیح از زمان خود، باید به دنبال محکم کردن اعتقادات و ایمان خود باشد تا گرفتار شبهات نشود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد؛ هر کس که روزگار خود را شناخته باشد و زمان شناس باشد از

۱. فصلنامه مطهر، ش صفر، ص ۳۴ و ۳۵؛ به نقل از: موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹.

آمدگی غافل نخواهد شد.^۱

در جبهه دفاع از اعتقادات و پاسخ به شبهات و سؤالات مردم، علمای دین همیشه در صف مقدم مبارزه بوده‌اند و با جهاد علمی و عملی خود برگ‌های زرینی را در طول تاریخ برای مذهب تشیع به ثبت رسانده‌اند. این جهاد علمی سیره‌ای بوده در میان علمای بیدار و آگاه شیعه. مرحوم شیخ صدوق در مورد تألیف کتاب شریف *کمال‌الدین* و *تمام النعمة* می‌فرماید:

انگیزه من در تألیف این کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برآورده شد به نیشابور برگشتم و در آن جا اقامت گزیدم و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند در امر غیبت حیرانند و درباره امام قائم علیه السلام شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند پس با استمداد از اخبار وارد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تلاش خود را در ارشاد ایشان بکار بستم تا آن‌ها را به حق و صواب دلالت کنم تا این که شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود... یک روز که برایم سخن می‌گفت کلامی از یکی از فلاسفه و منطقیان بزرگ بخارا نقل کرد که آن کلام، او را در مورد قائم علیه السلام حیران ساخته بود و به واسطه طول غیبتش و انقطاع اخبارش او را به شک و تردید انداخته

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۳، ح ۴.

بود. پس من فصولی در اثبات وجود آن حضرت علیه السلام بیان کرده و اخباری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در غیبت آن امام، روایت کردم و او بدان اخبار آرامش یافت و شک و تردید و شبهه را از قلب او زایل ساخت و احادیث صحیحی را که از من فرا گرفت به سمع و طاعت و قبول و تسلیم، پذیرفت و از من درخواست کرد که در این موضوع کتابی برایش تألیف کنم، من نیز درخواست او را پذیرفتم...^۱

به این شکل کتاب‌های زیادی از علمای ما برای پاسخ به شبهات و سؤالات، تألیف و چاپ شده است که بر اهل فن و تحقیق پوشیده نیست. در این راستا واحد پرسش و پاسخ مرکز تخصصی مهدویت، برای پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی با موضوع مهدویت، از سال ۸۳ فعالیت خود را آغاز کرده و از طریق تلفن، اینترنت، نامه‌های پست جواب قبول و برگزاری جلسات، پاسخ‌گوی سؤالات مخاطبان خود می‌باشد. این مجموعه نتیجه تلاش بی‌وقفه اساتید، محققان و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم می‌باشد که در سه دفتر آماده می‌شود و در حال حاضر دفتر اول آن با موضوعات مختلف در قالب ۱۱۰ پرسش‌ارایه می‌شود. از ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

- نویسندگان و پاسخگویان به سؤالات، از اساتید و محققان

۱. کمال‌الدین، ج ۱، مقدمه کتاب، ص ۸، ترجمه منصور پهلوان.

مجموعه تخصصی مهدویت می‌باشند لذا از اتقان و محتوای علمی برخوردار است در عین اینکه سعی شده مطالب به صورت روان و ساده بیان شود تا عموم جامعه از آن بهرمنند شود.

- سوالات طرح شده، سؤالاتی است که طی سال‌های گذشته توسط جویندگان معارف مهدوی مطرح شده و پاسخ‌های آن‌ها را دریافت کرده‌اند و در حقیقت این سؤالات از عینیت جامعه جمع‌آوری شده است.

- حتی‌المقدور عین سؤالات مخاطبان چاپ شده تا جذابیت آن حفظ شود.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت جناب حجت‌الاسلام مجتبی کلباسی و کلیه اساتید، محققان گرانقدر و دانش‌پژوهانی که در پاسخ‌گویی به سؤالات، این مجموعه را یاری کرده‌اند تشکر کنیم به خصوص جناب حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان و جناب حجت‌الاسلام تقی حاتمی که زحمت بسیاری برای آماده‌سازی این مجموعه متحمل شدند و در نهایت با نظارت علمی و اصلاح مطالب، کار را به سرانجام رساندند.

امید است که با توفیق حضرت حق ﷻ و عنایات ویژه حضرت مهدی ﷺ دفتر دوم و سوم نیز برای استفاده طالبان و تشنگان حقیقت آماده و ارایه شود.

مرکز تخصصی امامت و مهدویت حوزه علمیه قم

واحد پاسخ به سؤالات

فصل اول

اديان، فرق و مذاهب



آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟

فوتوریسم^۱ به معنای اعتقاد به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به آینده روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی، همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره، همه‌جا و همه زمان‌ها، نزد تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

در کتاب‌های مربوط به مذاهب به نام‌ها و القاب مختلفی از

منجی بر می‌خوریم؛ برای نمونه

- در مذهب یهود: ماشیح؛

۱. fotorism

- در مذهب مسیحیت: مسیح؛
 - در مکتب زرتشت: سوشیانس؛
 - در مکتب هندوها: ویشنو، کلکی یا کلکین؛
 - در مکتب بودا: بودای پنجم میتریه؛
 - در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛
- آنچه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود، این است که مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان، به نام منجی موعود جهان، به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است، تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.



آیا یهود ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارد؟

در کتاب *تورات* و ملحقات آن، بشارت‌های زیادی درباره آمدن موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

الف. بشارت ظهور در زبور داوود:

در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر صدوپنجاه گانه، نوید ظهور آن موعود امم و منجی عالم موجود است:

زیرا که شیران منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ چون که بازوهای شیران شکسته می‌شود و خداوند، صدیقان را تکیه گاه است. خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. صدیقان، وارث زمین شده، ابدأ در آن ساکن خواهند شد؛ اما عاصیان، عاقبت، مستأصل و عاقبت، شیران، منقطع خواهند شد.^{۱ و ۲}

ب. بشارت ظهور در کتاب اشعیا نبی:

در بخشی از این کتاب، خداوند، قریب‌الوقوع بودن تحقق عدالت خویش را وعده می‌دهد و مؤمنان را به اجرای عدالت فرا می‌خواند و می‌گوید:

انصاف را نگاه بدارید، عدالت را جاری کنید؛ زیرا که آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من، نزدیک

۱. کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۳۸.

۲. همچنین در مزمور ۷۲ آمده است: از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصا زمین، سلطنت خواهد کرد. تمامی ملوک، با او کرنش خواهند کرد و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد؛ زیرا، فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت‌کننده ندارد، خلاصی خواهد داد. و به دلیل و محتاج، ترحم خواهد فرمود و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد. قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.

است.^۱

آن‌گاه، انصاف، در بیابان، ساکن خواهد شد و عدالت، در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد. و قوم من، در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی، ساکن خواهند شد.^۲

ج. بشارت ظهور در کتاب زکریای نبی:

در آن روز، یهوه [خدا] بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود و در آن روز، یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.^۳

د. بشارت ظهور در کتاب دانیال نبی:

امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حیثی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان، هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یاد شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان، مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی

۱. کتاب اشعای نبی، باب ۵۹.

۲. همان، باب ۳۲.

۳. کتاب زکریای نبی، باب ۱۴.

که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌کنند؛ مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد. اما توای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر، مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند کرد و علم افزوده خواهد گردید. خوشا به حال آن که انتظار کشد!^۱

ه. بشارت ظهور در کتاب حقیوق نبی:

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند.^۲



دیدگاه انجیل و مسیحیت دربارهٔ موعود چیست؟

نام کتاب مقدس مسیحیان، *انجیل* است که به دست چهار نفر جمع‌آوری شده و به نام نویسندگان آن مشهور گشته است. انجیل کنونی، مشتمل بر چهار انجیل *متی*، *مرقس*، *لوقا* و *یوحنا* است. اینک، متن برخی از آن بشارت‌ها را که در انجیل آمده است، می‌آوریم:

۱. کتاب *دانیال نبی*، باب ۱۲.

۲. کتاب *حقیوق نبی*، فصل ۲، بندهای ۳.

الف. انجیل متی:

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب، تاریک گردد و ماه، نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک، متزلزل گردد. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیمی می‌آید.^۱

ب. انجیل مرقس:

عیسی، خطاب به حواریون گفت: «زُنه‌ار کسی شما را گمراه نکند؛ زیرا که بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد؛ اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید، مضطرب نشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث، ضروری است. لیکن انتها، هنوز نیست؛ زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها، حادث خواهد شد و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و این‌ها، ابتدای دردها می‌باشد، لیکن شما از برای خود احتیاط کنید.

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت کی می‌شود در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان

۱. انجیل متی، باب ۲۴.

آمده، شما را خفته یابد.^۱

ج. انجیل لوقا:

و کمرهای خود را ببندید، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.^۲

د. انجیل یوحنا:

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که پسر انسان است و از این تعجب نکنید؛ زیرا، ساعتی می‌آید که در آن، جمیع کسانی که در قبورند، آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.^۳

لازم به ذکر است در انجیل و ملحقات آن، هشتاد بار کلمه «پسر انسان» آمده است که فقط سی مورد آن، با حضرت عیسی مسیح قابل تطبیق است؛ اما پنجاه مورد دیگر، از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد.^۴

۱. انجیل مرقس، باب ۱۳.

۲. انجیل لوقا، باب ۱۲.

۳. انجیل یوحنا، باب ۵.

۴. مستر هاکس آمریکائی، قاموس کتاب مقدس، به نقل از کتاب ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته سید اسدالله هاشمی شهیدی.



دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟

در دین مقدس اسلام، مسأله موعود و منجی، به روشنی مطرح شده است. قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، در آیات متعدد به حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین حق، اشاره دارد. از جمله آن‌ها آیه ۱۰۵ از سوره انبیا است.^۱ خداوند، در این آیه تصریح می‌کند که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند و در اختیار می‌گیرند. همچنین تصریح می‌کند که این امر، حقیقتی است که در کتب انبیای گذشته نیز بدان اشاره شده است. در آیه ۵۵ از سوره نور خداوند، به انسان‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، وعده می‌دهد که خلافت و حکومت در زمین را به آنان وامی‌گذارد و دینشان را پابرجا و برقرار می‌سازد و در چنین زمانی، آرامش و امنیت کامل، در جهان ایجاد می‌شود و آدمیان به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند.

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: ۳۳ و ۳۴؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) تصریح می‌کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی می‌کند. البته، با توجه به روایاتی که در تفسیر و تبیین آیات الهی از

۱. و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنَّ الارض یرثها عبادی الصالحون؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

پیشوایان معصوم صادر شده است، می‌توان دریافت که بیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن، به امام مهدی علیه السلام و حاکمیت عدل و دین، اشاره دارد.^۱

علاوه بر قرآن کریم، در کتب روایی مهم شیعه و سنی روایات متعددی درباره او ذکر شده است، کتاب‌های متعددی نیز ویژه آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه، می‌توان از *کمال الدین و تمام النعمة*، اثر شیخ صدوق، *الغیبة*، نوشته نعمانی و *کتاب الغیبة*، نوشته شیخ طوسی از علمای گذشته و *منتخب الاثر*، اثر لطف-الله صافی گلپایگانی از علمای معاصر شیعه، نام برد یا به *الفتن*، اثر ابن حماد و *الاربعین*، تألیف ابونعیم اصفهانی از اهل سنت اشاره کرد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از عترت من از نسل فاطمه علیها السلام است.^۲

ذکر این نکته مناسب است که به اعتقاد شیعه، امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ق به دنیا آمد و

۱. ر.ک: *معجم احادیث الامام مهدی*، ج ۵.

۲. در *سنن ابوداود* که از کتاب‌های مهم اهل سنت است، در باب «ما جاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از امسلمه نقل شده است که: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛ شنیدم پیامبر فرمود: «مهدی، از عترت من از نسل فاطمه است».

در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهة اقلی الانف یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی، از من است. پیشانی او آشکار و هویدا است، بینی بلند و کشیده دارد. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است»، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ص ۱۷۷، ح ۲۷۸.

اکنون در پس پرده غیبت قرار دارد و تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام دهد، زنده است؛ ولی به اعتقاد اهل سنت، او به دنیا نیامده است؛ بلکه در آخرالزمان و حدود چهل سال پیش از ظهورش، متولد خواهد شد.



آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آن‌ها اتفاق نظر داشته باشند؟

با رجوع به روایات موجود در منابع روایی و با نگاه به کلمات بزرگان و علمای هر دو مذهب، به موارد متعددی برمی‌خوریم که مورد قبول و اتفاق آن‌ها می‌باشد، از جمله:

الف. هر دو گروه، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را امری قطعی می‌دانند.

مرحوم شهید صدر رحمته الله از علمای بزرگ شیعه در این باره می‌فرماید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای

متظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث

پیامبر صلی الله علیه و آله به طور عموم و در روایات اهل بیت علیهم السلام به طور

خصوص آمده است و به حدی بر این مسأله تاکید شده

است که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد...^۱

۱. بحث حول المهدی، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

ناصر الدین البانی از بزرگان اهل سنت می گوید:
 اما مسأله مهدی، باید دانسته شود که دربارهٔ خروج او
 احادیث صحیح بسیاری وارد شده است...^۱

ب. یکی دیگر از مسائل مورد قبول هر دو گروه، موضوع فراگیر بودن
 دعوت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. خداوند متعال در قرآن
 کریم به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۲؛ خداوند، به کسانی از شما
 بندگان که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده داده
 است آنان را بر روی زمین خلافت دهد...^۳

امام باقر علیه السلام دربارهٔ گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام ۳۰۹ سال مالک زمین می شود و در آن،
 حکومت می کند؛ همان گونه که اهل کهف در غارشان
 درنگ کردند. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن
 گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او
 شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد...^۳

احمد بن حنبل ^۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

۱. ناصرالدین البانی، حول المهدی علیه السلام مجله التمدن الاسلامی، سال ۱۳۷۱ق.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. «یملک القائم ثلاثمائة سنة ویزداد تسعا كما لبث اهل الكهف فی كهفهم، یملأ الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا فیفتح الله له شرق الارض و غربها». بحار
 الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۴. احمد بن حنبل از بزرگان عامه و سرسلسله گروه حنابله می باشد.

زمین پر از ستم و ظلم می‌شود. در این هنگام، شخصی از عترتم خروج می‌کند و در مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد. در این هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.^۱

ج. هر دو گروه، اتفاق دارند که لقب منجی جهانی، «مهدی» است. مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمود: مهدی خروج می‌کند، در حالی که بالای سر او ابری است و میان آن ابر، کسی است که ندا می‌کند: «این، مهدی خلیفه خدا است. او را پیروی کنید».^۲

حاکم نیشابوری از علمای حدیث عامه به سند خود از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«المهدی منا اهل البیت؛ مهدی، از اهل بیت است».^۳

د. هر دو گروه اعتقاد دارند که مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام از فرزندان فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«المهدی رجل من ولد فاطمة؛ مهدی مردی از اولاد

فاطمه است».^۴

۱. «تملاً الارض ظلماً و جوراً ثم یخرج رجل من عترتی یملک سبعاً او تسعاً فیماًلاً الارض قسطاً و عدلاً»، مستدرک/حمده، ج ۳، ص ۲۸.

۲. «یخرج المهدی و علی رأسه غمامة فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه»؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۳. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

در روایات اهل سنت نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«المهدی من ولد فاطمه؛ مهدی از اولاد فاطمه است.»

ه نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای او به امام مهدی علیه السلام از دیگر اموری است که هر دو گروه به آن اشاره کرده‌اند.
امام صادق علیه السلام فرمود:

نازل می‌شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند
[حضرت عیسی علیه السلام] پشت سر او [امام مهدی علیه السلام].^۲

رسول خدا ﷺ فرمود:

از ما است کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و
نماز می‌گزارد.^۳

و. معرفی و بیان علایم ظهور نیز از دیگر امور مورد اتفاق است.
جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به
[زمین] بیداء. پس منادی از آسمان ندا دهد: «ای بیداء
نابود کن قوم [= لشکر] را. پس آن‌ها را در خود فرو
می‌برد.»^۴

عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

لشکری آهنگ کعبه می‌کند. پس هنگامی که به زمین

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۸۶، ح ۴۰۸۶.

۲. «و ينزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»، کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۳. «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه»، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

۴. القیبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۹۰.

بیداء درآمدند، [زمین] همه آن‌ها را فرو می‌برد.^۱

البته موارد اتفاقی دیگری نیز وجود دارد، مانند: امدادهای الهی، طلوع خورشید از مغرب، مشخصات ظاهری امام، فراوانی نعمت در زمان ظهور، گسترش امنیت و عدالت در عصر ظهور، رفاه و آسایش اقتصادی، غلبه اسلام بر تمام ادیان دیگر و....



نظر اهل سنت دربارهٔ ولادت امام مهدی عجل الله فرجه چیست؟

میان عامه دربارهٔ این موضوع دو دیدگاه وجود دارد:

الف. اکثر آنان ولادت امام مهدی عجل الله فرجه را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می‌آید.

ب. برخی از آنان، ولادت حضرت را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، موارد زیر ارائه می‌شود:

۱. محمد بن یوسف شافعی در کتاب *البيان في اخبار صاحب الزمان*، می‌گوید: در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل کرده‌ام؛ هر چند آنچه که شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است، صحیح و نقل آن، درست است.^۲

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۷۹، ح ۲۰۱۲.

۲. این کتاب، مشتمل بر ۲۵ فصل است که در هر فصل، تنها روایاتی را که از دیدگاه

۲. محمد بن طلحه شافعی در کتاب *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول* می‌گوید:

مهدی منتظر، در سال ۲۵۸ق، در سامرا متولد شد. پدرش، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی علیه السلام است. نام او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است.^۱

۳. سبط ابن جوزی حنفی در کتاب *تذکرة الخواص* می‌گوید:
حضرت حجت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن

اهل سنت معتبر است، نقل می‌کند. برخی از فصل‌های کتاب عبارت است از: مهدی علیه السلام در آخرالزمان خروج می‌کند؛ مهدی علیه السلام از نسل فاطمه زهرا علیها السلام است؛ حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان به او اقتدا می‌کند؛ نام و کنیه اش، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ صفات و رنگ و چهره‌ی حضرت مهدی علیه السلام؛ مهدی علیه السلام، امام صالحی است که خلیفة الله است.

فصل بیست و پنجم این کتاب، در این زمینه است که مهدی علیه السلام از زمان غیبتش که در سرداب سامرا اتفاق افتاد، تاکنون زنده و باقی است. او، به اشکالاتی که در زمینه طول عمر حضرت و غیبت آن بزرگوار وجود دارد، پاسخ می‌دهد.

۱. او سپس روایاتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی مهدی موعود علیه السلام نقل می‌کند مبنی بر این که: «مهدی، از نسل من و از فرزندان فاطمه علیها السلام و هم‌نام من است؛ در آخرالزمان قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است. این قیام، حتمی است، حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش‌تر باقی نمانده باشد». وی پس از ذکر این روایات، آن‌ها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی ... علی ابن ابی طالب علیه السلام متولد ۲۵۵ق تطبیق می‌کند و به اشکال‌ها و شبهاتی که در این‌باره ممکن است مطرح شود، پاسخ می‌دهد.

الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. کنیه او، ابو عبدالله و ابوالقاسم است و او است حضرت حجت و صاحب‌الزمان و قائم منتظر.^۱

۴. عبدالوهاب شعرانی در کتاب *الیواقیت و الجواهر*^۲، فصلی را به وقایعی که پیش از روز رستاخیز و در پایان دنیا حتماً اتفاق می‌افتد، اختصاص داده است و از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت، نقل می‌کند:

«مهدی علیه السلام»، فرزند حسن عسکری علیه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق متولد شد و زنده باقی خواهد ماند، تا با عیسی علیه السلام ظهور کند و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است، ۷۰۳ سال از عمر شریف او می‌گذرد.^۳

۱. عبدالله بن عمر در روایتی نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در آخرالزمان، مردی از فرزندان من قیام می‌کند که نام او همانند نام من و کنیه‌اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

۲. این کتاب در بیان آرای بزرگان علمای اهل سنت در مسایل مختلف عقیدتی است.
 ۳. نیز از قول شیخ محیی‌الدین عربی چنین نقل می‌کند: «خروج مهدی علیه السلام، حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود؛ به گونه‌ای که حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش‌تر باقی نمانده باشد، حتماً مهدی علیه السلام قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند. او، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام است و جدش، حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و پدرش حسن عسکری، فرزند علی النقی، فرزند محمد تقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر الصادق، فرزند محمد الباقر، فرزند زین العابدین علی، فرزند حسین، فرزند امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. اسمش، اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چهره‌اش، شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و... *الیواقیت و الجواهر*، ج ۲، ص ۱۴۳.

ما به ذکر همین چند نمونه بسنده می‌کنیم.^۱



چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟

وجود روایات فراوان دربارهٔ مهدی موعود علیه السلام، اعتقاد به آمدن مهدی را در آخرالزمان، عقیده‌ای مسلم میان مسلمانان قرار داده است؛ اما دربارهٔ ولادت آن حضرت، میان شیعه و اکثریت اهل سنت، اختلاف است. عدم اعتقاد بسیاری از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی علیه السلام علت‌هایی دارد، از جمله:

۱. مخفی بودن ولادت آن حضرت: آمدن مهدی موعود علیه السلام از صدر اسلام، امری مسلم و مورد توجه مسلمانان بود. سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی‌اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی به دنیا خواهد آمد و حکومت ستمکاران را منقرض و تمام زمین را از حکومت حق و عدل پر خواهد کرد؛ به ویژه روایات متعددی که می‌گفت او، نهمین از فرزندان امام حسین علیه السلام است؛ لذا از وجود و ظهور او، در بیم و هراس بودند و در صدد بودند به

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: *کفایة الموحدين* نوشته شیخ طبرسی و *الامام المهدی*، اثر سید محمد کاظم قزوینی.

هرگونه این خطر را از حکومت خود دفع کنند؛ به همین سبب، خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - به شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. حتی معتمد عباسی، به عده‌ای از زنان قابله مأموریت سری داده بود در خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - رفت و آمد کنند و مراتب را گزارش دهند. معتمد عباسی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، دستور داد خانه آن حضرت را بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی بین آنان دیده شد، بازداشت کنند. حتی به خانه امام عسکری علیه السلام هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه‌های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند^۱. ولادت حضرت مهدی علیه السلام نیز به دلیل وضعیت سخت آن زمان، مخفی بود و امام حسن عسکری علیه السلام فرزند بزرگوار خود را تنها به خواص و معتمدان از شیعیان خود نشان می‌داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می‌کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنت که از اهل بیت پیامبر علیه السلام فاصله گرفته بودند، از ولادت آن حضرت مطلع نشوند؛

۲. اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام در روایات بسیاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که تعداد امامان و خلفای بعد از من، دوازده نفر است. مجموع روایات

۱. کافی مرحوم کلینی؛ الارشاد مرحوم شیخ مفید.

شیعه و سنی در این باره ۹۲۵ حدیث است. در بسیاری از همین روایات، به نام دوازده نفر تصریح شده و این که اولشان امام علی علیه السلام و آخرشان امام مهدی موعود علیه السلام است و این که نه نفر از آنان، از نسل امام حسین علیه السلام هستند.^۱

با توجه به این احادیث چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام توابعی دارد یعنی، هر چند پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور حتم و لزوم، به قبول نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی‌انجامد؛ ولی اهل سنت را مقابل انبوهی از روایات قرار می‌دهد که باید در توجیه آن روایات، خود را به زحمت و مشقت بیندازند، لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می‌شوند.

۱. در تعدادی از این روایات، نام تمام دوازده نفر، یک به یک ذکر شده است. همچنین در روایات متعددی آمده است که مهدی علیه السلام از اولاد امام علی علیه السلام است (۲۱۴ حدیث) و مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیه السلام است (۱۹۲ حدیث) و امام مهدی علیه السلام نهمین از اولاد امام حسین علیه السلام است (۱۴۸ حدیث) و امام مهدی علیه السلام از اولاد امام محمد باقر علیه السلام است (۱۰۳ حدیث) و امام مهدی علیه السلام ششمین اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است (۹۹ حدیث) و این که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۴۵ حدیث) و نام پدر امام مهدی علیه السلام حسن است (۱۴۸ حدیث). برای اطلاع تفصیلی، مراجعه کنید به کتاب *منتخب الاثر*، نوشته آیت‌الله صافی گلپایگانی که این احادیث را به تفصیل و با ذکر منابع و مصادر شیعی و سنی آن نقل کرده است.



گرایش انجمن حجتیه در گذشته و برنامه‌های آنها را توضیح دهید؟^۱

در گذشته (زمان رژیم پهلوی) دو خطر عمده دین را تهدید می‌کرد:

۱. حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می‌داد که متدینان و ملی‌ها و حتی رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.
۲. خطر بهائیت که فقط متدینان روی آن حساسیت داشته که پس از شهریور ۱۳۲۰ متوجه شدند آن‌ها در دستگاه پهلوی هم نفوذ کردند که به مبارزه با آن پرداختند. با این وجود به لحاظ حمایت رژیم پهلوی، بهائیت در سطح بالای کشور (نخست‌وزیر، برخی از وزرا و...) نفوذ کردند.

انگیزه تشکیل انجمن: در این اثنا تشکلی مذهبی از اواسط دهه سی به هدف مبارزه با بهائیت تهران و سایر شهرستان‌ها پدید آمد. رهبری این تشکل از سال ۱۳۳۲ق در اختیار یک روحانی قرار گرفت که به جز سوابق حوزوی، در نهضت ملی شدن نفت نیز فعال بود. این تشکل که «انجمن خیریه حجتیه» نامیده شد نه تنها در حوزه مبارزه با بهائیت، بلکه در محدوده وسیع‌تر و حتی بیش از دو دهه در تعمیق بسیاری از آموزش‌های دینی، ولی با برداشتی خاص

۱. این مطالب درباره انجمن حجتیه از کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی*، نوشته رسول جعفریان ص ۳۶۸ - ۳۷۸ چاپ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۸۳، استفاده شده است.

در سطح جامعه مذهبی ایران مؤثر بود.

انجمن خیریه حجتیه مهدویه به سال ۱۳۳۲ش با تلاش حاج شیخ محمود تولایی (مشهور به حلبی) فعالیت خود را آغاز کرد، وی در سال ۱۲۸۰ش در شهر مشهد به دنیا آمد. وی دروس حوزوی خود را نزد اساتید به نام مشهد خواند. او افزون بر حضور در دروس خارج اصول فقه به تحصیل دروس معارف الهیه پرداخت که آثاری از او به جای مانده است. کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ش تبلیغ در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورد، تا آن جا که چندین سخنرانی وی از رادیو مشهد پخش و بعداً به صورت مجموعه‌ای به چاپ رسید.

در اواخر سال ۱۳۲۸ حلبی همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن‌ها و هیئات مذهبی به طور منظم با بهائیان درگیر بودند.

مرحوم حلبی در آستانه ملی شدن صنعت نفت به فعالیت‌های تبلیغی - سیاسی خود افزود و پس از آن، در جریان شکستی که در انتخابات مجلس هجدهم خورد، از فعالیت سیاسی کناره گرفت و دو سال بعد، به تهران آمد و به همان کار خطابه و منبر مشغول شد. وی بخشی از فعالیت خود را به مبارزه با بهائیت اختصاص داد و تا پایان عمر همین مشی را ادامه داد. ایشان، روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۷۶ درگذشت و کنار مزار شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری به خاک سپرده شد.

مرحوم حلبی با همکاری جمعی از متدینان که با عنوان هیأت

مدیره، امور انجمن را اداره می‌کردند تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت فرهنگی برضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان اهتمام داشت. انجمن طی ۲۵ سال فعالیت ضمن مبارزه با بهائیت، توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را در بسیاری از شهرها به خود جذب کند.

انجمن اساسنامه‌ای داشت؛ از جمله مواد این اساسنامه این بود که «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسؤولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، به عهده نخواهد داشت». (قابل ذکر است بعدها از این شعار دست برداشته و خلاف آن عمل کردند). این همان بندی بود که انقلابیون پیش و پس از انقلاب از آن ناراحت بودند.

زمینه‌های فعالیت: انجمن در هر شهر دفتری داشت که تحت عنوان بیت (بیت امام زمان) شناخته می‌شد. این بیت، مسؤولی داشت و زیر نظر وی سه گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می‌کردند. گروه نخست، به آموزش نیروها در سه مرحله ابتدایی، متوسطه و عالی می‌پرداختند. گروه دوم، به دنبال افرادی از مسلمانان بودند که تحت تأثیر بهائی‌ها به آیین آن‌ها گرویده بودند. و گروه سوم، کار ارشاد این افراد را با شیوه‌های خاص خود دنبال می‌کردند.

سخنرانی‌های عمومی در محافل که بیشتر، منازل بود، برگزار می‌شد و به طور معمول در سالروز تولد امام عصر علیه السلام نیز جشن‌های

بزرگی برگزار می‌شد. بیشتر افرادی که از بهائیت برمی‌گشتند، توبه نامه و تبری نامه‌ای می‌نوشتند که متن بسیاری از آن‌ها در یک مجموعه در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

وضعیت بعد از انقلاب اسلامی: به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی که به نوعی پیروزی مذهبی‌های سیاسی بود، انجمن به موضع انفعال افتاد و نیروهای تربیت شده در انجمن در سطوح مختلف، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. برخی به انقلاب اسلامی پیوستند؛
۲. برخی برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند؛
۳. برخی به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند...

انجمن، چندی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در شهریور ۱۳۵۷ مواضع خود را در ارتباط با سیاست تغییر داده شروع به همراهی انقلاب کرد. (از جمله مواضع پیش از انقلاب این گروه: انقلاب امر ناممکن است، مگر آن که وابسته به یک قدرت خارجی باشد... همچنین می‌گفتند چه کسی مسؤول خون‌های ریخته شده در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد از آن می‌باشد؟)

پس از انقلاب از سوی برخی از رهبران انقلاب، انجمن به عنوان یک عنصر خطرناک معرفی شده و برای جلوگیری از نفوذ آن در مراکز، تبلیغات وسیعی بر ضد آنان شد و به مرور، به حذف شمار زیادی از چهره‌های مذهبی باسابقه منجر شد. طبعاً برخی از سوابق برخورد‌های منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب یک تجربه برای

موضع گیری بر ضد آنان مورد استفاده قرار گرفت، برای نمونه، امام خمینی رحمته الله علیه که در روزگاری آقای حلبی را تایید می کرد، در سال‌های پیش از انقلاب، به تدریج به حرکت انجمن بدبین شده و حمایت خود را قطع کرد. آقای گرامی - فردی که اخبار داخلی ایران را برای نجف می نوشته است - نامه‌ای در این باره به امام نوشته که پاسخ امام رحمته الله علیه این بوده است: «از وقتی که مطلع شدم، دیگر تأییدی نکردم».

این جهت گیری‌ها ادامه پیدا کرد تا سرانجام در اثر بروز انحرافات میان برخی از افراد انجمن (از قبیل کج اندیشی درباره خون شهیدان و شهید ندانستن کشته‌های جنگ تحمیلی و...) امام خمینی رحمته الله علیه در سخنرانی عید فطر سال ۱۳۶۲ بدون تصریح به نام انجمن، هشدارهای تکان دهنده دادند و در ضمن از ایشان خواسته شد که انحرافات خود را کنار بگذارند.

انجمن در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد و ضمن آن توضیح داد که خود را مصداق سخنان رهبر انقلاب نمی داند. بدین ترتیب انجمن منحل شد.

فصل دوم

مهدی شناسی



چگونه می‌توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر علیه السلام بالاتر برده و عمیق‌تر کنیم؟

۱. مطالعه: مطالعه کتاب‌ها و گفت و گو با اندیشوران و صاحبان علم و فکر و تدبر در آن‌ها.
۲. توجه به خدا: توجه به حضرت حق و دعا و انابه به درگاه او و توجه به وظایف دینی، تا دل روشن و پاک گردد و بتواند تجلی‌گاه انوار و معارف حق باشد. این انوار، هم الهامات الهی را شامل می‌شود و هم تفکر.



خلاصه‌ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را تشریح کنید؟

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق در سامرا - یکی از شهرهای عراق - دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، پیشوای یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کنیه امام زمان علیه السلام همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و لقب‌های مشهور آن حضرت عبارت است از: مهدی (هدایت شده‌ای که مردم را به حق می‌خواند)، قائم (قیام برای حق می‌کند)، منتظر (همه، در انتظار مقدم اویند)، بقیة الله (باقی مانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره او)، صاحب الزمان و ولی عصر (حاکم و فرمانروای یگانه زمان).

با توجه به این که فرمانروایان ستمگر عباسی به دنبال قتل آن بزرگوار بودند، لذا ولادت آن حضرت پنهانی بود. حتی نزدیکان امام عسکری علیه السلام نیز از ولادت او بی‌اطلاع بودند. حکیمه خاتون (عمه بزرگوار امام یازدهم) که بزرگ بانوان حرم اهل بیت علیهم السلام بود نیز در شب نیمه شعبان و چند ساعت پیش از ولادت، از واقع شدن این امر بزرگ آگاه شد و این، بدان سبب بود که اثر حمل و نشانه بارداری در نرجس خاتون، به قدرت خدا، دیده نمی‌شد.

در روایات، شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است از

جمله: چهره‌ای گندمگون، پیشانی بلند، ابروان هلالی، چشمان سیاه و درشت و... او اهل عبادت و شب زنده‌داری، زهد و پارسایی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری و... است.

زندگی آن حضرت شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

دوران اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت که از آغاز ولادت تا شهادت پدر را شامل می‌شود. در این دوران امام حسن عسکری علیه السلام با نوشتن نامه و دادن عقیقه، نزدیکان و خواص را از ولادت امام مهدی علیه السلام آگاه کرد.^۱

در این دوره، برخی افراد، به دیدار امام زمان علیه السلام موفق شدند. محمد بن عثمان که یکی از بزرگان شیعه است، می‌گوید: چهل نفر از شیعیان، نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من این، امام شما و جانشین من است. از او فرمان ببرید و بعد از من، در دین خود پراکنده نشوید که هلاک می‌شوید».^۲

دوران غیبت: این زمان، از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شروع می‌شود و تا ظهور ادامه دارد. علت غیبت آن حضرت، به روشنی معلوم نیست؛ ولی از حکمت‌های آن، نجات از قتل و امتحان مردم است.

غیبت آن حضرت دو مرحله دارد:

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۲، ح ۱۰.

۲. همان، ب ۴۳، ح ۲.

الف. غیبت کوتاه مدت (صغرا) که از سال ۲۶۰ (هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام) تا سال ۳۲۹ یعنی حدود هفتاد سال طول کشید.

مهم‌ترین ویژگی این دوره، آن است که مردم، از طریق نمایان خاص، یعنی عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح و علی بن محمد سمري، با امام مهدی علیه السلام در ارتباط بودند و به وسیله آنان، سؤالات خود را می‌پرسیدند و پیام‌ها و پاسخ‌های حضرت را دریافت می‌کردند. در این دوره نیز برخی از ارادتمندان، موفق به دیدار حضرت شدند.

ب. غیبت بلند مدت (کبرا): در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام زمان علیه السلام در نامه‌ای خطاب به او، خبر رحلت او را تا شش روز دیگر اعلام می‌کند. امام، از او می‌خواهد که دیگر فردی را به عنوان نایب خاص معرفی نکند. بدین گونه دوران غیبت کبرا شروع شد.

امام، در این دوره، عالمان و فقیهان را به عنوان نمایان عام به مردم معرفی کرد و از آنان خواست که در امور خود به عالمان رجوع کنند.^۱

البته باید توجه داشت هر چند امام در پرده غیبت قرار دارد؛ مردم همچنان از شمع وجود او بهره می‌برند. در روایت مشهور از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^۲ و خود حضرت مهدی علیه السلام^۳ «امام غایب» به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از آن بهره می‌برند.

در این دوران پرفراز و نشیب، مردم باید در انتظار مقدم او باشند

۱. همان، ب، ۴۵، ح ۴۵.

۲. همان، باب ۲۳، ح ۳.

۳. همان، ب، ۴۵، ح ۴.

و به وظیفه یک منتظر واقعی عمل کنند و برای ظهور، زمینه‌سازی بکنند. در این دوران برخی نیز موفق به دیدار آن عزیز شدند که نمونه آن، تشریف حاج علی بغدادی است که در کتاب *مفاتیح الجنان* ذکر شده است.

دوران ظهور: این دوره، از ظهور حضرت تا رحلت ایشان را شامل می‌شود. پس از آن که شرایط ظهور فراهم گشت و علایم ظهور؛ مانند خروج سفیانی و ندای آسمانی پدیدار شد، آن یگانه دوران، در مکه ظاهر می‌شود و همراه یاران، در مسجد الحرام، ظهور خود را اعلام می‌دارد. پس از سیطره بر مکه و اصلاح امور، به طرف مدینه و سایر نقاط به حرکت در می‌آید و با پاکسازی جهان از ظلم و شرک، عدل و دین را بر این زمین خسته از سیاهی می‌گستراند. در این دوران است که زمین، خرم و آباد می‌گردد و برکاتش را به مردم ارزانی می‌دارد.



ویژگی‌های حضرت مهدی چیست؟

از امام حسین علیه السلام نقل شده است:

تعرفون المهدی بالسکينة و الوقار و بمعرفة الحلال و الحرام و بحاجة الناس اليه و لا يحتاج الي احد؛ مهدی

را با آرامش و وقار و شناخت حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی‌نیازی او از دیگران خواهید شناخت.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لاطعامه الا الجشب^۱؛ به خدا سوگند! لباس او جز پارچه‌ای زبر و خشن و غذای او، جز غذای ساده نیست.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

يكون اعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و اسخى الناس و اعبد الناس^۲؛ او عالم‌ترین مردم و حکیم‌ترین مردم و با تقواترین مردم، و سخی‌ترین مردم و عابدترین مردم است.

صاحب کتاب *بشارة المصطفى* از لیث‌بن طاوس نقل می‌کند که:

المهدى سَمح بالمال رحيم بالمساکين، شديد على العمال^۳؛ مهدی، بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسؤولین دولت خویش بسیار سختگیر و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. معانی الأخبار، ص ۱۰۲.

۳. بشارة المصطفى، ص ۲۰۷.



چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می‌باشد؟

باید دانست که حاضر و ناظر دانستن امام به این معنا نیست که امام با چشم سر، افراد را نگاه می‌کند؛ همان‌گونه که شاهد و ناظر بودن خدا نیز شهود و دیدن مادی نیست. بلکه امام دارای حقیقت وجودی بسیار بلندی است که مربوط به گستره این عالم مادی نیست. در بسیاری از اخبار، برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام غیر از آنچه که ما آن را نفس و روح می‌نامیم، مقامی والاتر اثبات شده و آن مقام نورانیت است. در روایتی نقل شده است «نخستین چیزی که خدای متعال آفرید، نور پیامبر اکرم و امامان بود»^۱. در روایت دیگر آمده است: «خداوند در آغاز، نور محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَام را خلق کرد»^۲ و در روایتی دیگر بیان شده است: «خداوند، از نور عظمت خویش، آنان را آفرید»^۳.

آفرینش از نور خدا، چندان برای ما روشن نیست، ولی می‌توان گفت غیر مادی و مقامی بس بلند است. این مقام نورانیت، چون محیط و دربردارنده زمان‌ها و مکان‌ها است، بر همه چیز احاطه

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۵۴، ص ۱۷۰.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۴.

وجودی دارد و نمونه و مثلی است برای علم الهی؛ یعنی همان‌گونه که خدای متعال بر همه ما سوای خویش، احاطه حضوری دارد و این، به زمان و مکان ربطی ندارد، آن‌ها نیز که مظهر تام اسمای الهی‌اند و علمشان هم مظهر علم الهی است، به موجودات احاطه حضوری دارند. بر این اساس، استقرار حضرت در مکانی از مکان‌های این کره خاکی، با شاهد و ناظر بودن او منافاتی ندارد. استقرار برای بدن مادی است و شاهد و ناظر بودن، مربوط به مقام نورانیت و روح مظهر آنان که وسعت وجودی دارد می‌باشد.^۱



لطفاً در مورد آیات و روایاتی که در مورد عرضه کردن اعمال ما به ائمه صحبت می‌کنند کمی توضیح دهید؟

خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرِسُولُهُ و

المؤمنون﴾^۲؛ بگو: عمل کنید، خداوند و فرستاده او و

مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند....

از طرفی، نبی مکرم اسلام ﷺ شاهد و گواه امت است: «یا ایها النبی

۱. معارف قرآن، بحث انسان‌شناسی، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

۲. توبه (۹): ۱۰۵.

إنا أرسلناك شاهداً؛^۱ و «فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد و جئنا بك على هؤلاء شهيداً»^۲.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

هر عملی که انسان انجام می دهد، از خیر یا شر، خدا و رسولش و مؤمنان، حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می کند.^۳

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

در هر بامداد، کردار بندگان نیکوکار و فاسق بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود؛ پس بر حذر باشید از کردار ناشایست. همین است معنای قول خدای تعالی «قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله...»^۴.

همین طور در تفسیر آیه شریف ۵ سوره بقره که از نزول ملائکه و روح صحبت می کند، مفسرین با استدلالات عقلی و نقلی بیان می کنند که کسی جز وجود مقدس حضرت ولی عصر و حجت خدا نمی تواند محل نزول ملائکه باشد که امور بندگان به او عرضه می شود.

از امام رضا علیه السلام هم روایت شده است:

«و الله ان اعمالکم لتعرض علیّ فی کلّ یوم و لیلة»؛ به

۱. احزاب (۳/۳): ۴۵؛ «ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم».

۲. نساء (۴): ۴۱؛ «حال آنان چگونه است آن روز که برای هر امت، گواهی بر اعمالشان می طلبیم و تو را گواه بر اعمال آنان قرار خواهیم داد»

۳. المیزان، ج ۹، ص ۳۹۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود.^۱

بنابراین پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام از حقیقت اعمال بندگان با خبر هستند و اعمال آنان را مشاهده می‌کنند.



آیا موقع گناه، امامان علیهم‌السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیهم‌السلام عرضه می‌شود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟

معنای ستار بودن خدا، آن است که اعمال انسان‌ها را از دیگر انسان‌ها می‌پوشاند تا آبروی آنان حفظ گردد. پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام مظهر اسما و صفات الهی هستند. همان‌گونه که خداوند، ناظر بر اعمال مردم است، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام نیز چشم خدا میان خلق هستند و اعمال آنان را می‌بینند.^۲

ضمن آن که نظارت پیامبر ﷺ و امام علیهم‌السلام بر اعمال مردم، همانند نظارت خداوند، آثار سازنده فراوانی دارد؛ یعنی همان‌گونه که

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ همان‌طور که می‌دانید در سؤال امامت فرقی بین امام رضا علیهم‌السلام و امام زمان علیهم‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام نیست.

۲. آن روایتی که فرموده است خدا، اعمال را حتی از چشم پیامبر ﷺ مخفی می‌کند، به مواردی خاص اشاره دارد، تا رحمت بی‌کران الهی را به تصویر کشد.

ستاریت پروردگار، برای تربیت و رشد مردم است، عرضه اعمال مردم بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز در همین جهت است؛ زیرا آنان، هادیان امت از طرف خدایند و فیض الهی از طریق آن بزرگواران بر بندگان نازل می‌شود؛ بنابراین، هیچ تنافی و تناقضی مشاهده نمی‌شود.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

خداوند متعال که ستار العیوب است، می‌داند کجا ستاری بکند و کجا ستاری نکند. اگر کسی ستار عیوب دیگران باشد و در عین حال مخفیانه مرتکب گناهی شود، ذات اقدس اله اجازه نخواهد داد اسرارش نزد دیگران افشا شود. حتی در قیامت خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی که کنار یکدیگرند از اعمال هم باخبر شوند؛ بنابراین، عملکرد خود شخص بسیار مهم است. اگر کسی پرده دیگران را ندرد و آشکارا به گناه دست نیازد، خداوند پرده‌اش را نمی‌درد. بر این اساس، کسی که با قلم و بیان و اندیشه‌های ناصواب خود، آبروی دین خدا و مردم را می‌برد، به جایی می‌رسد که شایسته نیست خداوند متعال آبروی او را حفظ کند. در این موقعیت، خدای سبحان اجازه می‌دهد صاحب‌بدلان ببینند او چه کرده است و حتی احتمال دارد در قیامت، مقابل دیگران رسوا شود.^۱

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۲، ص ۵۶.

۱۵

این که امام زمان علیه السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند معتبر است یا نه؟

دلیل معتبری نداریم که موضوع ازدواج حضرت مهدی علیه السلام و وجود فرزند برای آن حضرت را به طور قطع، اثبات یا نفی کند. البته، بعضی برای اثبات ازدواج حضرت دلیل آورده‌اند که ازدواج، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و امام مهدی علیه السلام، حتماً به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می‌کند؛ ولی باید گفت، آن حضرت، در شرایط غیبت به سر می‌برد که یک زندگی استثنایی است؛ بنابراین، امکان دارد ازدواج را تا عادی شدن زندگی خود، به تاخیر بیندازند.

در عین حال، اگر حضرت، در همه عمر شریف خود یک بار هم ازدواج کرده باشد و در زمانی محدود، همسری داشته باشد، به سنت نبوی عمل کرده است. و لزومی ندارد همیشه، همسر و فرزندی داشته باشد.

روایات و ادعیه‌ای که برخی به آن‌ها استناد می‌کنند و برای حضرت فرزندی را می‌شمارند، در مواردی، به دو صورت است؛ در یک روایت، کلمه «ولد» (فرزند) ذکر شده و در روایتی دیگر، کلمه «ولی» (ملازم). به علاوه، معمول آن‌ها، قابل حمل و تطبیق به زمان ظهور است. برخی، استنادشان به جزیره خضرا و مانند آن است که اصل چنین قضایی، بسیار محلّ نظر و تأمل است (که در محل

خود به آن اشاره شده است).

در مقابل، برخی دیگر، ازدواج و همسر و فرزند داشتن را منافی با امر غیبت و از لحاظ اجتماعی، قابل سوء استفاده دانسته‌اند. همچنین در روایتی نقل شده: به امام رضا علیه السلام عرض کردند: «برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود، تا آن که نسل خود را ببیند». حضرت فرمود: آیا درباره این حدیث گفته نشده است که: «به جز قائم»^۱.

بنابراین، در باره ازدواج و همسر و فرزند داشتن حضرت یا نفی آن، به صورت قاطع، نمی‌توان سخن گفت. علاوه بر این‌که این مسأله، یکی از مباحث فرعی در میان مباحث مهدویت است که اطلاع نداشتن از آن، ضرری ندارد و پی‌گیری آن نیز ثمری ندارد.



محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟

آنچه درباره محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود، براساس حدس و گمان است؛ زیرا غیبت امام، خود دلیل روشنی بر آن است که مکان شناخته شده‌ای برای آن حضرت، وجود ندارد. داستان جزیره خضرا که در *بحار الأنوار* آمده است، اعتباری ندارد

۱. اثبات الوصیة، ج ۳، مؤسسه انصاریان، ص ۲۰۸.

و عالمان و کارشناسان دینی، آن را رد کرده‌اند و دلایل سستی و بی‌اعتباری آن را بیان کرده‌اند.^۱ در این داستان، ادعا شده است که امام مهدی علیه السلام و فرزندانش، در جزیره‌ای سبز و خرم زندگی می‌کنند. این مطلب، با آنچه درباره امامان معصوم علیهم السلام شنیده‌ایم، از همراهی و همسانی با شیعیان که در سختی‌ها و رنج‌ها زندگی می‌کنند، سازگاری ندارد. نیز این داستان مشتمل بر مطالبی متناقض و متضاد است و در آن سخن از تحریف قرآن به میان آمده است. به علاوه، راوی این داستان نیز ناشناس است. مرحوم مجلسی، خود می‌گوید داستان جزیره خضرا را در کتب معتبر نیافتیم.^۲

مقابل داستان فوق، روایاتی داریم که می‌گوید آن حضرت، میان مردم زندگی می‌کند و در راه‌های آن‌ها قدم می‌گذارد و بر فرش‌های آنان، پا می‌نهد. این‌ها، حاکی از حضور مداوم و مستمر حضرت در میان شیعیان است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: سوگند به خدای علی! حجت خدا، میان مردم هست و در راه‌ها گام بر می‌دارد؛ به خانه‌های آن‌ها سر می‌زند و در شرق و غرب زمین، رفت و آمد می‌کند. گفتار مردم را می‌شنود و بر ایشان سلام می‌کند و می‌بیند و دیده نمی‌شود، تا وقت معین و وعده الهی.^۳

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی و جزیره خضرا، افسانه یا واقعیت، ترجمه و تحقیق: ابوالفضل طریقه‌دار.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۳. الغیبیه، نعمانی، باب ۱۰، حدیث ۳، ص ۱۴۴.



چطور ممکن است امام مهدی علیه السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟

این امر از چند جهت قابل بررسی است:

– دیدگاه علوم تجربی: عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری غیر ممکن نیست و دانشمندان، با مطالعه اجزای بدن، به این حقیقت رسیده‌اند که ممکن است انسان، سال‌های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود.
برنارد شاو می‌گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر، نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسأله مرزناپذیری است.^۱

پروفسور اتینگر می‌نویسد:

به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم، بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.^۲

– بیان کتب و ادیان آسمانی: عمر طولانی در گذشته تاریخ

۱. راز طول عمر امام زمان علیه السلام، ص ۱۳.

۲. مجله دانشمندان، سال ۶ ش ۶ ص ۱۴۷.

انسان‌ها بارها تجربه شده است و در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است؛ برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن، آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی، بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه دربارهٔ حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر او [یونس علیه السلام] در شکم ماهی تسیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.^۱

با توجه به این آیه شریف، عمر بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست‌شناسان، عمر جاویدان نامیده می‌شود، برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.

۲. قرآن کریم دربارهٔ حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید:

به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس ۹۵۰ سال میان آن‌ها درنگ کرد.^۲

آنچه در این آیه شریف آمده است، مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال طول کشیده است.^۳

۳. قرآن دربارهٔ حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

۱. صافات (۳۷): ۱۴۴.

۲. عنکبوت (۲۹): ۱۴.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳.

... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه امر به آن‌ها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند، توانا و فرزانه است.^۱

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند عیسی علیه السلام زنده و در آسمان‌ها است و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرود آمده، او را یاری خواهد کرد.

علاوه بر قرآن، در تورات و انجیل نیز سخن از دراز عمران مطرح گردیده است. در تورات آمده است:

... تمام ایام «آدم» که زیست، ۹۳۰ سال بود که مُرد...
جمله ایام «انوش» ۹۰۵ سال بود که مُرد... و تمام ایام
«قینان» ۹۱۰ سال بود که مُرد... پس جمله ایام
«متوشالحو» ۹۶۹ سال بود که مُرد...^۲

در *انجیل* نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن، زنده گردیده و به آسمان رفته است و در روزگاری فرود خواهد آمد^۳. مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

— قدرت الهی: گذشته از این که طول عمر، از نظر علمی و عقلی

۱. نساء (۴): ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲. *زنده روزگاران*، ص ۱۳۲ به نقل از تورات - ترجمه فاضل خانی - سیفر پیدایش، باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.

۳. همان، ص ۱۳۴ به نقل از عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.

پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی، تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سببها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد. اگر او نخواهد، سببها از تأثیر باز می‌ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند. او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می‌سازد^۱ و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آن‌ها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد.^۲ آیا از این که به عصاره انبیا و اولیا و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق‌بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!



آیا عمر طولانی از نظر عقل امکان‌پذیر است؟

همه امور، از دیدگاه عقل به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:
الف. امور عادی: اموری که طبق روند طبیعی شناخته شده تحقق می‌یابند.

ب. امور محال: اموری که امکان پیدایش آن‌ها نیست؛ زیرا شرایط

۱. انبیا (۲۱): ۶۹

۲. شعرا (۲۶): ۶۳

تحقق پدیده در آن‌ها موجود نمی‌باشد. باید توجه داشت که امور محال نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. محال عقلی: امری که از نظر عقل، به هیچ عنوان موجود نمی‌شود؛ زیرا به تناقض می‌انجامد.

۲. محال عادی: امری که تحقق آن، در حالت عادی محال است؛ ولی عقل پیدایش آن را نفی نمی‌کند؛ مانند معجزاتی که از انبیای گرامی صادر می‌شد. این گونه امور، چون دارای شرایط و زمینه‌های شناخته شده نیستند به صورت عادی محال است موجود شوند؛ ولی با وجود علل و شرایط خاص، عقل پیدایش آن‌ها را ممکن می‌داند (البته این دیدگاه، تبیین دیگری از قدرت خدا است).^۱

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم علیه السلام، نیز از جمله امور محال عادی و به عبارت دیگر خرق عادت است و علم نمی‌تواند خرق عادت را نفی کند در این زمینه مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید:

کسی که به اخباری که در خصوص امام غایب از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده مراجعه نماید، خواهد دید نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت معرفی می‌کنند. البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و

۱. ر.ک: نگین آفرینش، ص ۹۴-۹۸، جمعی از نویسندگان، مرکز تخصصی مهدویت.

عواملی که در جهان کار می‌کنند تنها همانها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم، یا نفهمیده‌ایم، وجود ندارد. از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید و از اینجاست که جهان پزشکی تا کنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی، نومید و مأیوس نشده است.^۱

۱. شیعه در اسلام؛ علامه طباطبایی، بخش سوم، ص ۲۳۵.

فصل سوم

امام مهدی عَجَّالُ الْمَعَالِي
قُرَّةُ عَيْنِ السُّرُوفِ در قرآن



قرآن کریم برای معرفی افراد از چه روشهایی استفاده کرده است؟

قرآن کریم، در جایگاه قانون اساسی اسلام، در موارد متعدد، کلیات مسائل اسلامی را مطرح کرده است و بیان بسیاری از حقایق را به پیامبر ﷺ و جانشینان او واگذار کرده است و صریحاً، پیامبر ﷺ را مبین و مفسر قرآن معرفی کرده است:

﴿ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ﴾؛ قرآن را بر تو نازل کردیم، تا آنچه را بر مردم نازل شده است، برای آنان بیان کنی.^۱

نکته لطیف این که خداوند از کلمه «تبیین» استفاده کرده است که به معنای توضیح و تفسیر است، نه از الفاظی مانند قرائت و تلاوت که به معنای خواندن است.

۱. نحل (۱۶): ۴۴.

خداوند، در قرآن کریم برای معرفی افراد از روش‌های مختلفی استفاده کرده است؛ برای نمونه:

الف. معرفی به نام: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۱؛ «محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است».

ب. معرفی با عدد: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾^۲؛ «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آن‌ها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم».

ج. معرفی با صفت: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾^۳؛ همانا که از فرستاده (خدا) پیامبر امی پیروی کنید؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند: آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد...».

۱. احزاب (۳۳): ۴۰.

۲. مائده (۵): ۱۲.

۳. اعراف (۷): ۱۵۷.



با توجه به اینکه نام پیامبر عجل الله فرجه در تورات ذکر شده است، چرا نام حضرت مهدی عجل الله فرجه به صورت صریح در قرآن نیامده است؟

غیر از وجود مقدس امام مهدی عجل الله فرجه موارد فراوان دیگری هست که در قرآن به صراحت از آن‌ها سخن به میان نیامده است.

این که نام پیامبر اسلام ص با صراحت در تورات آمده است، دلیل بر این نیست که باید نام امام مهدی عجل الله فرجه هم در قرآن با صراحت بیاید؛ چون، ممکن است همان‌گونه که آن‌جا مصلحت در ذکر صریح نام پیامبر ص بود، این‌جا مصلحت در عدم تصریح به نام امام مهدی عجل الله فرجه باشد، اگر چه با تصریح نام نیز مشکل حق‌ستیزان حل نمی‌شود؛ چنان که بشارت پیامبر در تورات و انجیل آمد؛ ولی بسیاری از اهل کتاب ایمان نیاوردند. مخالفت بنی اسرائیل با پیامبر زمان خود درباره فرماندهی طالوت^۱ دلیل دیگری است بر این که ذکر «نام» همه جا و همیشه اختلاف را از بین نمی‌برد. بنی اسرائیل در مخالفتی آشکار با پیامبرشان - با این که نام فرمانده به صراحت گفته شده بود - گفتند:

﴿ اِنِّي يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ
وَلَمْ يُوتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ ﴾^۲؛ چگونه او فرمانروای ما

۱. بقره (۲): ۲۴۶-۲۵۲.

۲. بقره (۲): ۲۴۷.

باشد. با این که ما برای فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او مال گسترده‌ای هم داده نشده است».

برخی از بزرگان گفته‌اند اگر نام امام مهدی علیه السلام یا سایر امامان، با صراحت در قرآن ذکر می‌شد، انگیزه مخالفان برای تحریف قرآن، فراوان می‌شد و این سند جاوید الهی، در خطر تحریف قرار می‌گرفت. به علاوه این‌گونه نیست که تنها راه بیان حقایق، تصریح به اسم و رسم آن‌ها باشد؛ بلکه در بسیاری از موارد، با بیان ویژگی‌های یک حقیقت، البته به صورتی آشکار و روشن، می‌توان حقیقتی را به دیگران معرفی کرد. قرآن کریم، در مسأله امامت و ولایت و نیز مهدویت و حکومت عدل جهانی، از این شیوه بهره گرفته است. در آیات متعدد، ولایت پس از پیامبر^۱ و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام^۲ را در قالب بیان ویژگی‌ها و صفات، بیان کرده است. بعضی از آن‌ها عبارت است از:

«به تحقیق در زبور، از پس تورات نوشتیم که مسلماً، زمین را بندگان صالح من، به ارث خواهند برد. به یقین، در این سخن، پیام رسایی است برای قومی که بندگان خدایند».^۳

«خداوند، کسانی از شما را که ایمان آوردند و عمل

۱. مائده (۵): ۵۵.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ انبیا (۲۱): ۱۰۵ و ۱۰۶.

صالح انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعاً در زمین به خلافت خواهد گمارد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً برایشان دیشان را مستقر خواهد کرد؛ دینی که آن را برای‌شان پذیرفت و آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می‌کند؛ آن چنان که مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس بعد از آن کفر ورزد، قطعاً آنان فاسقند.^۱



آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه السلام، در نعمت‌ها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟

در این‌باره به مباحثی می‌توان اشاره کرد:

شفاعت

یکی از معارفی که قرآن در آیات فراوان به آن اشاره می‌فرماید، شفاعت است. معنای شفیع، واسطه است. خداوند، میان خود و موجودات دیگر، شفیعان یا به اصطلاح واسطه‌هایی را قرار داده است.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ نور (۲۴): ۵۵.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه، در بیان معنای شفاعت می‌فرماید:

شفاعت، دو قسم است: تکوینی و تشریحی. شفاعت تکوینی، از تمام اسباب وجودی سر می‌زند و همه اسباب، نزد خداوند، شفیع هستند؛ چون، میان خدا و مسبب خود واسطه‌اند، اما شفاعت تشریحی که در دایره تکلیف و مجازات واقع است، خود، دو نوع است: شفاعت در دنیا و شفاعت در قیامت که باعث آمرزش گناهان و قرب به خدا می‌شود.^۱

با توجه به این مطلب، آیاتی که در آن‌ها به شفاعت و سببیت اشاره شده است، واسطه فیض بودن را می‌رساند. البته این واسطه فیض بودن، شامل همه موجودات است که مصداق کامل آن، امامان علیهم‌السلام هستند؛ زیرا آنان، از نظر قدرت وجودی و قرب به خداوند، از همه موجودات بالاتر هستند؛ خداوند می‌فرماید:

«سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست».^۲

همچنین:

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست: کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟»

۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»؛ یونس (۱۰): ۳.

(بنابراین، شفاعتِ شفاعت کنندگان برای آنها که شایسته شفاعتند از مالکیت او نمی‌کاهد).^۱

مرحوم علامه طباطبایی تصریح می‌فرماید که منظور از این دو آیه، شفاعت تکوینی است^۲ در ذیل آیه دوم در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور از این شفیعان، ما هستیم، پس هر خیر و خوبی که به ما می‌رسد، با شفاعت و وساطت و سببیت امامان است. وقتی دعا می‌کنیم، امامان، مریض ما را شفا می‌دهند؛ یعنی در حقیقت، آنان در عالم تکوین تصرف می‌کنند و این بهبودی را از خداوند متعال می‌گیرند و این هم نوعی وساطت در فیض است. فرشتگان که در آیات فراونی، واسطه بین خداوند و موجودات دیگر معرفی شده‌اند، سجده بر انسان کامل می‌کنند و این خود، نشانه مقام بلند انسان کامل است. طبیعی است هر موجود قوی-تر و نزدیک‌تر به خداوند، سبب و واسطه میان خدا و موجودات پایین‌تر است؛ پس انسان کامل، واسطه میان فرشتگان و خداوند است و این واسطه بودن، همان واسطه بودن در وجود و فیض هستی است.

نورانیت

خداوند، می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ خداوند، نور آسمان‌ها و

زمین است.^۳

۱. «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» بقره (۲): ۲۲۵.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. نور (۲۴): ۳۵.

در تفسیر این آیه، مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:
«ظهور اشیا به نور الهی، عین وجود یافتن آن‌ها است».^۱

ادامه آیه می‌فرماید:

﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...﴾؛ «مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که...».

این آیه، ثابت می‌کند، نور خداوند، مثلی دارد و در روایت ذیل این آیه،
مَثَلُ به اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق داده شده است.^۲

نیز خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۳؛ زمین به نور پروردگارش روشن شد».

در تفسیر این آیه، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که «رب الارض»، یعنی امام الارض^۴ و منظور از «ربها» در آیه، امام هر عصر است.

در زیارت جامعه کبیره نیز چنین آمده است:

«و اشرفت الارض بنورکم؛ زمین، به نور شما اهل بیت، روشن شد».

با توجه به این موارد، می‌توان نتیجه گرفت خداوند، خالق و به وجود آورنده همه موجودات است؛ اما این فیض وجود، به اذن الله،

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳. زمر (۳۹): ۶۹.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

توسط امامان، به ماسوی الله می‌رسد؛ همان گونه که ربوبیت حضرت حق نیز از طریق امامان علیهم السلام، تحقق می‌یابد.

فصل چهارم

انتظار و منتظران



مقصود از انتظار فرج چیست؟

فرج، یعنی نصرت، پیروزی و گشایش. مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی‌داد است؛ بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی.

منتظر حقیقی، کسی است که به حقیقت‌خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد.

این خواسته، آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج، در حد یک ادعا و شعار بی‌محتوا باقی خواهد بود؛ از این رو، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود، فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. او، انسانی

است که حضور و غیبت امام، در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ایجاد نمی‌کند و پیش از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است.

انتظار فرج، یعنی:

- معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت؛
- عشق به عدالت و ارزش‌های انسانی؛
- امید به آینده‌ای روشن و نویدبخش؛
- تلاش برای برقراری حکومتی عدل‌پیشه و عدل‌گستر؛
- داشتن روحیه تعهد و مسؤلیت‌پذیری.

این نوع انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسی است که پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کند.^۱



چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟

انتظار فرج، به معنای امید به آینده روشن و تحقق ارزش‌ها و خوبی‌ها است. چنین نگاهی به انسان، شور و نشاط و حرکت می‌-

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

دهد؛ به گونه‌ای که هم برای اصلاح خود اقدام می‌کند و هم محیط پیرامون خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتظر، ساکت و ساکن نمی‌ماند، بلکه کارها و تلاش‌های خود را در جهت زمینه‌سازی برای تحقق ظهور انجام می‌دهد. چنین فردی در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی به دور نگه می‌دارد؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه دارد؛ بنابراین، انتظار، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

نیز انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند و به این شکل، راه را برای غلبه و پیروزی آنان هموار می‌کند. با این وصف، انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی و اسلامی موعود، ایجاد می‌کند که در سایه اعمال فردی و جمعی، کمتر به چشم می‌خورد؛ به همین سبب، با فضیلت‌ترین عمل‌ها شمرده شده است.



وظایف منتظران امام زمان عجل الله فرجه چیست؟

وظایفی که بر عهده یک منتظر است عبارت است از:

۱. معرفت و شناخت امام زمان عجل الله فرجه؛ در روایات ما، تأکید فراوان شده است که انسان باید امام زمان خود را بشناسد؛ چون، پیمودن مسیر درست و صراط مستقیم الهی، جز به معرفت او ممکن نخواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

۲. الگو پذیری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

خوشا به حال آنان که قائم خاندان مرا درک کنند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان پیش از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشند. آنان، دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت، نزد من هستند.^۲

از مهم‌ترین رفتارها، پرهیزگاری و حسن خلق است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.^۱

۳. یاد حضرت: اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می کند در همه حال، به یاد آن بزرگوار باشد و اعمال خود را از انحراف و کجی ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعاهای آن بزرگوار، توسل به آن عزیز، صدقه دادن برای سلامتی او، انجام دادن خیرات به نیابت او، دعا کردن برای تعجیل فرج او، ندبه کردن در فراق او و تجدید پیمان در یاری او، تحقق می یابد.

۴. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت: از آن جا که در زمان غیبت، خطرات فراوانی برای ایمان و عمل پیش می آید و فکرها و مذاهب انحرافی در مسیر انسان پیدا می شود و شیاطین دوست نما سعی در گمراهی انسان دارند، انسان منتظر، پیوسته در حفظ ایمان و عمل خود می کوشد. در این زمینه، او پیرو مجتهد جامع الشرایط مورد سفارش و توجه امامان معصوم علیهم السلام است؛ زیرا او کسی است که از نظر علمی و عملی، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است.

۵. زمینه سازی برای ظهور: منتظر واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می کوشد زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را تقویت کند؛ بنابراین، هم به اصلاح نَفْس و خودسازی می پردازد و هم با امر به معروف و

نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارد؛ پس او فردی متعهد برابر خود و جامعه خویش است.

۲۵

چگونه می‌توانم با حضرت ارتباط برقرار کنم؟

ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام به دو شکل ممکن است: ۱. ارتباط ظاهری و ملاقات کردن حضرت؛ ۲. ارتباط معنوی و از راه چشم دل. درباره ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام باید گفت افتخار دیدار حضرت، شرف بسیار بزرگی است؛ اما در زمان غیبت حضرت که اصل، بر پنهان بودن حضرت از دیدگان مردم است، دلیلی نداریم که درخواست ملاقات را توجیه کند. ضمن این‌که توفیق ملاقات با حضرت، تنها به خواستن و تقاضای ما بستگی ندارد؛ بلکه مشروط است به این‌که امام علیه السلام در آن، مصلحتی ببیند؛ بنابراین، به جا است که آدمی بر ملاقات با حضرت اصرار نرزد و بلکه همت خود را در راه جلب رضای آن بزرگوار، صرف کند و در این راه، از ارتباط معنوی با امام مدد بگیرد.

قرآن کریم، در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و همدیگر را به صبر وادارید و مرابطه کنید و تقوا

و خدا ترسی را پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

صبر کنید بر ادای فرائض [= در انجام تکالیف الهی

استقامت ورزید] و برابر دشمنان پایداری کنید و با

امامتان که انتظارش را می کشید، رابطه کنید.^۱

معلوم است که در پرتو رابطه معنوی مداوم با امام است که آدمی بر تعهد و پیمان خود با امام زمانش باقی می ماند و پیوسته در جهت اهداف و آرمان های امام خود حرکت می کند و خود را از انحرافات اعتقادی و عملی مصون می دارد.



چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟

برای نزدیک شدن به امام عصر علیه السلام باید به نکات زیر توجه داشت:

شناخت امام

از روایات فراوان که درباره معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، دانسته می شود که از ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام، معرفت ساحت مقدس او است. از این رو است که در روایات متعددی آمده است: «من مات و

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۹.

لم يعرف امام زمانه مات میته جاهلیة؛ هر کس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱ طبیعی است هرچه شناخت انسان از یک حقیقت، گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، امکان ارتباط باطنی با او بیشتر خواهد شد؛ آدمی، با معرفت به حضرت مهدی علیه السلام همه جا و همه وقت، حضور او را لمس می‌کند و خود را کنار او و در محضر او می‌بیند.

باید برای رسیدن به چنین شناختی از خدا یاری خواست. در دعای دوران غیبت می‌خوانیم: «خدایا حجت خود را به من بشناسان؛ چرا که اگر حجت را به من شناسانی از دینم گمراه خواهم شد».^۲

پیوسته به یاد آن حضرت بودن

برای نزدیکی به امام عصر علیه السلام که عصاره همه خوبی‌ها است، به بهانه‌های فراوان می‌توان متوسل شد؛ گاهی با زیارت «آل یاسین» به محضر مقدسش سلام داد و گاهی با «دعای ندبه» در فراق جان-سوزش ناله و فغان سرداد و همه روز با «دعای عهد» با او تجدید پیمان کرد.

تهذیب نفس و کسب فضایل روحی و معنوی

برای ارتباط و انس بیشتر با آن بزرگوار، باید در دوری از گناهان و آلودگی‌ها بکوشیم و آینه دل را برای حضور آن وجود مطهر،

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

غبارروبی کنیم و به جای رذیلت‌ها و بدی‌ها، بذر فضیلت‌ها و خصلت‌های زیبای اخلاقی را در زمین دل بکاریم. هرچه دل انسان و رفتار او، پاک‌تر باشد، قطعاً بهتر و بیشتر می‌تواند با پاک‌ترین موجود عالم، ارتباط برقرار کند؛ چون در این صورت است که سنخیت پدید می‌آید و سنخیت بین دو شیء، سبب نزدیکی آن‌ها خواهد شد. قرآن فرموده است: «لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱. مفسران گفته‌اند مراد، این است که فقط کسانی به فهم معارف عمیق قرآن راه می‌یابند که از طهارت روح برخوردار باشند. مصداق کامل اینان، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که به اسرار قرآن آگاهند و آن را برای دیگران بیان می‌کنند.

پس باید کوشید با کسب کمالات اخلاقی و تقوا، به ولی عصر علیه‌السلام شباهت یافت.

طبق آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام تقوای الهی، عبارت از انجام دادن واجبات و ترک محرمات است.



چگونه می‌توان رضایت امام مهدی علیه‌السلام را به دست آورد؟

رضایت آن بزرگوار، فقط در سایه عمل به دین و انجام وظایف و

۱. واقعه (۵۶): ۷۹؛ «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند]».

دستورات آن امکان‌پذیر می‌باشد. خداوند می‌فرماید:
 به درستی کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند،
 [خدای] رحمان، دوستی و محبت برای آنان قرار می‌دهد.^۱

طبق این آیه شریف، شرط ایجاد محبت و ارتباط، ایمان به همراه
 عمل صالح است. میان اعمال صالح، توجه به چند عمل، ارزش
 بیشتری داشته و مورد سفارش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد که با انجام
 آن‌ها می‌توان محبت و رضایت حضرت را جلب کرد؛ برای نمونه به
 برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- توجه به نماز، به ویژه نماز اول وقت: در نامه‌ای که از امام
 زمان عجل الله تعالی فرجه صادر شده، آمده است:

هیچ عملی بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛
 پس نماز بخوان و بینی او را به خاک بمال.^۲

در کلام دیگری از ایشان چنین نقل شده است:
 از رحمت خداوند به دور است کسی که [نماز] مغرب
 را تا پدیدار شدن ستارگان و نماز صبح را تا ناپدید شدن
 ستارگان به تأخیر اندازد.^۳

- دقت در کسب و مصرف مال حلال: در نامه‌ای که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه
 صادر شده، آمده است:

آنچه را برای ما فرستادی [از اموال] از آن رو می‌پذیریم

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ مریم (۱۹): ۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۵.

که پاکیزه و طاهر می‌باشند...؛ اما کسانی که اموال ما را با اموال خودشان درمی‌آمیزند، هر کس چیزی از اموال ما را حلال شمارد و آن را بخورد، همانا آتش خورده است.^۱

– پرهیز از انجام اعمال ناپسند: وجود مقدس امام زمان علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

چیزی ما را از شیعیان جدا نکرده، مگر آنچه از اعمال ایشان به ما می‌رسد که خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نداریم.^۲

– زمینه سازی برای ظهور: خواست امام زمان علیه السلام این است که دوستان در این امر مهم همت گمارند و به تأسی از آن بزرگوار، برای تعجیل در امر ظهور تلاش کنند و در این راه، هم از دعا استفاده کنند^۳ و هم در امور زندگی به عالمان مراجعه کنند.^۴ مراجعه به علما، باعث حفظ دین مردم و وحدت و انسجام میان آنان است. همچنین باید به عهدها و پیمان‌های الهی که همان اطاعت از اهل بیت علیهم السلام و عمل در طریق آن است، استوار باشند. آن حضرت

۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. «اکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که این فرج شماست»، همان، ص ۱۸۱.

۴. «فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رویدادها، به راویان حدیث ما [=علما] مراجعه کنید؛ به درستی که آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنان هستم»، همان.

فرمود:

اگر شیعیان ما، دل‌هایشان در وفای بر عهده‌ی که بر آنها است، اجتماع کند لقای ما برای آنان به تاخیر نمی‌افتد.^۱

- تلاوت قرآن: تلاوت قرآن و انس با آن از طرف حضرت بسیار سفارش شده است و در قرآن و روایات بر روی آن تأکید شده است.^۲

- زیارات قبور امامان معصوم علیهم‌السلام و خواندن زیارت جامعه کبیره و عاشورا مورد تأکید امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.



دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه‌السلام چیست؛ در حالی که خدای منان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند؟

درباره تأثیر دعا، از دو زاویه می‌توان نگاه کرد:

الف. تأثیر دعا درباره امام؛

ب. تأثیر دعا برای دعا کننده.

از نگاه اول، دعا در سلامتی حضرت، مؤثر است؛ زیرا آن حضرت به این سبب که انسان است و در همین عالم زندگی می‌کند، در معرض آفات و بلاهاست و دعا می‌تواند در دور کردن بلاها و مرض-ها از وجود عزیزش مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در بهبود

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. مزمل (۷۳): ۲۰.

بیماری اثر داشته باشد. این، با اراده خدا مبنی بر سلامتی امام، منافاتی ندارد؛ زیرا اراده خدا از طریق اسبابِ اعمال می‌شود و دعا، از مهم‌ترین وسیله‌ها و سبب‌ها برای جریان اراده خدا در زندگی است. همچنین آنچه که اراده الهی بر آن تعلق گرفته حفظ جان حضرت از مرگ است و این منافاتی با بیماری جسمی حضرت ندارد.

از نگاه دوم، آثار دعا کردن فراوان است از جمله:

دعا کردن، راهی است برای این که امام عصر علیه السلام را یاد کنیم و به این وسیله، با آن عزیز ارتباط روحی و معنوی پیدا کنیم و این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت به او است که قطعاً از سوی آن منبع جود و کرم، بی‌پاسخ نخواهد ماند و دعا کننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سبب زیاد شدن محبت آن عزیز در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد؛ زیرا ذکر محبوب، سبب فراوانی محبت نسبت به او است.

فصل پنجم

یاران و نمایان عام و خاص



نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟

مراد از نایب امام علیه السلام کسی است که در زمان غیبت آن وجود مقدس، از طرف او سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد. نایبان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. نایب خاص: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام معرفی می‌شود.

۲. نایب عام: فردی است که به طور مشخص و معین از سوی امام معرفی نشده است؛ بلکه دارای صفات و ویژگی‌هایی است که یک نایب باید داشته باشد (این ویژگی‌ها، علاوه بر این که عقل بدان‌ها اشاره دارد، در روایات نیز به آن‌ها اشاره شده است).



نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟

اولین نایب خاص، جناب عثمان بن سعید بود. کنیه وی ابو عمر و لقبش عمری بود. او از قبیله اسد و ساکن شهر سامرا بود؛ لذا گاهی عسکری نیز به او گفته می‌شود. چون شغلش روغن فروشی بود، سمان نیز خوانده می‌شد. او نایب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام هم بود و از سوی امام عسکری علیه السلام در جمع چهل نفر از شیعیان به نیابت خاص امام غایب تعیین شد.^۱

نایب دوم، محمد، فرزند نایب اول بود. او در همان شهر زندگی می‌کرد و به همان شغل پدر می‌پرداخت. او از سوی امام عسکری علیه السلام و پدر خویش به مردم معرفی شد، تا بعد از پدرش جانشین او باشد. علاوه بر این، در توقیعات مختلف امام زمان علیه السلام ایشان جانشین پدرش اعلام شد.^۲

نایب سوم، حسین بن روح نوبختی بود. او از خاندان نوبخت و ایرانی بود و در بغداد زندگی می‌کرد. وی، از وکلای نایب دوم بود و نایب دوم به امر امام زمان علیه السلام بعد از خود حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.^۳

۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۳۵۷.

۲. همان، ص ۳۶۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۲.

نایب چهارم، علی بن محمد سمري بود. او نیز با معرفی نایب سوم، نیابت را عهده دار شد که این معرفی نیز به فرمان امام زمان علیه السلام بود.^۱ و البته قرائن و نشانه‌ها و کرامت‌های فراوانی وجود داشت که شیعیان به وسیله آن‌ها یقین می‌کردند این فرد نایب واقعی امام است و راست می‌گوید.^۲



کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟

از دیدگاه عقل تنها فقها و مجتهدان جامع شرایط، می‌توانند رهبری و سرپرستی جامعه را عهده‌دار باشند؛ چرا که جامعه اسلامی باید بر اساس دستورهای دین اداره شود؛ لذا زمامدار باید مسلمانی باشد که از مبانی و احکام دین، آگاه باشد، تا بتواند طبق مقررات اسلامی، جامعه را راهبری کند. این فرد، کسی جز فقیه و مجتهد توانمند در تدبیر جامعه نیست.

امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا

فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و

۱. همان.

۲. برای اطلاعات بیشتر، رک: سازمان وکالت، دکتر جباری.

رویدادهایی که واقع می‌شود، به راویان احادیث ما [=] علما و کارشناسان دین [رجوع کنید. به درستی که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنانم].^۱

روشن است مراد از «حوادث واقعه»، پیشامدها و رخدادهایی است که بر جامعه وارد می‌شود و باید به صورت صحیح و طبق نظر دین، از آن‌ها گذر کرد و مصلحت جامعه را در سایه دین درباره آن‌ها مد نظر قرار داد.

در روایت عمر بن حنظله نیز از وجود مقدس امام صادق علیه السلام در باره وظیفه شیعه برابر مشکلات و منازعات و مرجع صالح برای رسیدگی به امور چنین نقل شده است:

باید نگاه کنند کسانی که از شما [= شیعیان] هستند، به کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما تأمل و دقت می‌کند و احکام ما را می‌شناسد؛ پس به حکم او باید راضی باشند. من او را بر شما حاکم قرار دادم. اگر او به حکم ما حکم داد و از او پذیرفته نشد، همانا به حکم خدا استخفاف ورزیده شده است و ما را رد کرده است و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این، در حد شرک به خدا است.^۲

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

۲. «بینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا، و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکما، فانی قد جعلته علیکم حاکما، فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه، فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حدالشرک بالله»؛ کافی، ج ۱، ص ۶۷.

مراد از شخص آگاه به حلال و حرام، همان فقیه است که با تامل در روایات، با احکام اسلامی و دستورهای دین آشنا می‌شود.

وجود مقدس حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمود: «اللهم ارحم خلفایی؛ خدایا! به جانشینانم رحم کن». هنگامی که دربارهٔ جانشینان پرسیدند، فرمود:

«الذین یأتون بعدی یروون حدیثی و سنتی؛ کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند».^۱

نکته مهم و قابل دقت در روایت، این است که حضرت، به مهم‌ترین ویژگی جانشین اشاره دارد که راوی «حدیث و سنت» و «آشنا به دستورهای دین» بودن است؛ بنابراین، طبق روایات، در دوران غیبت کبرا، فقیه و اسلام شناس، نایب امام خواهد بود.



چگونه می‌توان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟

هر کس دارای صفات خاصی باشد، به طور عام، از طرف امام زمان علیه السلام مجاز است احکام الهی را تبیین کند و شؤونی را که امام بر عهده دارد بر عهده بگیرد. مجموعه این شرایط که از قرآن و سنت استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵ و ج ۸۶، ص ۲۲۱.

۱. عالم بودن و داشتن قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن؛
 ۲. زهد و تقوا و پرهیز از دنیا پرستی و مفتون نشدن به آن؛
 ۳. داشتن بصیرت و عالم به زمان بودن.
- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از فقهاء، نفس خود را از معاصی و محرّمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد پس دیگران باید از او پیروی کنند و این خصوصیات جمع نمی‌شود مگر در بعضی از فقهای شیعه، نه همه آنها.^۱

البته هر زمان، اگر چند نفر، دارای این شرایط بودند باید اعلم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از آنان مجاز است. البته، در مسایل سیاسی و حکومتی، به سبب آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولیّ فقیه) در رأس امور قرار گیرد و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد. در این میان شناخت ولیّ فقیه به فقهاء و اهل خبره سپرده شده است.

۱. «فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام ان يقلدوه. و ذلك لا يكون الاّ بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم»؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸



ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟

با توجه به روایات، می‌توان ویژگی‌ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش: در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«در قلوب آنان [یاران مهدی علیه السلام] شکی به ذات خدا نیست»^۱

یعنی چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای تردید و شک در آنان راه ندارد.

۲. اطاعت کامل: نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز برابر مولایش، بیشتر است».^۲

۳. عبادت و صلابت: امام صادق علیه السلام دربارهٔ آنان فرمود:

شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.^۳ و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۲. همان.

۳. همان.

همچنین فرمود:

«آنان، مردانی هستند که گویا، دل‌هایشان پاره‌های آهن است».^۱

۴. جان نثاری و شهادت طلبی: امام صادق علیه السلام فرمود:
[ایران مهدی علیه السلام] در میدان رزم، در اطراف او می-
چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند.^۲
همچنین فرمود:

«آنان آرزو می‌کنند در راه خدا به شهادت برسند».^۳

۵. شجاعت و دلیری: حضرت علی علیه السلام در وصف آنان فرمود:
همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه، بیرون شده‌اند و اگر
اراده کنند، کوه‌ها را از جا می‌کنند.^۴

۶. صبر و بردباری: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه
خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند و از این‌که جان
خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند به خود نمی‌بالند
و آن را بزرگ نمی‌شمارند.^۵

۷. اتحاد و همدلی: آنان، خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی را از
خود دور کرده‌اند و همه چیز را برای هدف واحد می‌خواهند و زیر

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. روزگار رهایی، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ج ۱، ح ۴۷۷، ص ۴۱۴.

۵. همان.

یک پرچم به قیام می‌پردازند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
«ایشان، یک‌دل و هماهنگ هستند».^۱

۸. زهد و پارسایی: حضرت علی علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام فرموده است:

او، از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای پس‌انداز
نکنند و گندم و جوئی ذخیره نکنند».^۲



یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

درباره تعداد یاران حضرت مهدی علیه السلام سه دسته روایات وجود دارد:
دسته اول: روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است
که یاران حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در
جنگ بدر هستند.^۳ در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به
عنوان یاران حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است.^۴
دسته دوم: روایاتی است که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می‌کند.^۵

۱. همان، ص ۲۲۳.

۲. منتخب الاثر، فصل ۶ ب ۱۱، ح ۴.

۳. همان، فصل ۷، باب ۵، بیست و پنج روایت را با این مضمون گردآوری شده است.

۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ص ۱۱۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶ و ۳۲۶.

دسته سوم: روایاتی است که می‌گویند شیعیان در گرد حضرت جمع می‌شوند یا می‌گویند اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می‌شوند.^۱ نتیجه جمع این روایات - با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می‌شود - این است که یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می‌دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند، ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدرند. امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا می‌نگرم به قائم بر فراز منبر کوفه؛ در حالی که یارانش گرد او حلقه زده‌اند. آنان، پرچمداران و کارگزاران امام روی زمین هستند.^۲

یاران خاص، نخستین کسانی هستند که گرد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جمع می‌شوند و دعوت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با آنان شروع می‌شود. پس از آشکار شدن دعوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، تعداد ده هزار نفر، کسانی هستند که به امام عجل الله تعالی فرجه می‌پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت و تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر، قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را یاری می‌کنند. امام جواد علیه السلام فرمود:

زمانی که ۳۱۳ نفر از یاران خاص قائم، به خدمت آن بزرگوار رسیدند، خدا امر او را به جهانیان آشکار می‌کند. وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند متعال خروج می‌کند.^۳

۱. منتخب الاثر، فصل ۷، ب ۶ ص ۵۹۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۸، ح ۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

در ادامه نهضت، توده‌های انبوه مردم از سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می‌برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده‌اند، به او می‌پیوندند.^۱

اما دربارهٔ وطن اینان، باید گفت از مکان‌های مختلف هستند. در روایتی از وجود مقدس امام جواد علیه السلام نقل شده است:

«اصحابش، اجتماع می‌کنند به سوی او به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از نقاط مختلف زمین».^۲

البته در برخی روایات نام برخی افراد از بعضی شهرها ذکر شده است که نام این اشخاص مبهم است، مثلاً محمد از شهر طالقان که می‌تواند نام عده‌ی زیادی باشد و به علاوه نام برخی شهرها فرق کرده و برخی از نام‌ها مربوط به شهرهای متعدد در کشورهای گوناگون می‌تواند باشد. همچنین سند این روایت‌ها، قابل اعتماد نیست؛ لذا نمی‌توان گفت از کدام شهر، چه افرادی، از گروه یاران هستند؛ ولی آنچه مسلم است، این است که یاران حضرت، از مناطق مختلفند.

۱. منتخب‌الانبر، فصل ۷، باب ۶ ص ۵۹۷.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۶، ح ۲.



آیا انحصار یاران حضرت مهدی علیه السلام به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ چرا ۳۱۳ نفر؟

باید توجه داشت که یاران حضرت، منحصر در ۳۱۳ نفر نیست؛ زیرا حضرت، دارای سه گروه یار است که گروه اول آنان، ۳۱۳ نفرند. اینان، فرماندهان و بزرگان لشکر حضرت محسوب می‌شوند و موالیان اویند. طبیعی است هر لشکر، تعدادی محدود فرمانده دارد و بقیه، تحت نظر اینان در لشکر حضرت به سر می‌برند و حاکم را یاری می‌کنند. پس این نوع انحصار، تبعیض نیست، با توجه به این که یاران گروه دوم را لشکر ده هزار نفری و یاران گروه سوم را عموم مؤمنان تشکیل می‌دهند.

گفتنی است که دلیل خاصی در این که چرا یاران گروه اول ۳۱۳ نفر هستند وارد نشده است. شاید بتوان گفت: این که تعداد یاران امام مهدی علیه السلام همچون یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر ۳۱۳ نفر است برای آن است که یاد و خاطره جنگ بدر زنده شود. جنگی که مسلمانان عده کمی بودند با تجهیزات نامناسب، و فقط تکیه بر خدا داشته و با ایمان وارد معرکه جنگ شدند. هدف حفظ اسلام و دین بود. امدادهای خاص و ویژه الهی نازل شد، چنانچه در ابتدای سوره انفال (آیات ۷ - ۱۴) به آن اشاره شده است. جنگی که همه گروه‌های مسلمان آن زمان، در آن حضور داشتند. افراد سپاه از همه اقشار و

سنین مختلف تشکیل شده بود و پیروزی قاطع مسلمانان در آن رقم خورد. بسیاری از سران مشرک و کافر سپاه مکه کشته شدند، پیروزی در این جنگ سرآغاز بسیار زیبایی برای شروع حرکت اسلام بود.



چرا بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام مرد هستند؟

پرسش از کم بودن تعداد زنان در مقایسه با مردان، میان یاوران حضرت، حرف صحیح و پسندیده‌ای نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح برکشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و آنچه را که حضرت از او می‌خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت بایسته است، انجام دهد و در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستوره‌های او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب کبرا علیهما السلام از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هر کس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی‌بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می‌برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین نباشد و مردم از اهداف و برنامه‌های امام آگاه نباشند، طبعاً، برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی‌گیرند. زنان، در این

عرضه مهم، به خوبی می‌توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

همچنین در مواردی که یاری کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید حضور فعال‌تر داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ا- ی است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی دارد؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شد، مگر در زمان ضرورت.



آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام مهدی علیه السلام همه هم‌عصرِ زمانِ ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان می‌باشند؟

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در زمان ظهور زندگی می‌کنند. در برخی روایات آمده است که اینان شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه ﴿این ما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً﴾^۱ دربارهٔ این گروه است^۲ از روایات به خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، هم‌عصرِ زمانِ ظهورند.

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. الغیبه، ب ۲۰، ح ۳.

البته از برخی روایات، استفاده می‌شود که برخی از بزرگان روزگار گذشته، براساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

خروج می‌کنند با قائم علیه السلام از پشت کوفه - یا کعبه - ۲۷
مرد که عبارتند از: پانزده نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام
و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان
و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر؛ پس در نزد
آن حضرت، از یاران و والیان هستند.^۱

بنابراین، یاران قائم علیه السلام هم از افرادی هستند که هم‌عصرِ زمانِ ظهورند و هم از افرادی‌اند که پیش از زمان ظهور، زندگی کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند.



یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می‌شوند؟

آنچه دربارهٔ اجتماع یاران در روز موعود مطرح است، مربوط به گروه اول است. حضور یاران خاص (۳۱۳ نفر) در مکه به دو صورت قابل

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰.

تصور است:

۱. به صورت عادی: به این معنا که با توجه به آشکار شدن علایم، یارانی که توان تهیه مقدمات سفر به مکه را دارند، خود را به میعادگاه می‌رسانند.

۲. به صورت اعجاز آمیز: به این معنا که یارانی که باید در مکه حاضر باشند و نتوانسته‌اند به صورت عادی رهسپار آن جا شوند، به قدرت الهی (مثلاً طی الارض) در مکه حاضر می‌شوند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

هر کس در راه باشد، در آن ساعت می‌رسد و کسی که درگیر راه نباشد (نتوانسته حرکت کند)، از بستر خود ناپدید می‌شود و این، همان فرمایش امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود: «مفقودان از بسترهایشان» و نیز قول خداوند است که فرمود: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾^۱ پس سبقت بگیرید [از یکدیگر به] خیرات [یعنی اهل بیت] هر جا که باشید، خداوند همه شما را می‌آورد [نزد امام مهدی، هنگام ظهور]^۲.

گفتنی است ممکن است اجتماع همگی یاران، از نوعی اعجاز برخوردار باشد؛ زیرا روایات در این باره به صورت دقیق و شفاف و جزئی به همه نکات اشاره ندارند.

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.



آیا با خواندن چهل بار دعای عهد، یار حضرت مهدی علیه السلام می شویم؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس دعای عهد را چهل صبح بخواند، از یاران قائم علیه السلام خواهد بود. البته باید دانست که خواندن دعا به تنهایی کافی نیست؛ بلکه انسان باید قابلیت یآوری امام را در خود ایجاد کند.

در دعای عهد عاجزانه از پروردگار خود می خواهیم به ما قابلیت عنایت کند که بتوانیم خود را برای یآوری امام آماده کنیم و واقعاً دست بیعت و وفاداری به او بدهیم. از خداوند ظهور او را می طلبیم و از او می خواهیم ما را در امر زمینه سازی و ظهور کمک کند.

عدد چهل که در روایات متعددی مطرح شده است، بیانگر این مطلب است که تکرار عمل در چهل مرتبه تأثیر گذار است. برای نمونه در روایت آمده است:

هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند
چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می گردد.^۱

یا مناجات حضرت موسی علیه السلام در کوه طور^۲ که چهل شب به طول انجامید و یا شهادت چهل مؤمن برای میت که باعث مغفرت او می شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷ ص ۲۴۹.
۲. بقره (۲): آیه ۵۱ و اعراف (۷): آیه ۱۴۲.

شاید مراد از چهل بار خواندن دعای عهد نیز این باشد که حقیقت دعا در انسان تجلی یابد.



نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

بدون تردید، نقش زنان در تاریخ اسلام، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و هست. در صدر اسلام، زنانی چون نسیمه را مشاهده می‌کنیم که در جنگ احد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد و در این راه زخمی شد. نیز در جنگ احد، بدن امام علی علیه السلام پر از زخم شده بود، به طوری که بدن آن حضرت از شصت جا جراحت سخت برداشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو زن را به نام سلیم و أم عطیه مأمور مداوای حضرت علی علیه السلام نمود، و آن‌ها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند.

همچنین نقش پر اهمیت زهرای اطهر علیها السلام در دفاع از حریم ولایت، و رسوایی غاصبان خلافت، امری است روشن و معلوم که در جای خود بحث شده است. زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای نقش مهمی هستند.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می‌فرماید:

«با حضرت قائم علیه السلام سیزده زن همراه است». سؤال شد:

«آن‌ها چه کار می‌کنند؟» حضرت فرمود: «مجروحان را

مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند؛ همانطور که زمان

پیامبر ﷺ چنین بود.^۱

نیز امام باقر علیه السلام فرموده است:

سوگند به خدا! سیصد و اندی مرد می آیند که میانشان پنجاه نفر زن هستند. در مکه اجتماع می کنند بی آن که قبلاً وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.^۲

با توجه به این مقدمه می توان گفت:

الف. در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسأله پذیرفته شده است و می توان برای آن، مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام در امور اجتماعی و سیاسی.
۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر ﷺ که وظایفی هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند. چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر علیه السلام می توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می کرد.

ب. اگر سیره امام زمان علیه السلام ادامه سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام است، قطعاً در دولت امام زمان علیه السلام نیز زنان از یاری حضرت محروم نخواهند بود. در این باره روایات متعدد داریم.

۱. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۴۸، ص ۵۷۵ ح ۷۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام

می‌دادند، در زمان حضرت قائم علیه السلام نیز انجام خواهند داد.»^۱

در برخی روایات فقط به اجمال به حضور زن تاکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است. در برخی روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ایشان خواهند بود.^۲ البته این روایت، تعداد زنان رجعت‌کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می‌کند. همچنین برخی روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر بیان کرده‌اند؛ در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است.^۳ البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام و میان یاران آن حضرت، امری مسلم است؛ ولی باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آنچه متبادر به ذهن است) به جبهه جنگ منحصر نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلفی چون حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آن‌ها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت آن‌ها، باز است و زنان در حکومت حضرت می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛^۴

۱. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۴۸، ص ۵۷۵، ح ۷۲۵.

۲. همان.

۳. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۸۳.

۴. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری؛ نشانه‌هایی از دولت موعود علیه السلام نجم الدین طوسی.

فصل ششم

دوران غیبت



مراد از غیبت امام مهدی عج چیست؟

«غیبت» یعنی پنهان بودن و مراد از غیبت امام زمان عج این است که زندگی پنهانی دارد. با توجه به روایات می‌توان دریافت مراد از پنهان زیستی حضرت مهدی عج این است که مردم او را نمی‌شناسند؛ یعنی آن بزرگوار، میان مردم می‌باشد و آنان او را می‌بینند؛ ولی نمی‌دانند او همان امام زمان عج می‌باشد؛ لذا غیبت حضرت عج به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه شده است که با این که برادرانش برای خرید گندم به مصر رفتند و او را دیدند؛ ولی وی را نشناختند. البته در مواردی بدن حضرت نیز دیده نمی‌شود.



چه آثار و فوایدی بر وجود امام غائب مترتب است؟

به نظر می‌آید، آثار وجودی امام و حجّت خدا را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- آثاری که بر اصل وجود امام در عالم هستی مترتب می‌شود (چه امام ظاهر باشد، چه غایب)؛

- آثاری که بر افعال امام مترتب می‌شود (چه امام ظاهر باشد، چه غایب)؛

- آثاری که بر وجود امام ظاهر مترتب می‌شود.

واسطه فیض: اولین اثری که بر وجود امام مترتب است، این‌که امام، واسطه فیض الهی بر مخلوقات است و فیض الهی، به واسطه او بر بندگان نازل می‌شود. واسطه فیض بودن، دو گونه قابل تصور است: الف. نظام جهان بر اساس اسباب و مسببات است و هر پدیده‌ای از راه سبب و علت، ایجاد می‌شود. در رأس این سلسله اسباب، وجود مقدس حجت خدا است.

ب. نظام جهان، بر اساس هدف و غایتی خلق شده است و تا زمانی که غایت از این نظام و هدف آن، پابرجا است، نظام نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. هدف از خلقت عالم، امکان حیات انسان است و هدف از خلقت آدمی، عبادت و عبودیت است. عبادت و عبودیت کامل که همراه معرفت کامل است، فقط از طریق امام و حجّت خدا تحقق می‌یابد؛ پس تا زمانی که امام هست، هدف از خلقت نیز باقی است؛ لذا در

سایه وجود او نظام هستی پا برجا است.

دفع بلا: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«خداوند، ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد و

اهل یتیم را امان برای اهل زمین»^۱.

نظیر این تعبیر، از وجود مقدس امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز صادر شده است:

«من، آخرین اوصیا هستم. به واسطه من، خدا، بلا را از

خاندان و شیعیانم دفع می‌کند»^۲.

به نظر می‌آید مراد از بلا، عذاب‌هایی باشد که به سبب اعمال

ناشایست انسان‌ها باید نازل می‌شد؛ ولی به سبب آن که وجود

مقدس حجت خدا در میان مردم است، عذاب دفع می‌شود. خداوند،

به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۳؛ و خداوند، آنان را

عذاب نمی‌کند؛ در حالی که تو میانشان هستی».

امید بخشی: آدمی، به امید زنده است، امید به آینده‌ای سبز و روشن

که در آن، اثری از پلیدی و تباهی نباشد. انسان، منتظر چنین ایام

زیبایی است و بهترین عمل او نیز انتظار فرج و دمیدن صبح ظفر

است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱. «جعل الله النجوم اماناً لأهل السماء و جعل أهل بيتي اماناً لأهل الارض»؛

بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸.

۲. «انا خاتم الاوصياء و بی‌یدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی»؛ بحارالانوار،

ج ۵۲، ص ۳۰.

۳. انفال (۸): ۳۳.

«أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج؛ برترین عمل امت من،
انتظار فرج است».

وجود امامی که منتظر إذن الهی برای ظهور است، به مردم دلگرمی می‌دهد و گام‌های آنان را در جادهٔ انتظار استوار می‌کند. به راستی، آیا وجود رهبر در تبعید، انقلاب را ایجاد می‌کند و مردم را به جوشش و حرکت در می‌آورد یا وعده آمدن فردی در آینده که دوران حیاتی در این زمان برای او متصور نیست؟

خودسازی: از دیگر آثار وجودی امام، پیدایش و تقویت روحیهٔ خودسازی و تهذیب نفس است. بر اساس روایات^۲ امام و حجت خدا، ناظر و شاهد بر اعمال است. هر روز و هر هفته، اعمال انسان‌ها خدمت آن بزرگوار عرضه می‌شود. کسی که دوستدار امام باشد، راضی نمی‌شود امام، ناظر بر اعمال ناپسند او باشد و با دیدن اعمال بد او، غمگین و ناراحت شود؛ لذا سعی می‌کند دقت بیشتری در اعمال خود داشته باشد و به گونه‌ای رفتار کند که رضایت امامش را به دست آورد. در کنار این آثار، آثار دیگری هم هست؛ مانند هدایتگری و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و ...

برخی از آن آثار را انسان‌ها در زندگی خود به روشنی احساس کرده‌اند؛ مانند حفظ و نجات شیعیان. حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید نوشتند:

ما، بر اخبار و احوال شما آگاه هستیم و هیچ چیز از
اوضاع شما، بر ما پوشیده نیست. ما، در رسیدگی و

۱. کافی، ج ۱، باب عرضه اعمال و شاهدان اعمال.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۸.

رعایت امور شما، اهمال نکرده‌ایم و شما را از یاد
نبرده‌ایم.^۱

در کنار حفظ شیعه از کیده‌های دشمنان، نباید عنایات حضرت به
بیماران و درماندگان و در راه‌ماندگان و نیازمندان را از یاد برد. افراد
متعددی از لطف او بهره برده‌اند و بیماریشان علاج شده و گم-
گشتگان در راه، به منزل رسیده‌اند و نیازمندان و محتاجان و فقرا،
سامان یافته‌اند. این آثار، به افعال امام برمی‌گردد و امام، ظاهر باشد
یا غایب، امکان ترتیب اثر هست. بله؛ اثری که به وجودِ ظاهریِ امام
برمی‌گردد، حکومتِ ظاهری است؛ یعنی بشریت امروز به سبب
غیبت امام علیه السلام، که علت این غیبت هم خود مردم هستند، از حکومت
عدل الهی و رشد و تکامل بشری در حدّ اعلای آن محروم شدند و
تا زمانی که ظهور امام علیه السلام رخ ندهد، این محرومیت ادامه دارد.



**مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام
معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟**

این مسجد مقدس قدمتی به اندازه آغاز زندگی انسان روی زمین
دارد؛ زیرا، در روایتی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، جز آن که در مسجد سهله نماز گزارده است.^۱

مسجد سهله، همیشه، به صورت مسجد و دارای بنا نبوده است؛ اما مکان آن، همیشه مورد توجه بوده است. ابان بن تغلب، می‌گوید:
امام صادق علیه السلام اطراف کوفه، در سه نقطه نماز خواند و فرمود:
(«سومین محل، محل نزول قائم علیه السلام بود»)^۲.

از این روایات معلوم می‌شود، آن نقطه، مسجد سهله بوده است.^۳
بسیاری از پیامبران، در این مسجد، اقامت داشته‌اند؛ مانند حضرت ابراهیم و حضرت ادريس علیه السلام و فضیلت‌های بسیار زیادی برای رفتن و عبادت کردن در آن مسجد، نقل شده است^۴ و اعمال خاصی دارد که در *مفاتیح الجنان* نیز به آن اشاره شده است. علت انتساب این مسجد به امام زمان علیه السلام به سبب وجود روایاتی است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

- مسجد سهله، منزل و محل اقامت امام زمان علیه السلام بعد از ظهور است.^۵
- مسجد سهله، منزل و محل اقامت دائمی امام زمان علیه السلام است.^۶
- مسجد سهله، محل بیت‌المال و محل تقسیم غنائم خواهد بود.^۷

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲.

۳. مجله انتظار، ش ۶ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان اسلام (مسجد سهله)، مقاله مهدی‌پور، ص ۳۳۳.

۴. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۶.

۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۶. مزار کبیر، ص ۱۳۴.

۷. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

- مسجد سهله، محل اقامت جانشینان امام زمان علیه السلام خواهد بود.^۱
 علاوه بر موارد بالا که در روایات متعدد آمده و مسجد را منسوب به امام زمان علیه السلام می‌کند، افرادی در مسجد سهله، به محضر امام زمان علیه السلام رسیده‌اند و توفیق ملاقات آن امام را یافته‌اند یا مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته‌اند؛ بزرگانی مانند سید مهدی بحرالعلوم، حاج میرزا مهدی اصفهانی، حاج شیخ محمدتقی آملی، آیت‌الله خویی و...^۲
 سیره و روش علما، این بوده است که برای کسب فیض، شب‌های چهارشنبه، به آن مسجد می‌رفتند. البته دربارهٔ شب چهارشنبه یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست، مگر همان راهنمایی‌ها که در ملاقات‌ها صورت گرفته است.^۳



مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟

مسجد مقدس جمکران در قم، از مساجد منسوب به امام زمان علیه السلام

۱. تهذیب، ج ۶ ص ۳۱.

۲. برای مطالعه متن این ملاقات‌ها و جریان‌ها، ر.ک: به کتاب *مسجد سهله* نوشته سید عباس موسوی مطلق.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: *فصلنامه انتظار موعود*، ش ۶ مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان (مسجد سهله)»، علی اکبر مهدی پور و *مسجد سهله میعادگاه عاشقان*، عباس موسوی مطلق.

است که تاریخ بنای آن، بر اساس آنچه از کتاب *تاریخ قم* نوشته شیخ حسن بن محمد بن حسن قمی معلوم می‌شود، به سال ۳۹۳ ق برمی‌گردد و قدمتی بیش از هزار ساله دارد. در همین کتاب، سبب بنای این مسجد را فرمان امام‌زمان علیه السلام به شیخ حسن بن مثله جمکرانی بیان می‌کند.

جمکران، نام دهی در نزدیکی شهر مقدس قم است. شیخ حسن بن مثله، از افراد صالح و ساکن این روستا بوده است که امام به او فرمان داد زمینی را که اکنون محل مسجد جمکران است، از دست فردی به نام حسن بن مسلم که بی‌اجازه در آن جا کشت می‌کرده بگیرد و در آن محل، مسجدی بنا کند و محل هزینه آن را نیز به او نشان داد. به این ترتیب، اولین بنای مسجد جمکران ساخته شد و خود امام‌زمان علیه السلام در همان فرمان ساخت مسجد، اعمال آن را نیز بیان داشت و فرمود:

به مردم بگویید به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز شمارند. هر کس دو رکعت نماز در آن بخواند؛ مانند کسی است که در کعبه نماز خوانده است.

به سبب دستور امام زمان علیه السلام این مسجد به نام ایشان معروف است و عاشقان آن حضرت ارادت خاصی به آن دارند. علمای بزرگ ما نیز در باره آن مسجد، جملات بسیار مهمی دارند. آیت‌الله بروجردی می‌فرماید، این جریان [= ساخت اولیه مسجد]، در زمان شیخ صدوق اتفاق افتاده است؛ یعنی، ایشان، صحت این جریان را تأیید می‌کنند. علاوه بر نقل مذکور در کتاب *تاریخ قم*، سیره عالمان و بزرگان و

صالحان، این بوده است که به آن مسجد بروند و افراد زیادی در این مسجد مورد عنایت حضرت واقع شده‌اند. البته در باره شب چهارشنبه‌رفتن یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست؛ اما سیره و روش بزرگان، چنین بوده است و احتمال دارد چنین روشی، با راهنمایی‌های خود حضرت ولی عصر علیه السلام بوده باشد.^۱



چرا آن حضرت غایب شد؟

درباره غیبت می‌توان، دو نگاه داشت:

۱. نگاه تاریخی: وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفر و باطل برای مقابله با جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان علیهم السلام در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه را بیشتر می‌کرد، وعده ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی و

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: فصلنامه انتظار موعود، ش ۵.

مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام حسن عسکری علیه السلام ایشان را به شدت تحت نظر داشتند، تا وقتی فرزندش به دنیا می‌آید، او را در همان ابتدای زندگی به شهادت برسانند؛ بنابراین بسیار طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد، تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم آمادگی داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

۲. نگاه روایی: در روایات، به علت و حکمت‌های متعددی اشاره شده است. قبل از بیان آن‌ها ذکر این مقدمه ضروری است که: غیبت، سری از اسرار الهی است و ما ایمان داریم که خداوند متعال، هیچ کاری را جز بر اساس حکمت و مصلحت، انجام نمی‌دهد.

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، در پاسخ سوال از علت غیبت آمده است:

غیبت، به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت، سری از اسرار الهی است؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می‌پذیریم که همه کارهای او (بر اساس) حکمت است؛ اگر چه علت کارها برای ما معلوم نباشد.^۱

بعد از بیان مقدمه به علل غیبت از منظر روایات می‌پردازیم:
الف. آزمایش مردم: امتحان کردن مردم، از سنت‌های حتمی

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواری آن‌ها در مسیر حق، آشکار شود. نتیجه امتحان، برای خداوند معلوم است؛ ولی در گذر از سختی‌ها، بندگان خدا پخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مراقب دین خود باشید، تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او، از اعتقاد خود دست برمی‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن، بندگان را امتحان می‌کند.^۱

ب. ستم پیشه بودن انسان‌ها: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود [ظاهری] حجت خود محروم می‌سازد.^۲

ج. حفظ جان امام: یکی از عوامل کناره‌گیری پیامبران از قوم خود، حفظ جان خویشان بوده است، همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ جان خود، از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم غایب خواهد شد. راوی، از علت غیبت سوال کرد. حضرت

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۲. الغیبة، نعمانی، ب ۱۰، ح ۲.

فرمود: بر جان خویش بیمناک است.^۱

البته ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی که وعده حتمی خداوند است، بماند

د. تأدیب مردم: وقتی امت، برابر پیامبر و امام، وظایف خود را به درستی انجام ندهد خداوند، پیشوای ایشان را برای مدتی از آنان جدا کند. امام باقر علیه السلام فرموده است:

وقتی خداوند، همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد، ما را از میان آنان برگیرد.^۲

ه استقلال و بیعت نکردن با حاکمان: می‌دانیم که امامان پیشین، به بیعت ظاهری با حاکمان جور زمان خود مجبور شدند. چون رسالت امام مهدی علیه السلام قیام برضد همه ظالمان و ستمگران است و این امر، با بیعت با آنان سازگاری ندارد، او غایب شد، تا از بیعت با حاکمان جور، رها شود و هر زمان، خداوند اراده کرد، آزادانه با ستمکاران برخورد کند. امام رضا علیه السلام در بیان علت غیبت، چنین فرموده است:

برای این که آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او بیعتی نداشته باشد.^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷.

۲. علل الشرایع، ص ۲۴۳، باب ۱۷۹، ح ۲.

۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴.



اگر امام زمان علیه السلام بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی می کرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و می تواند او را از شر کافران حفظ کند.

روشن است اگر امام در میان مردم ظاهر بودند و به صورت آشکار مردم را راهنمایی و هدایت می کردند، بسیار بهتر بود؛ ولی آیا دشمنان چنین اجازه‌ای را به او می دادند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام در موارد متعدد، گفته بودند دستگاه ظلم، به دست حضرت مهدی علیه السلام برچیده می شود؛ از این رو وجود مقدس او، مورد توجه دو دسته از مردم واقع می شد:

۱. مظلومان به امید نجات به دست حضرت مهدی علیه السلام.
۲. ظالمان که چون وجود مقدس امام را سد راه منافع خود می دیدند، حضرت را به قتل می رساندند. در تاریخ، نمونه‌های متعددی از شهادت اولیای خدا و راهنمایان دین حق به دست ستمگران وجود دارد که از جمله آن‌ها شهادت امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام است. قدرت خداوند محدود نیست؛ ولی نظم هستی، به گونه‌ای است که کارها، از طریق اسباب و از مجرای عادی انجام شود. اگر خداوند بخواهد برای حفظ جان انسان‌های مقدس، از جریان عادی حاکم بر جهان دست بردارد و برخلاف آن عمل کند، بدان معنا است که با تغییر در نظام آفرینش، دیگر دنیا، محل تکلیف و اختیار و امتحان نباشد؛ زیرا

خداوند، با اعمال قدرت، جلوی اختیار افراد را در این زمینه می‌گیرد. به علاوه، اگر امام، میان مردم به صورت آشکار حاضر بود یا باید با ظالمان وارد جنگ و پیکار می‌شد یا باید برابر آن‌ها سکوت می‌کرد. راه اول، به تحقق شرایط و اذن الهی مشروط است و بدون آن، قیام و نبرد نتیجه بخش نیست. اگر امام، راه دوم را برگزینند و مؤمنان ببینند حضرت، برابر تمام جنایات و ستم‌ها سکوت کرده و این سکوت، سالیان طولانی ادامه پیدا کرده است، از اصلاح جهان مایوس می‌شوند و در بشارت‌های پیامبر ﷺ و قرآن، شک می‌کنند؛ بنابراین، گزینه غیبت تا آماده شدن شرایط و مهیا شدن مردم برای پذیرش قیام و عدالت گستره حضرت، بهترین انتخاب و روش است.



غیبت امام زمان علیه السلام دارای چه مراحل بود؟ چرا؟

رخدادها و پدیده‌های اجتماعی، نیازمند مقدمه و آماده سازی است و باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که قابل تحمل و پذیرش عموم مردم شود. پدیده غیبت نیز در همین راستا قابل بررسی است. شیعیانی که در دوران گذشته هرگاه می‌خواستند امام خود را ملاقات کنند، محضر او شرفیاب شده و از وجودش بهره می‌بردند، اینک امام و مقتدای خود را در پس پرده غیبت می‌بینند. این حادثه، بدون زمینه‌سازی، مشکل و غیره منتظره بود؛ از این رو

امامان قبلی آرام آرام، شیعیان را با این پدیده آشنا کردند. از زمان امام جواد علیه السلام به بعد به صورت‌های مختلفی مانند توجه به نهاد وکالت که از زمان امام باقر و صادق علیهما السلام شکل گرفته بود، انجام ملاقات‌های پشت پرده، برقرار کردن ارتباط از طریق نایب خاص، مسأله غایب شدن امام به شکل جدی‌تری مطرح شد، تا طبیعی جلوه کند. این کارها، پذیرش و قبول مسأله غیبت را بین شیعیان تقویت می‌کرد؛ لذا آنان دیگر با یک پدیده غریب رو به رو نمی‌شدند. از این رو دوران غیبت در دو مرحله صورت گرفت:

غیبت صغرا؛ امام عصر علیه السلام امر هدایت و رهبری را مدت ۶۹ سال، از طریق نایبان خاص انجام می‌داد. این گونه اداره کردن امور، اولاً موقتی و جهت آماده سازی مردم برای غیبت کامل بود، ثانیاً برای تثبیت وجود و حقانیت امامت حضرت مهدی علیه السلام بود و ثالثاً تعلیم مردم به رجوع به عالمان دین بود.^۱

بنابراین از جمله دلایل مرحله غیبت صغرا می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. اثبات وجود حضرت (با توجه به ولادت مخفیانه ایشان).
 ۲. آماده شدن مردم برای ورود به غیبت کبرا.
 ۳. تمرین برای رجوع کامل به نایبان و علما.
- غیبت کبرا؛ بعد از پایان یافتن دوران غیبت صغرا و آمادگی مردم، به امر الهی دوران غیبت کبرا آغاز شد.

۱. حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم...» اما در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند...» بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.



آیا امامان در گذشته برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه‌سازی کرده‌اند؟

غیبت، امری است که سیر حرکت انسان‌ها، آن را ناگزیر کرده است و در این فرایند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد تا جامعه شیعه، با کمترین مشکل بتواند پذیرای آن باشد؛ از این رو امامان علیهم‌السلام از یک سو، راه‌های فهم احکام را به شاگردان می‌آموختند تا بتوانند احکام دین را در حد توان از منابع، استنباط و استخراج کنند و مردم را نیز به آموختن از عالمان و رجوع به آن‌ها فرامی‌خواندند و از سوی دیگر با برقراری نهاد وکالت، مردم را به رجوع به وکیلان دعوت کردند. در همین راستا، امام هادی و عسکری علیهم‌السلام ارتباط مستقیم خود را کمتر کردند و در مواردی از پشت پرده، پرسش‌ها را پاسخ می‌دادند، تا مردم به ندیدن امام عادت نکنند. به دنبال آن غیبت کوتاه مدتی (صغرا)، پیش بینی شد تا مردم به واسطه نواب خاص، برخی مسائل مورد نیاز را بپرسند و در ضمن آن، رجوع همیشگی به نایبان را فرابگیرند.^۱

۱. رک: کتاب الغیبة، شیخ طوسی؛ تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی؛ اصول عقاید، آیت‌الله مصباح یزدی؛ دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی.



عده‌ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی عج است. آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟

این جزایر، از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه‌ها ثبت شده است.

اصل نکته دربارهٔ این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخبره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ش، یعنی دو سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری عجیب و غریب از حوادث دردناک و اسرارآمیز از این جزیره و منطقه، نوشته و اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز چیزهایی ترجمه و بیان گردید؛ اما اینک دیگر اثری از آن خبرها نیست و در سال‌های اخیر، دیگر از چنین حادثه‌هایی سخن گفته نمی‌شود، در حالی که با گسترش ارتباطات، باید اخبار، بیشتر و دقیق‌تر از گذشته، ارائه می‌شد.

بعضی، درباره پخش گسترده این اخبار، استدلال کرده‌اند که چون کشور کوبا، رابطه خوبی با شوروی سابق داشت و از طرفی، نزدیک بودن آن به ایالات متحده آمریکا، خطر جدی برای آمریکا محسوب می‌شد و می‌توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، آمریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه-

کردن این اخبار، منطقه خطرناک و ناامنی را ایجاد کند و آن‌جا، پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک شود، او را از بین ببرد و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد؛ بنابراین، اخبار مخابره شده، همه، جنبه سیاسی و امنیتی داشت و در واقع، ساختگی بوده است. البته، امکان دارد برای واقعی جلوه کردن، چند هواپیما و کشتی را نیز از بین برده باشند.

متأسفانه بعضی، با شنیدن این اتفاقات و مشخصات ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیره خضرا و محل زندگی اهل بیت امام زمان علیه السلام است، در حالی که این، احتمالی بیش نیست و عقیده‌ای شخصی است که ابراز گردیده است و می‌تواند نشان از کج سلیقه‌گی افراد باشد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم‌انگیز کشته شدن عده‌ای افراد بی‌گناه که بعضاً راه را گم کرده‌اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده‌اند دنیا را فرا گرفت - بر فرض واقعیت داشتن این جریان‌ها - همه را به تأسف و تأثر واداشت اگر کسی ادعا کند که آن‌جا جزیره امام ما است و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده‌اند، اثر منفی بر اذهان همه مردم خواهد داشت.

به راستی، این ادعا، به شنوندگان و خوانندگان، چه پیامی را القا می‌کند؟ آیا جز این است که خشونت‌طلبی و خون‌ریزی دین اسلام و پیشوایان دین را تبلیغ می‌کند؟

وقتی از مدعیان وجود جزیره خضرا می‌پرسند: چرا تا به حال آن را کسی ندیده است؟ می‌گویند: از قدرت خدا دور نیست که آن را به حالت معجزه‌آسا و خارق‌العاده، از چشم‌ها دور کند و کسی آن را

نبیند.^۱

باید از اینان پرسید: اگر خدا چنین کاری را می‌کند، چه لزومی برای نابود کردن هواپیماها و کشتی‌ها در آن منطقه هست و چرا باید این افراد بی‌گناه کشته شوند؛ در حالی که می‌شود آن‌جا را نبینند و ردّ شوند؟ در حالی که آنچه در حدیث جزیره خضرا آمده است، با فرض صحت آن، به کشته شدن دشمنان اشاره دارد. آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن‌جا رسیده، دشمن و مستوجب قتل است؟ آیا ارائه چنین تصویری از اسلام و امام، صحیح است؟

خلاصه این‌که:

۱. مثلث برمودا، وجود دارد؛ امّا اخبار نقل شده درباره آن، ساختگی و برای مقاصد سیاسی بوده است.
۲. تطبیق آن، بر جزیره خضرا، ادعایی شخصی است و فقط از سوی یک فرد ناشناخته، به نام ناجی النجار ابراز شده است.
۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه‌دار کردن چهره دین و خشن و خطرناک جلوه‌دادن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلم دین، سازگاری ندارد.^۲

۱. جزیره خضراء، ناجی النجار، ص ۵۵.

۲. پژوهشی درباره جزیره خضراء، مجتبی کلباسی، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود. (با اندکی تصرف)



مراد از سرداب غیبت چیست؟

سرداب، به طبقه زیرین ساختمان اطلاق می‌شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، زیر ساختمان ساخته می‌شود. این شیوه ساختمان‌سازی در بسیاری از مناطق عراق، از جمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد، مرسوم است. خانه امام هادی علیه السلام در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه پس از شهادت امام هادی علیه السلام در اختیار امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفت.

بر اساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیا و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرمی‌اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می‌شود. به علاوه برخی بر این باورند که غیبت امام مهدی علیه السلام نیز از همین سرداب آغاز شده است؛ لذا به آن «سرداب غیبت» می‌گویند. البته برخی دیگر این امر را مطلبی مسلم نمی‌دانند.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانه امام زمان علیه السلام در زمان حیات پدر و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهار نظر درباره محل شروع غیبت مشکل است.

۵۱

در روایتی خواندم که، هر حکومتی پیش از قیام امام زمان علیه السلام به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید.

باید توجه داشت که برنامه‌ها و آموزه‌های دین اسلام، مربوط به دوره و عصر زمانی خاصی نیست؛ بلکه برای عموم مردم در هر عصر و زمان است؛ بنابراین، مردم در هر زمان، مکلف به اجرای فرمان‌هایی؛ مانند ﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة﴾^۱ یا ﴿و لتكن منكم امة يدعون الى الخير يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر﴾^۲ یا ﴿و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما﴾^۳ هستند. اجرای این‌ها نیازمند برقراری حکومت و ایجاد تشکیلات نظام‌مند است. در نتیجه، از دید اسلام باید حکومت اسلامی تشکیل شود و حاکم اسلامی، اداره جامعه را بر عهده بگیرد. با توجه به این مقدمه، به بررسی روایت نفی حکومت در زمان غیبت می‌پردازیم. روایتی، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله؛ هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که به

۱. انفال (۸): ۶۰ (هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید).
 ۲. آل عمران (۳): ۱۰۴؛ (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند).
 ۳. مائده (۵): ۴۸؛ (دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، قطع کنید).

جای خدا، پرستش می‌شود».^۱ شبیه این مضمون، از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «هر پرچمی که پیش از پرچم مهدی برافراشته شود، صاحبش، طاغوت است». سند روایت اول، خوب و قابل اعتبار است؛ ولی سند روایت دوم، این‌گونه نیست. برای فهم روایت، باید به دو نکته توجه کرد: ۱. الفاظ روایت، چه محتوایی را بیان می‌کند؟ ۲. آیا روایات دیگری نیز در این‌باره صادر شده است، تا با توجه به آن‌ها معنای صحیح آن روشن شود؟ یا نه؟

«رایه» به معنای پرچم است و «رفع رایه» کنایه از اعلان جنگ با نظام موجود حاکم است. «صاحب پرچم» همان رهبر قیام است که مردم را به یاری می‌طلبد. طاغوت، یعنی فرد ستمگر و متجاوز که به حریم خدا تجاوز می‌کند و مردم را به خود می‌خواند که حاکمیت او را بپذیرند. منظور از «قبل قیام القائم» دوران عصر غیبت است.

با توجه به الفاظ روایت، می‌توان دریافت، پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام عده‌ای با شعار نجات انسان، مردم را به سوی خود فرا می‌خوانند. اینان، بدون آن که اعتقاد کامل و صحیح به دین داشته باشند، و حاکمیت را فقط برای خدا و خلیفه خدا بپذیرند، با پی‌ریزی مکتب‌های مختلف، خود و اندیشه خود را تنها راه نجات بشریت می‌دانند. اینان، طاغوتند که مردم را از راه الهی به سوی خود منحرف می‌کنند؛ از این رو، اگر فرد عادل و پرهیزکاری که نور ایمان و تقوا در تمام زندگانی‌اش نورافشانی کرده، به پاخیزد و مردم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

را به سوی دین خدا و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت فرا خواند، اصلاً از موضوع روایت خارج است.

شاهد بر این بیان، روایت دیگری، با سند صحیح از وجود مقدس امام صادق علیه السلام است که فرمود:

اگر یک نفر از ما [= خاندان پیامبر] آمد و شما را به قیام و خروج دعوت کرد، خوب بیندیشید که به چه منظور قیام کرده است [و برای توجیه قیام او] نگوید: «زید بن علی [= فرزند امام سجاد، علیه السلام] هم پیش تر قیام کرد»؛ زیرا زید، مردی دانشمند و راستگو بود و شما را به امامت خودش دعوت نمی‌کرد؛ بلکه به شخصی دعوت می‌کرد که مورد توافق و رضایت اهل بیت قرار گیرد [= امام معصوم]. او اگر پیروز می‌شد، حتماً به وعده‌اش عمل می‌کرد و حکومت را به اهلیش می‌داد. زید، برابر دستگاه سلطنت قیام کرد، تا آن را سرنگون سازد؛ اما آن کس که امروز قیام کرده است، شما را به چه امری دعوت می‌کند؟ آیا شما را به سوی شخصی دعوت می‌کند که مورد توافق و رضایت آل محمد قرار گیرد؟ نه؛ چنین نیست. شما را گواه می‌گیریم که ما به قیام این شخص راضی نیستیم. او، اکنون که به قدرت نرسیده است، با ما مخالفت می‌کند؛ پس در صورتی که قدرت یافت و پرچمی برافراشت، به طریق اولی، از ما اطاعت نمی‌کند.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲.

با توجه به این روایت، به خوبی می‌توان دریافت که اگر قیام‌کننده، دعوت‌کننده به خود باشد، طاغوت است؛ ولی اگر هدف او، دعوت مردم به خدا و زمینه‌سازی برای حاکمیت حجت حق باشد، قیام او نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه در راستای اراده خداوند است که می‌خواهد با حاکمیت حاکم اسلامی، به مقررات عمل شود.

امام صادق علیه السلام درباره رجوع به فقیه فرمود:

«فانی قد جعلته علیکم حاکماً؛ من، او [= فقیه] را بر شما حاکم قرار دادم»^۱.

به راستی آیا زندگی تحت سیطره حکومت ظلم، مطلوب خدا و عقل است یا زیر چتر عالم عادل مسلمان و کدام یک به زمینه‌سازی برای ظهور کمک می‌کند؟

امام حسین علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و عهد خدا را شکسته و با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت کرده و میان بندگان خدا به ظلم رفتار کرده است و او، برابر چنین حاکمی با عمل و گفتار مخالفت نکند، بر خدا است که او را در جایگاه همان ستمگر [جهنم] وارد کند»^۲.

لذا قیام برای حق، طاغوت نیست.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲ و ج ۱۰۱، ص ۲۶۲.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸.

۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

فصل دهم

ارتباط و ملاقات

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دیده‌اند. این تناقض را حل کنید؟

برای آن که بتوان به درستی در این باره گفت و گو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن کلام حضرت را به دقت مرور کرد، تا روشن شود مراد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چیست. حدیثی که بحث «مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده» را مطرح می‌کند، آخرین توقیع و نامه‌ای است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري! خداوند، اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند. به درستی که تو تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که پس از

وفات، جانشین تو شود. به تحقیق، دومین غیبت (غیبت کامل) واقع شده است. پس ظهوری نیست؛ مگر بعد از اذن خدای عزوجل و آن، بعد از مدتی طولانی و قساوت دل‌ها و پرشدن زمین از ظلم خواهد بود. به زودی نزد شیعیان من می‌آید، کسی که ادعای مشاهده می‌کند. بدانید کسی که ادعای مشاهده کند، پیش از خروج سفیانی و ندا، او دروغگو و افترازننده است. و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم.^۱

این حدیث، در بردارنده نکاتی است، از جمله:

۱. مدعیان مشاهده، در این دوره، وجود خواهند داشت.
 ۲. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو است و هم افترازننده.
- افترا یا تهمت، آن است که فردی به شخص دیگر، عملی یا قولی را نسبت دهد، در حالی که او چنین نکرده باشد؛ بنابراین، بین دروغگوبودن و تهمت‌زدن، تفاوت است. هر دروغگویی، تهمت‌زننده نیست. اگر کسی فقط مدعی دیدن باشد؛ ولی به حضرت، نسبتی ندهد، ممکن است دروغگو باشد؛ ولی تهمت‌زننده نیست. امام، در این نامه هر دو صفت ناپسند را به مدعی مشاهده، وارد کرده است؛ یعنی، مدعی مشاهده، نسبتی نیز به حضرت می‌دهد.
- این نکات در نامه، بزرگان را بر آن داشت، تا با تأمل و تدبّر دقیق‌تر، به محتوای نامه بنگرند و سپس اظهار نظر کنند.

عده‌ای با توجه به این که نامه، در آخرین روزهای عمر نایب

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴۵.

چهارم صادر شده و در آن، به پایان نیابت خاصه تصریح شده است، چنین گفته‌اند که مراد از مدعی مشاهده، ادعای نیابت خاصه و ارتباط با حضرت است؛ زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخ‌ها و پیام‌ها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می‌گوید را از جانب حضرت بیان می‌کند و حرف‌ها را پیام حضرت اعلام می‌کند.^۱

حضرت امام خمینی علیه السلام می‌گوید:

مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد؛ ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.^۲

شهادت صدر می‌گوید:

مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان علیه السلام به مردم القا کند.^۳

برخی نیز گفته‌اند: مراد از تکذیب مدعی مشاهده، تکذیب مدعی ظهور است.^۴ بنابراین می‌توان دریافت که در روایت، صرف دیدار، منتفی نشده است و عالمان نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند. به علاوه، روایت، مدعی مشاهده را کذاب می‌داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، تحت این روایت قرار نمی‌گیرد؛ لذا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

۲. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳. تاریخ الغیبة الصغری، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۵۴.

۴. مهدی منتظر، ص ۹۳.

اصل دیدار، امر ممکنی خواهد بود. نکته آخر این که علمای ما که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان، از روی شواهد و قراینی یا در زمان‌های بعد، متوجه وقوع دیدار آن عالم با امام می‌شدند؛ لذا عالمان تحت عنوان «مدعی مشاهده» قرار نمی‌گیرند و این روایت، با داستان ملاقات برخی بزرگان تنافی ندارد.



روایاتی می‌گوید: «هر کس در غیبت کبرا، ادعای رؤیت امام زمان علیه السلام را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت نکرده‌اند؟

در پاسخ به این سؤال، باید توجه داشت که:

۱. خداوند مهربان، الطاف و نعمات خود را از مخلوقات خویش دریغ نمی‌دارد؛ بلکه این انسان‌هایند که ناسپاسی می‌کنند و با ناشکری و کفران نعمت، آن را از دست می‌دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس﴾؛
فساد، در خشکی و دریا آشکار شد؛ به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند.^۱

بنابراین، اگر از نعمت دیدار امام محروم شدیم، به سبب آن بود که قدر امام دانسته نشد. در نامه‌ای که از وجود مقدس امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید صادر شده است، حضرت چنین می‌فرماید: اگر شیعیان ما - که خداوند، آنان را به طاعتش موفق بدارد - بر اجتماع قلوبشان در وفای به عهده باشند، که بر عهده آنان است، از آنان، مبارکی دیدار ما به تأخیر نمی‌افتد، و هر آینه، سرعت می‌گرفت برای آنان، سعادت دیدار ما با شناخت و معرفت حقیقی و تصدیق آنان نسبت به ما. پس چیزی ما را از آنان منع نکرده، مگر آنچه به ما می‌رسد از آنچه کراهت داریم ما [= کردار ناپسند مردم].^۱

۲. دیدار ظاهری امام، نعمتی بسیار ارزشمند است و یکی از الطاف خداوند مهربان، توفیق دیدار و شرفیابی به خدمت حجت حق و ولیّ خدا است؛ ولی اگر بنا بر مصالح و شرایطی، لازم شد امام غایب شود و طلب دیدار، به حادثه نامطلوبی منجر شود و برای مثال، خطری را متوجه امام یا فرد خواهان دیدار بکند، آیا باز نیز چنین دیداری می‌تواند لطف الهی باشد؟ باید توجه داشت که خداوند، الطاف بیکران خود را بنا بر مصالح و شرایط، بر مردم فرو می‌ریزد.

۳. در روایت، دیدار، به صورت کلی و مطلق نفی نشده است؛ بلکه با

۱. «و لو أنّ أشباعنا وفقهم الله لطاعته، على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا، فما يحبسنا عنهم إلا ما يتصل بنا مما نكرهه»؛ احتجاج، ج ۲، ش ۴۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

توجه دقیق به متن روایت، روشن می‌شود که «مدعی مشاهده»، آن هم با توجه به شرایطی، دروغگو و افترا زننده است؛ بنابراین، ممکن است دیدارهایی نیز رخ بدهد.

۴. تکذیب مدعی مشاهده، در مواردی، عین لطف است، تا کسی نتواند با ادعای دروغین مشاهده و دیدار، دیگران را بفریبد. زیارت آن عزیز، امری است که نه تنها ممکن است؛ بلکه واقع شده است. مرحوم شیخ صدوق و شیخ طوسی که از علمای قدیم ما هستند، در کتاب‌های خود، *کمال الدین و تمام النعمة* و *الغیبة* بایی را گشوده‌اند دربارهٔ افرادی که امام زمان علیه السلام را دیده‌اند.



آیا می‌توان به امام زمان علیه السلام نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟

نامه یا به اصطلاح عریضه نویسی، یکی از راه‌های توسل و بیان حاجت به محضر امام زمان علیه السلام یا هر امام دیگر است. در نحوه عریضه‌نویسی بیان شده است که حاجت خود را در کاغذی نوشته و آن را در چاه پاک یا آب جاری بیندازید (فرقی نمی‌کند چاه کجا باشد). افراد با این روش، حاجت خود را به امام بیان می‌کنند و امام، با احاطه و علم فراوانی که دارد از خواسته‌های آنان مطلع می‌شود؛ همان‌گونه که هنگام زیارت یا بعد از نماز یا هر وقت دیگر، هر

حاجتی به طور شفاهی از امام می‌خواهیم، اطلاع می‌یابد و حتی اگر از قلب خویش بگذرانیم، امام علیه السلام اطلاع می‌یابد. پس گفتن شفاهی یا نوشتن کتبی فرقی نمی‌کند و امام در هر صورت اطلاع می‌یابد. و نوشتن نامه یکی دیگر از راه‌های بیان حاجت است.

با توجه به آموزش‌هایی که امامان معصوم علیهم السلام برای رُقعہ نویسی به پیروان خود داده‌اند و همچنین نامه‌ها و عریضه‌هایی که برای امامان بزرگوار علیهم السلام توسط شیعیان نوشته شده است، عریضه باید شامل دو بخش عمده توقیفی و اختیاری باشد:

منظور از بخش توقیفی، محتوایی است که از ناحیه امامان معصوم علیهم السلام به نوشتن آن امر شده است و شیعیان، در همه عریضه‌های خود، استفاده کرده‌اند. این قسمت، غالباً شامل اذکار و اسمای الهی و توصیف و مدح و ثنای حضرت حق و کلماتی برای توجه و توسل به حضرات معصومان علیهم السلام و ذکر اسمی مبارک آن‌ها است. شیعیان، هم می‌توانند برای این قسمت، با قلم خود، خداوند متعال را بستانند و به درگاه اهل بیت علیهم السلام متوسل شوند و هم می‌توانند از مدح و ثنایی که در ادعیه معصومان علیهم السلام وارد شده یا عریضه‌های مختلفی که بزرگان دینی نگاشته‌اند، استفاده کنند.

بخش اختیاری عریضه، شامل مطالبی است که نویسنده عریضه برای عرض حاجت شخصی، بیان حالات و راز و نیاز با خداوند متعال و امامان علیهم السلام به انتخاب و قلم خود می‌نویسد.

از آن‌جا که نوشتن عریضه، نوعی دعا و نیایش است، رعایت آداب دعا، هنگام نوشتن عریضه نیز لازم است. بعضی از آداب دعا کردن و

عریضه نویسی به شرح زیر است:

۱. خلوص نیت؛
 ۲. وضو داشتن و خواندن دو رکعت نماز؛^۱
 ۳. روزه گرفتن روز پنجشنبه و نوشتن عریضه در صبح روز جمعه؛
 ۴. انداخته عریضه، در حالی که انسان رو به قبله ایستاده است؛
 ۵. در حال انداختن عریضه، نواب خاص امام زمان علیه السلام را صدا بزند؛^۲
 ۶. در حالی که رُقعہ را به دست دارد بکا (گریه) یا تباکی (حالت گریه به خود گرفتن) کند؛^۳
 ۷. در حالی که رُقعہ را به دست دارد، دست‌های خود را به سوی آسمان بگشاید و مشغول دعا و مناجات با خداوند متعال شود.^۴
- معمولاً برای نوشتن عریضه، باید از مقدس‌ترین مکان‌ها و معنوی‌ترین زمان‌ها بهره گرفت؛ چرا که استفاده از دو عنصر مکان و زمان در استجابات دعاها و تاثیر گذاری آن‌ها توصیه شده است، برای مثال:
۱. روز جمعه نوشته شود.^۵
 ۲. نزدیک طلوع خورشید نوشته و در چاه انداخته شود.^۶
 ۳. بعد از ادای نماز شب باشد.^۷

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۴۱.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۴۴.

۶. همان، ص ۲۳۶.

۷. همان، ص ۲۴۰.



آیا شخصی که گناه کرده است، می‌تواند با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته باشد؟

خداوند بزرگ، راه برگشت را به روی هیچ کس نبسته است. هر کس توبه کند و از گناه دست بکشد و به راه صحیح بازگردد، قطعاً مشمول رحمت حق قرار می‌گیرد. خداوند می‌فرماید:

بگو: ای بندگان من که بر خود، اسراف و ستم کرده‌اید!
از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا، همه گناهان را
می‌آمرزد؛ زیرا او، بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

امام معصوم و حجت خداوند که تجلی رحمت بی‌انتهای الهی است نیز با آغوش باز، فرد توبه‌کننده را می‌پذیرد. نمونه زیبای آن، توبه حرّ بن یزید ریاحی و پذیرش وی از سوی امام حسین علیه السلام است.

امام مهدی علیه السلام نیز چنین است و طبق حدیث، امام مهدی علیه السلام رحمت بر عالمیان ذکر شده است:

به درستی که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آن
که وقتی ایامش کامل و مدتش سپری شد، برای او
وصی‌ای قرار دادم... سپس کامل کردم آن [سلسله
اوصیا] را به فرزندش [= فرزند امام حسن عسکری علیه السلام]

۱. «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ زمر (۳۹): ۵۳.

رحمت بر عالمیان...^۱

این که سؤال شد: «آیا می‌تواند ارتباط داشته باشد؟» باید دید منظور از ارتباط چیست؟ اگر مراد، این است که بتواند حضرت را ببیند، در پاسخ باید گفت، امکان دیدار به صورت کلی نفی نشده است؛ بنابراین ممکن است حتی گناهکاری نیز حضرت را ببیند؛ هر چند نشناسد.

اگر مراد، ارتباط قلبی است، به این معنا که فرد، احساس بکند به حضرت نزدیک است و امام زمان علیه السلام به او توجه دارد، در پاسخ باید گفت؛ حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی به مرحوم شیخ مفید می-فرماید:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛^۲ ما، هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم.

لذا هر فردی مورد توجه امام زمان علیه السلام است. حال اگر از گناه پشیمان شد و برگشت، حتماً مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حضرت به او توجه بیشتری می‌کند.

۱. «...إني لم أبعث نبياً فأكملت أيامه و انقضت مدته الا جعلت له وصياً... ثم أكمل ذلك بابنه

رحمة للعالمين»؛ *کمال الدین*، ج ۱، ب ۲۸، ح ۱.

۲. *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۵۶

عشق و محبت دو سویه دربارهٔ ما و امامان علیهم‌السلام چگونه است؟

روابط انسان‌ها، انواع مختلف دارد. برخی از رابطه‌ها، اعتباری و قراردادی است و برخی، رابطه‌ها، واقعی و تکوینی است و قرارداد دو طرف، هیچ تأثیری در آن ندارد. رابطه میان انسان و خالق هستی، از نوع رابطه‌های اصیل و استوار است و در اعماق جان و فطرت، ریشه دارد.

در حدیث قدسی آمده است:

لو يعلم المدبرون عنی کیف انتظاری لهم... لماتوا شوقاً؛
اگر کسانی که [به من] پشت کرده‌اند می‌دانستند چقدر
مشتاق آنان هستم... از شدت شوق، جان می‌سپردند.^۱

در فرهنگ شیعه، رابطه امام معصوم و شیعیان، ازلی است. در حدیثی از حضرت صادق، علیه‌السلام، می‌خوانیم:

خداوند، شیعیان ما را مورد رحمت خویش قرار دهد! آنان،
از زیادی سرشت ما خلق شده و با آب ولایت ما عجین
گشته‌اند. در شادی ما، شاد و در اندوه ما، غمناکند.^۲

یکی از شیعیان حضرت علی علیه‌السلام به نام «رمیله» چنین می‌گوید:

۱. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۷۹۷؛ جامع السعادت، ج ۳، ص ۱۰۳.
۲. «رحم الله شیعتنا! خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بماء ولایتنا، یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا»؛ شجره طوبی، ج ۲، ص ۶

من، دچار تیبی شدید شدم. هنگامی که از شدت آن کاسته شد، غسل کردم و برای رسیدن به ثواب نماز جمعه و درک فضیلت نماز با مولایم علی علیه السلام به مسجد آمدم. زمانی که حضرت به منبر شتافت و مشغول سخنرانی شد، دوباره تبم شدت یافت. بعد از نماز، به دیدار علی علیه السلام رفتم. حضرت، علت بیماری و ناراحتی‌ام را پرسید و من توضیح دادم. حضرت فرمود:

ای رمیله! هر مؤمنی که بیمار می‌شود، ما نیز بیمار می‌شویم و حزن و اندوه او، ما را محزون و غمناک می‌سازد و هر دعایی که می‌کند، ما به دنبال آن «آمین» می‌گوییم و اگر دعا نکند، ما برایش دعا می‌کنیم.^۱

این ارتباط مقدس و عمیق، ارواح اولیای الهی و شیعیانشان را به منزله روح واحد قرار می‌دهد و چنان آنان را به هم می‌پیوندد که ابوبصیر، از یاران حضرت صادق علیه السلام می‌گوید:

در مجلسی از حضرت پرسیدم: «گاهی بدون علت خاص، دچار غم و غصه یا سرور و خوشحالی می‌شوم؛ علت چیست؟» حضرت در پاسخ فرمود:

این حزن و شادی که گاه سراغ شما می‌آید، اثر آن غم و سروری است که در ما ایجاد می‌شود؛ و چون ما و شما، هر دو از نور خداوند متعال خلق شده‌ایم، این حالات

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰؛ منتهی‌الأمال، ج ۲، ص ۸۶۹.

ما، در شما نیز اثر می‌گذارد.^۱

بنابراین، می‌توان گفت هنگامی که ما به یاد اولیای الهی و عظمت و بزرگواری آنان می‌افتیم یا مصیبت‌ها و غم‌های آنان را به یاد می‌آوریم و قلبمان متوجه آنان می‌شود، در اثر همان پیوند شدید روحی میان ما و آنان است. در واقع، عنایت و مهر آنان را به ما نشان می‌دهد.

البته باید زمینه این لطف و عنایت را خود فراهم سازیم و با شخم‌زدن زمین سخت دل، موقعیتی مناسب برای رشد بذر محبت آنان پدید آوریم.

آنچه لطیف‌تر است، این که یاد شدن ما توسط حضرت، فقط مربوط به زمانی نیست که ما به یاد آن بزرگوار هستیم؛ بلکه حتی زمانی که از آن حضرت غافلیم، باز آن عزیز، به یاد ما است و آنچه به خیر و صلاح است، در حق ما انجام می‌دهد؛ همان‌گونه که در نامه‌ای فرمود:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم^۲؛ ما، رعایت امور شما را مهمل نگذاشته‌ایم و یاد شما را فراموش نکرده‌ایم.

۱. «انّ ذلک لحزن و فرح یصل الیکم منّا إذا دخل علینا حزن او سرور کان ذلک داخلاً علیکم لانا و انتم من نور الله عزوجل»؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

فصل هشتم

آخر الزمان



آخر الزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخر الزمان هستیم؟

الف. اصطلاح «آخر الزمان» در گفتارهای ادیان آسمانی و روایات اسلامی مطرح شده است و مراد از آن، روز پایانی عمر دنیا (معنای لغوی) نیست؛ بلکه مراد از آن، دوره زمانی ویژه‌ای است که به گونه‌ای معنای آخر بودن را دارد. اصطلاح آخر الزمان به سه دوره اطلاق شده است:

۱. دوره پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که از بعثت آن حضرت تا قیامت را شامل می‌شود. در این صورت، آخر الزمان، به این معنا است که بعد از آن بزرگوار، پیامبر و شریعت دیگری نخواهد آمد و این دوره، دوره آخرین شریعت است.^۱

۲. دوره غیبت و سال‌های پیش از ظهور که آخر الزمان طبق این

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۳۸؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۱۷ و ج ۱۲، ص ۲۸۱.

معنا، پایان دوره ظلم‌ها و فسادها و حکومت‌های غیر الهی است و با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، همه مظاهر شرک و ظلم و فساد از بین می‌رود.

۳. دوران ظهور و زمان تشکیل دولت عدل الهی که این حاکمیت، تا آخر عمر دنیا برقرار می‌ماند و دیگر از بین نمی‌رود. در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله به دختر بزرگوارش فرمود:

وقتی دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها آشکار گردد و راه-ها بسته شود و عده‌ای، عده دیگر را فریب دهند، خداوند کسی را که دژهای گمراهی را فتح می‌کند، برمی‌انگیزد و او، در آخر الزمان، دین را برپا می‌کند.^۱

ب. با مراجعه به روایات، معلوم می‌شود یکی از معانی آخرالزمان، دوران غیبت امام دوازدهم علیه السلام است؛ به ویژه سال‌های پیش از ظهور آن حضرت که فتنه‌ها و مشکلات، به اوج خود می‌رسد.^۲

در روایتی، با صراحت، به دوران غیبت اشاره شده است:

ای علی! عجیب‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، گروهی هستند که در آخرالزمان هستند، پیامبر را ندیده‌اند، امام آنان نیز در غیبت است و آنان به

۱. «إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض ... فبعث الله عزوجل عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين ... يفتح حصون الضلالة ... يقوم بالدين في آخر الزمان»؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۸.

۲. از روایات فراوانی که از قیام حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان خبر می‌دهد، نیز روایاتی که در *وسائل الشیعة*، ج ۱۶، ص ۲۴۴ و *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۳۲۵ و *مستدرک الوسائل*، ج ۲، ص ۲۶۷ آمده است، می‌توان این نکته را فهمید.

نوشته‌ای ایمان می‌آورند.^۱

با توجه به این روایات می‌توان گفت روایاتی هم که نشانه‌های مختلفی برای آخرالزمان بیان کرده است، به دوران غیبت و ما قبل ظهور اشاره دارد؛ مانند روایتی که می‌فرماید: «در آخرالزمان، مردم، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کنند و اهل ریا می‌شوند و نماز و روزه‌شان ظاهری است.»^۲ یا «آخرالزمان، زمان بدی است. زنان، بی‌حجاب و بزک کرده ظاهر می‌شوند.»^۳*

ج. چون در روایات، دوران غیبت امام زمان علیه السلام «آخرالزمان» نامید شده است، می‌توان گفت ما در آخرالزمان هستیم؛ به ویژه این که بعضی از علائم یاد شده، در زمان ما وجود دارد؛ اما اگر کسی منظور از

۱. «یا علی اعجب الناس ایماناً و اعظمهم یقیناً قوم یکنون فی آخرالزمان لم یلحقوا

النبی و حجب عنهم الحجة فأمنوا بسواد علی بیاض»؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۵۶.

۲. کافی، ج ۵، باب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، ح ۱، ص ۵۵.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴۳۷۴.

* بعضی از ویژگی‌های این دوره چنین است:

- وضع حکومت‌ها؛ افراد، فاسد و ظالم و حکومت‌ها، ضعیف، استبدادی، زودگذر و متزلزل هستند.

- وضع دین: از اسلام و قرآن، فقط اسمی می‌ماند و مساجد، زیبا؛ اما بدون جمعیت است و مردم از دین خارج می‌شوند.

- وضع اخلاق: عواطف انسانی ضعیف می‌شود و ترحم به یک دیگر وجود ندارد. انواع فسادهای اخلاقی، علنی و بدون نهی و جلوگیری در جامعه انجام می‌شود.

- وضع امنیت: ترس و اضطراب، فراگیر و راه‌ها نا امن است. جنایت‌های هولناک صورت می‌گیرد و مردم، آرزوی مرگ می‌کنند. مرگ‌های ناگهانی، زلزله، جنگ، فتنه، بیماری و مرگ زیاد می‌شود.

- وضع اقتصاد: باران و محصولات کشاورزی کم می‌گردد و رودها و چشمه‌ها خشک می‌شوند. گرانی، فقر، گرسنگی و عدم رونق تجارت و بازار، غوغا می‌کند. (برای آگاهی بیشتر، ر، ک: نجم الدین طبری، نشانه‌هایی از دولت موعود.)

آخرالزمان را فقط چند سال پیش از ظهور حضرت در نظر بگیرد، چون وقت ظهور مشخص نیست، نمی‌توان گفت در آخرالزمان هستیم یا نه.^۱



مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟

درباره مفهوم و چیستی فراگیری ظلم و ستم، دو دیدگاه اصلی و مهم مطرح است:

۱. فراگیری ظلم و ستم به معنای غالبیت: طبق این دیدگاه، در آستانه ظهور، ظلم و ستم در جهان غالب شده و چهره جهان، چهره ظلم و ستم خواهد بود. البته همراه غالبیت ظلم و ستم، صلاح و رستگاری نیز میان مردم مطرح می‌باشد. نکته قابل ذکر این‌که در روایات از فراگیری ظلم و ستم خبر داده شده است نه فراگیری ظالم و ستمگر. با این نگاه، اگر در جهان یک ظالم باشد و از او ظلم‌های متعدد و متنوع سرزند و بقیه مردم، مظلوم و ستم‌دیده باشند، باز «ملت ظلماً و جوراً» به معنی پرشدن زمین از ستم و جور تحقق پیدا خواهد کرد.

۱. البته چون امر ظهور، به عملکرد و خواست مردم نیز بستگی دارد - بدین معنا که هر زمان آنان آماده ظهور بودند، ظهور تحقق می‌یابد - هر زمان می‌تواند آخرالزمان باشد و زمان ظهور فرا برسد.

۲. فراگیری ظلم و ستم به معنای کامل و تمام؛ این عده قائلند فراگیری ظلم و ستم در جهان به طور کامل و تمام صورت می‌پذیرد و جهان، به صورت یکپارچه پر از ظلم و ستم خواهد شد و از صلاح و رستگاری هیچ خبری نیست.

البته دیدگاه صحیح همان دیدگاه اول است.

اینک به نمونه‌هایی از روایات که به ظلم و جور قبل از ظهور اشاره دارند، می‌پردازیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

قیامت، برپا نمی‌شود، تا این که مردی از اهل بیت من حکومت کند، نام او هم نام من است. زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همانطور که از ظلم و جور پر شده است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

یازدهمین از فرزندان من، مهدی است؛ کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن

۱. «لاتقوم الساعة حتى يملك رجل من اهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي، يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ كشف الغمة، ج ۲، باب ذكر علامات قيام القائم عليه السلام، ص ۲۵۵.

۲. «...الحادی عشر من ولدی، هو المهدی الذی یملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛ کافی، ج ۱، ح ۷، باب فی الغیبة، ص ۳۳۸.

روز را طولانی کند، تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آن که از ستم و بیداد پر شده باشد.^۱

از مجموع روایات موجود، نوعی همسانی میان واژگان عدل و داد و ظلم و جور دیده می‌شود؛ یعنی همان طور که در جامعه بعد از ظهور، عدل و داد فراگیر و همه جانبه می‌شود، در جامعه پیش از ظهور نیز ظلم و جور فراگیر و همه جانبه خواهد شد؛ نه این که همه ظالم باشند.

در نگاه ابتدایی چنین برداشت می‌شود که فراگیری ظلم و ستم، پیش زمینه و از شرایط تحقق ظهور عدل و داد توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است اما با نگاه ژرف و دقیق، معلوم خواهد شد اصل این نظریه و تفکر، غلط و حاکی از سوء برداشت یا عدم اطلاع کافی از فرهنگ و تعالیم روح بخش اسلام است. اثبات این مدعا بدین گونه است:

الف. فراگیری ظلم و ستم شرط ظهور نیست: در هیچ یک از روایات، فراگیری ظلم و ستم، شرطی از شرایط ظهور دانسته نشده است؛ بلکه فراگیری ظلم و ستم، در واقع به نوعی، نهایت آمادگی و احساس نیاز شدید مردم به منجی را می‌رساند.

ب. فراگیری ظلم و ستم از علائم حتمی ظهور نیست: علائم و نشانه‌های ظهور نیز به حتمی و غیر حتمی تقسیم شده‌اند و فراگیری

۱. «لؤلؤم یبقی من الدنیا الایوم واحد لطلول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یخرج رجل من وادی فیمالها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ *کمال الدین*، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴.

ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام از علائم ظهور نمی‌باشد.

از سوی دیگر، طبق روایات، یاران امام زمان علیه السلام پیش از ظهور حضرت، در آن جامعه رشد کرده، تربیت یافته و در زمان ظهور حضرت در رکاب حضرت به جان‌فشانی می‌پردازند؛ پس بی‌شک، جامعه‌ای که توان پرورش و تربیت یاران آن چنانی را داشته باشد، باید در آن، زمینه‌ها و بستر مناسب نیز وجود داشته باشد. معلوم است این تربیت و پرورش قهری نیست؛ بلکه در سایه تلاش و زحمت و استفاده از بستر مناسب است که به این لیاقت می‌رسند. بر این اساس، اگر در جامعه عصر ظهور، ظلم و ستم، همه جای عالم را فرا گرفته باشد، بستر و زمینه‌های مناسب رشد و تربیت از بین خواهد رفت و دیگر پرورش یاران حضرت علیه السلام ممکن نخواهد بود.



شنیده‌ایم در روایات آمده که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سخت‌تر از زمان‌های دیگر است؟

سختی دینداری در آخرالزمان، دلایلی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، دو عامل زیر می‌تواند باشد:

الف. تشخیص وظیفه: وظیفه یک مسلمان معتقد، آن است که

وظایف دینی خود را به خوبی بشناسد و به آن‌ها عمل کند. هنگام حضور ظاهری امام در جامعه و میان مردم، امر تشخیص وظیفه، راحت‌تر است؛ چرا که فرد به خدمت امام زمان علیه السلام می‌رسد و کسب تکلیف می‌کند؛ ولی در زمان غیبت، این امر نیز به صورت کامل، بر عهده خود شیعیان است. طبیعی است که وظیفه، دوچندان می‌شود و کار مشکل‌تر می‌گردد؛ چرا که تشخیص وظیفه، مسأله بسیار مهمی است که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. البته امامان علیهم السلام، شیعیان را به حال خود واگذار نکرده‌اند؛ بلکه از آنان خواسته‌اند که به عالمان و کارشناسان دین و اسلام شناسان فقیه مراجعه کنند و برای تشخیص وظیفه، از آنان مدد جویند.^۱

ب. ظواهر فریبنده دنیای امروز: شاید به جرأت بتوان گفت، عامل اصلی و مهم‌تر در سختی دینداری در دوره آخرالزمان، وضعیت فرهنگی دنیای مادی است. غول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای از یک طرف به شدت با اسلام درگیر شده‌اند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام نشان دهند. از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می‌دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می‌کنند؛ به گونه‌ای

۱. در توقیعی که از امام زمان علیه السلام صادر شده است، حضرت می‌فرماید: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا؛ فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ و اما حوادثی که واقع می‌شود، پس در آن‌ها به راویان حدیث ما (علما و فقهای اسلام‌شناس) رجوع کنید که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنان هستم»؛ *کمال الدین*، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان بکنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می‌شود که برخی همه چیز را به فراموشی می‌سپرند و حتی انسانیت را نیز زیر پا قرار می‌دهند و سخن از حیوان مدرن می‌گویند و معتقد می‌شوند که انسان، یکی از اقسام حیوانات است نه بیشتر. روشن است با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

البته هرچند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است، پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است.^۱

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیر مؤمنان، در کارها و فداکاری‌های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریکند.^۲ اینان، کسانی هستند که پیامبر ﷺ، آنان را برادر خود خوانده و دیدار آنان را آرزو کرده است.^۳ افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده^۴ و پیامبر ﷺ در حق آنان فرموده است: «خوشا به حال صابران در غیبت که اینان، حزب‌الله هستند».^۵

۱. در روایتی پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که یک نفر از آنان، اجر پنجاه نفر از شما [صحابه] را دارد». اصحاب گفتند: «یا رسول‌الله! ما با تو در بدر و أحد و خئین شرکت داشتیم و قرآن، میان ما نازل شد». پیامبر ﷺ فرمود: «اگر آنچه آنان تحمل می‌کنند بر شما وارد می‌شد، مانند صبر آنان، صبر نمی‌کردید». بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۳۲.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان.



معنای این جمله که می‌گویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است»، چیست؟

منظور این است که مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن، دور می‌شوند. این دور شدن، به چند شکل اتفاق می‌افتد.

۱. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام: مردم، به جای آن که به دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش می‌هند؛ اما هرگز برای ترجمه و تفسیر و فهم پیام قرآن، زمانی را اختصاص نمی‌دهند. چنین افرادی، جز اسمی از قرآن نمی‌دانند و نزد آنان، قرآن، همان صداهای زیبا است. یا تمام همت افراد، نوشتن قرآن به خط‌های زیبا و چاپ انواع قرآن در خط‌ها و اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف است؛ اما در معنای قرآن، فکر نمی‌کنند. نزد این گروه، قرآن جز خطی خوش نیست.^۱

۲. تفسیر به رأی توسط افراد غیر متخصص و گم‌شدن هدف اصلی قرآن: به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیر معقول از قرآن عرضه شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکررگرایی‌ها رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن، بین مردم گم شود و کسی نداند منظور خداوند، از نزول فلان آیه یا

۱. همان، ص ۱۹۰.

سوره یا کلّ قرآن و اسلام، چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند؛ زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.^۱

علاوه بر این که این تعابیر، حالت غالبی دارد؛ یعنی، غالب مسلمانان از حقیقت اسلام و قرآن، فاصله می‌گیرند؛ ولی در همان حال، گروهی هستند که عمل به دستوره‌های قرآن و اهداف اسلام را در متن زندگی خود قرار می‌دهند؛ به ویژه شیعیان که تحت تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام هستند.



منظور از «آرماگدون» چیست؟ و غربی‌ها در این مورد چه فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند؟

کلمه «هَرْمَجِدُن»؛^۲ در اصل واژه‌ای است یونانی که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخر الزمان است. همچنین این واژه، نام شهری در منطقه عمومی شام است که بنا بر آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، آن‌جا، جنگی عظیم رخ می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۳۹.

عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد.

حادثه شریف ظهور، حادثه‌ای بزرگ است و قدرت‌های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می‌دهد، جهت داده و نقشه‌های نظامی خود را به شکلی سامان داده‌اند که آمادگی‌های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این، در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه‌های این دولت‌ها نیز مردم خود را برای پیشواز این حادثه آماده می‌سازند.

این مؤسسات دینی همراه رسانه‌های دیداری و شنیداری این دولت‌ها، از سال‌های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی، به وقوع حادثه‌ای بزرگ در سرزمین شام توجه داده‌اند که به نبردی هسته‌ای خواهد انجامید. این مؤسسات، پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می‌خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن، از میلیون‌ها نظامی تشکیل یافته است، از عراق حرکت می‌کند و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان، به خشکی گراییده است، به سوی قدس رهسپار می‌شود.

اما نیروهای مؤمن به مسیح، راه این لشکر را سد کرده و همگی در «آرماگدون» با یک دیگر برخورد خواهند کرد. در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره‌ها ذوب می‌شوند... دیوارها بر زمین فرو می‌غلتنند... پوست تن انسان‌ها در حالی که ایستاده‌اند، ذوب شده و میلیون‌ها نفر از بین می‌روند... (احتمالاً این، نبردی نهایی و هسته‌ای است.) سپس مسیح برای بار دوم، از

جایگاه بلند خود بر زمین فرود می‌آید و پس از چندی، زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می‌کند. او، دولت صلح را بر زمین نو و زیر آسمانی تازه بنا می‌کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می‌سازد.

یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه «تلسن» که در اکتبر سال ۱۹۸۵م منتشر شده است، نشان می‌دهد در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون به سر می‌برند. این، در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته‌اند، در این مجال میسر نیست.

مؤسسات دینی آمریکایی، این نکته را روشن ساخته‌اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد، بنا بر پیشگویی حرقیال در کتاب مقدس (فصل ۳۸ و ۳۹) از نظامیانی از عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می‌شوند. مدارس انجیلی در آمریکا، بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد... و این، واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته‌اند...

به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا آنچه را روانشناسان گفته‌اند - اینکه بی‌گمان ایمان یک نفر به یک قضیه و پافشاری و ایمان او به لزوم به کرسی نشاندن آن، عهده‌دار به کرسی نشستن آن قضیه خواهد بود - در قضیه بازگشت دوباره مسیح به زمین پس از حادثه آرماگدون، به کار بسته و به این گفته قائلند که

بی‌گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی ابتدا به ایمان مردم و پافشاری آن‌ها بر ضرورت وقوع آن و هم‌چنین به شمار نفرات آن‌ها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی آن پیشگویی را بر عهده دارند.^۱



تفکرات حاکم بر فیلم‌های امریکایی (هالیوود) دربارهٔ تسخیر جهان و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد چگونه تحلیل می‌شود؟

از اوضاع و حوادث عمومی، می‌توان حدس زد که بشر، در آینده نزدیک، بر سر یک دو راهی بسیار حساس واقع خواهد شد؛ یا چشم‌پسته تسلیم مادی‌گرایی و قوانین حاکم بر طبیعت شده و یکسره به احکام الهی پشت پا می‌زند؛ یا توحید خالص را انتخاب کند و به قوانین و احکام الهی، برای اصلاح و علاج بحران‌های جهانی گردن می‌نهد.

حال به تشریح این دو تفکر و اهداف آن می‌پردازیم.

۱. حاکمیت قدرت و علوم مادی

طرفداران این نظریه، چند دسته‌اند: گروهی معتقدند شر و فساد و بدبختی لازمه جدانشدنی زندگی بشر است؛ لذا هر چه زودتر باید به

۱. مجله موعود، ش ۲۸، ص ۵۴.

زندگی بشریت خاتمه داده شود.

گروهی دیگر می‌گویند: با پیشرفت حیرت‌آور علوم و تکنیک و فراهم شدن سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی، جامعه بشری به نقطه انفجار نزدیک شده است و به زودی با دست خود، به زندگی خود خاتمه خواهد داد؛ لذا باید راه چاره‌ای اندیشید.

در این بیان، عده‌ای تنها راه را تشکیل یک حکومت واحد جهانی می‌دانند، تمام بشریت تحت یک نظام و سیستم مدیریتی واحد قرار گیرد و به اصطلاح، دهکده‌ای جهانی با یک رییس به وجود آید، تا دیگر تضاد منافع بین سران قدرت، باعث جنگ‌های تکنولوژیک نابود کننده نشود. در این باره تلاش قدرت‌های جهانی برای کسب سلطه برای اداره جهان بسیار چشمگیر است. پس از فروپاشی ابر قدرت شرق، هم اکنون غرب خود را قدرتی بلامنازع برای رسیدن به ریاست جهان می‌پندارد و برای کسب این مقام، از انواع ابزارهای تبلیغاتی استفاده می‌کند.

آمریکا با کمک سرمایه‌داران صهیونیسم و با در دست داشتن بزرگ‌ترین مرکز فیلم سازی جهان (هالیوود)، سالانه حدود هفتصد فیلم تولید می‌کند و نزدیک به ۸۰ درصد شبکه‌ها و سینماهای جهان را تغذیه رسانه‌ای می‌نماید. تمام این فیلم‌ها، در مسیر اهداف غرب برای حکومت بر جهان قرار گرفته است و پیوسته این هدف را دنبال می‌کند.

۲. حاکمیت احکام الهی و مدیریت انسان‌های موحد بر جهان

این نظریه که بر اساس پیشگویی‌های ادیان الهی ارائه شده و سیر

تحول روحی در نوع بشر و گرایش به ارزش‌های انسانی و الهی در قرون اخیر، آن را به منزله یک نظریه و طرح قابل اجرا کرده است، تنها راه برای نجات بشریت را بازگشت به دین و احکام الهی می‌داند و معتقد است این مهم با تشکیل حکومت جهانی به دست رهبری الهی امکان پذیر خواهد بود. ادیان الهی، هر کدام بر اساس آموزه‌های خود، این نظریه را ارائه کرده‌اند.

لازمه این طرح و نظریه دینی برای جهان، مبارزه با هر گونه استثمار، قدرت طلبی و بی‌عدالتی در جامعه جهانی است؛ لذا صاحبان قدرت جهانی به مقابله رو در رو با این تفکر الهی و دینی پرداخته‌اند و به صورت‌های گوناگون به تحریف آن مشغول شده‌اند. یکی از راه‌های تحریف و تضعیف، ایجاد یأس و ناامیدی در مردم جهان از روحیه خداجویی و کارآمدی دین در زندگی است؛ نشان دادن آینده تاریک و ترسناک و القای این نکته که آموزه‌های ادیان هرگز نمی‌تواند مشکلات امروز و آینده جهان را برطرف کند و تنها نجات‌بخش جهان، قدرت و تفکر غرب است. این هدف با انواع فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری و ایجاد بحران‌ها و جنگ‌های مصنوعی در جهان به جوامع انسانی القا می‌شود.



فیلم‌هایی مانند «روز استقلال»، «نوستراداموس» یا «بازی جهنم خلیج فارس» چه ارتباطی با موضوع مهدویت دارد؟

۱. فیلم «نوستر آداموس»: این فیلم، بر اساس پیشگویی‌های یک پزشک فرانسوی، ساخته شد؛ اما محتوای فیلم، مطابق اهداف غرب برای سلطه بلامنازع بر جهان، تهیه شده است. در این فیلم، نجات دهنده جهان (امام مهدی علیه السلام) با نام‌های «پادشاه وحشت»، «خدای جنگ بر ضد غرب»، «ضد مسیح بزرگ» معرفی می‌شود. آینده جهان، وحشتناک تلقی شده و تنها راه نجات را اتحاد با ابرقدرت غرب می‌داند. در نهایت، غرب را پیام‌آور صلح جهانی و اسلام و مسلمانان را ضد صلح و امنیت معرفی می‌کند. در این فیلم، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «او، مردی خونریز و بی‌رحم است و با جنگ‌های خود، تعداد زیادی زنان را بیوه و بچه‌های یتیم بر جای می‌گذارد». آن حضرت را با لباس عربی نشان می‌دهد و در حالی که با فشار دادن یک کلید هر کار بخواهد، انجام می‌دهد، این مطلب را به بیننده القا می‌کند که «ما باید متحد شویم و مانع قیام او گردیم؛ زیرا چیزی جز مصیبت و ناامنی برای مردم جهان نمی‌آورد. باید مردم جهان از او متنفر شوند و از او فاصله بگیرند».

۲. فیلم «روز استقلال»: این فیلم محتوایی تخیلی دارد و آمریکا را نجات دهنده بشریت برابر حمله فضایی به زمین نشان می‌دهد.

سرانجام با پیروزی نیروهای مدافع زمین در روز استقلال آمریکا، دشمن شکست می‌خورد و آمریکا بر سکوی نجات می‌ایستد.

۳. بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی»: در این فیلم، خلیج فارس - به ویژه ایران - را مرکز حرکت‌های تروریستی جهان می‌شمارد و آمریکا با حضور نظامی در منطقه، سردمدار مبارزه با این گونه حرکت‌ها می‌شود.



ماجرای کنفرانس تل‌آویو و مصوبات آن چیست؟

در این کنفرانس، نظریه پردازان غربی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، اعتراف می‌کنند که شیعه دارای دو نگاه است: نگاه سرخ و نگاه سبز و معتقدند شیعه به اسم امام حسین علیه السلام قیام را شروع و به اسم امام زمان علیه السلام آن را حفظ می‌کند. تصمیم نهایی در این کنفرانس، نشان دادن تصویری سیاه از انتظار سبز شیعه، به جهان است.

پس از این کنفرانس، کتاب‌ها و فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای زیادی برای این هدف تهیه و به جهان عرضه شد؛ مانند فیلم صهیون، فیلم آرماگدون و بازی‌های کامپیوتری ماتریکس، نفرین شدگان، سام ماجراجو، شیطان مقیم، بازگشت به قلعه ولفن‌اشتاین، دلتا فورس، قیام ملت‌ها و طوفان صحرا (حمله به عراق) و همچنین کتاب‌هایی

نظیر: جنگ بعدی، زمین سیاره بزرگ مرحوم، جهان نوینی در حال فرا رسیدن است، شما و سال ۲۰۰۰، چه بر سر ما می‌آید، آمادگی‌های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰، تدارک جنگ بزرگ.^۱

۶۵

چه سیاست‌هایی در فیلم‌سازی هالیوود دنبال می‌شود؟

به طور خلاصه می‌توان سیاست‌های فیلم‌سازی آمریکا (هالیوود) را بر این اهداف استوار دانست:

۱. حاکم کردن تفکر لیبرالیسم و بی‌توجه نمودن جامعه انسانی به ارزش‌های دینی و الهی؛
۲. بحرانی جلوه دادن وضعیت سیاسی و مدیریتی جهان و القای نیاز جهان به یک حکومت و دهکده جهانی به ریاست غرب؛
۳. انحصاری کردن نجات بخشی جهان در راه کارهای ارائه شده توسط دکترین غرب؛
۴. القای این نکته که آینده جهان، بسیار ترسناک و ناآرام خواهد بود و ساختن فیلم‌های تخیلی برای انجام این هدف؛
۵. مخالفت و مبارزه رو در رو با حرکت‌های عدالت‌طلبانه جهانی

۱. برای تحقیق بیشتر می‌توانید از منابع زیر استفاده فرمایید: ۱. *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، دکتر بلخاری؛ ۲. *از ظهور تا پیروزی*، سید حسن تقوی و ۳. *فصلنامه انتظار موعود* و *مجله انتظار نوجوان*، شماره ۵.

برضد استعمارگران غربی که در جهان شروع شده است (مانند افغانستان، عراق، بوسنی، ایران و...)

۶. تهاجم و شبیخون به فرهنگ‌ها و ارزش‌های دینی و دور کردن دین‌گرایان، خداپرستان و مسلمانان از توجه به ارزش‌های راستین الهی؛

۷. همسو و هماهنگ نشان دادن مجامع بین‌المللی (مانند

سازمان ملل، تجارت جهانی، صلح جهانی، کنفرانس‌های جهانی و رسانه‌های جهانی) با دکترین غرب برای آینده جهان.

فصل نهم

ظهور، علایم و شرایط آن



اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی عجل الله فرجه آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟

نهضت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد

الف: تفسیری اعجاز‌آمیز و مافوق طبیعی

ب: تفسیری عادی و در چارچوب نوامیس طبیعت که از سوی خداوند، بر هستی حکم می‌راند.

بر اساس تفسیر نخست که گاه از آن، با عنوان «نظریه حصولی بودن ظهور» یاد می‌شود، نهضت امام مهدی عجل الله فرجه پدیده‌ای است که با اراده مستقیم الهی و به کمک عوامل غیبی آغاز می‌شود و به انجام می‌رسد و اقبال و ادبار مردم و نیز توجه و تلاش یا غفلت و سستی آن‌ها، هیچ تأثیری در تقدیم یا تأخیر این حادثه بزرگ ندارد. اما طبق دیدگاه دوم که با عنوان «نظریه تحصیلی بودن ظهور» شناخته می‌شود، حرکت جهانی آن حضرت، روالی عادی و طبیعی دارد و از

این رو نیازمند فراهم شدن بسترها و شرایط، توسط توده مردم است. از میان این دو دیدگاه، دیدگاه دوم، به طریق صواب، نزدیک‌تر است؛ چرا که دیدگاه نخست، از اشکالات متعددی برخوردار است که در ادامه، پاره‌ای از آن‌ها را به اختصار خواهیم گفت:

۱. اعتقاد به اعجاز‌آمیز بودن نهضت امام مهدی علیه السلام اعتقادی بر خلاف اصل و روال طبیعی است. اصولاً در جهان هستی که جهان اسباب و مسببات است، هیچ پدیده عادی‌ای را نمی‌توان نشان کرد که بدون اسباب و علل عادی، تحقق یافته باشد؛^۱ چرا که به تعبیر امام صادق علیه السلام:

أبی الله أن یجری الاشیاء إلا بأسبابها؛^۲ خداوند، ابا دارد از این‌که پدیده‌ها را جز به واسطه اسباب، تحقق بخشد.

بر این اساس، طبیعتاً نهضت امام مهدی علیه السلام نیز مشمول همین قانون خواهد بود و اگر کسی مدعی باشد که این مهم، با دخالت عوامل فوق طبیعی و بدون فراهم شدن بسترهای عادی، شکل خواهد گرفت، باید بر مدعای خود دلیلی قاطع اقامه کند.

۲. این دیدگاه، با محتوای پاره‌ای از آیات قرآن کریم نیز ناسازگار

۱. برای نمونه، برای سیر شدن، باید غذا میل کرد و برای سیراب شدن باید آب نوشید. همچنان که برای تحصیل یک گیاه، باید دانه‌اش را کاشت و نهال آن را پرورش داد و آب و نور کافی را برایش فراهم کرد. این توقع که گرسنگی و تشنگی، بدون خوردن غذا و نوشیدن آب، بر طرف شود یا بدون فراهم کردن شرایط رشد یک نهال، آن نهال به بار نشیند، توقع بی‌جایی است.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۷.

است؛ برای نمونه آیه شریف ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱، به روشنی تغییر سرنوشت جوامع را از رهگذر تحولاتی می‌داند که می‌بایست در درون آن جوامع شکل گیرد. به تعبیر دیگر، سنت الهی بر این است که سرنوشت جوامع، نه با دخالت عوامل غیبی و نامرئی، که بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌های خود آن‌ها رقم بخورد. تغییری که در آخر الزمان به دست امام مهدی علیه السلام در عالم انسانی تحقق خواهد یافت نیز مصداقی از آیه مورد اشاره است؛ از این رو، برای ایجاد چنین تحولی که از نظر وسعت و عمق، بی‌نظیر است، نباید منتظر دخالت عوامل فوق طبیعی نشست؛ بلکه می‌بایست در توده مردم، زمینه چنین تحولی شکل بگیرد.

۳. اگر ما به اعجازی بودن حرکت امام مهدی علیه السلام معتقد باشیم، برای این سؤال اساسی که چرا غیبت آن حضرت، صدها سال به طول انجامیده است، پاسخی نخواهیم داشت؛ چون اگر بنا است کار آن بزرگوار، به وسیله اعجاز به سامان برسد، بسیار منطقی است که بپرسیم چرا این اعجاز، صدها سال به تأخیر افتاده است؟! حال که قرار نیست برای ساخته شدن دنیایی سرشار از خوبی‌ها و تهی از رنج‌ها و حرمان‌ها، در مردم تحولی به وجود آید و به رشد و بلوغ برسند و این مهم، تنها به یک اشاره خداوند توانا و به امدادهای غیبی، شدنی است، چرا این اشاره خداوندی، قرن‌ها به تأخیر افتاده است و از همان نخست، کارها به سامان نرسید؟!

دیدگاه دوم به سادگی به این سؤال پاسخ می‌دهد که اگر ظهور، فرایندی است عادی، برای تحققش نیز باید مردم مهیا شوند و شرایط و زمینه‌های آن را فراهم کنند و چون تاکنون چنین نکرده‌اند، ظهور نیز به تأخیر افتاده است.

البته تذکر این نکته ضروری است که عادی دانستن نهضت امام مهدی علیه السلام به معنای نفی امدادهای غیبی نیست؛ چرا که بی‌گمان، آن حضرت از آغاز تا سرانجام حرکت الهی خود، به وسیله امدادهای ویژه الهی، تأیید و مساعدت خواهند شد و این موضوع، از روایات متعددی به دست می‌آید.^۱

لزوم تأیید حرکت‌های الهی، توسط امدادهای غیبی و عوامل فوق طبیعی خود، یکی از قوانین حاکم بر هستی است. خداوند، اراده کرده است افراد یا اجتماعاتی را که با نیاتی زلال در مسیر کمال، گام بر می‌دارند، در شرایط بحرانی با نیروهای پیدای پنهان خود یاری کند؛ از این رو نمی‌توان به استناد احادیثی که از تأیید شدن امام مهدی به وسیله فرشتگان و سایر نیروهای فوق طبیعی سخن می‌گویند، غیرعادی و معجزه‌آسا بودن نهضت آن حضرت را برداشت کرد؛ چرا که این احادیث، ناظر به موارد خاصی و جزئی‌اند. تفاوت، بسیار است میان این‌که نهضت امام مهدی علیه السلام را از اساس،

۱. همچنان که نهضت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پدیده‌ای کاملاً عادی و طبیعی به شمار می‌رود؛ با وجود آن که دست غیبی خداوند، همواره یاریگر آن بود. در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران، آمده است: «...أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُثَبِّتُكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ؛ آیا این شما را کفایت نمی‌کند که خدا، سه هزار فرشته به یاری شما فرو فرستد؟»

معجزه‌گونه تفسیر کنیم یا این که معتقد باشیم جریان انقلاب جهانی آن حضرت، از روال عادی و طبیعی برخوردار است و امدادهای غیبی، در موارد خاص، آن را تأیید می‌کنند.



مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟

شرایط یک پدیده، به اموری گفته می‌شود که آن پدیده، به آن‌ها وابستگی وجودی دارد و تا آن‌ها نباشند، آن شیء به وجود نمی‌آید. طبق این تعریف، شرایط ظهور به اموری اطلاق می‌شود که امر ظهور امام زمان علیه السلام به وجود آن‌ها وابسته بوده و تا آن‌ها محقق نشوند، ظهور رخ نخواهد داد. اما علایم ظهور، به اموری گفته می‌شود که بیانگر نزدیکی امر ظهور می‌باشند و تحقق هر یک از آن‌ها، نشانه نزدیک‌تر شدن فرج و ظهور امام عصر علیه السلام است.

با توجه به تعریفی که از شرایط و علایم ظهور ارائه شد، تفاوت‌هایی که بین این دو موضوع وجود دارد نیز روشن می‌شود. تفاوت اصلی و اساسی این است که وابستگی ظهور به شرایط، یک ارتباط و وابستگی وجودی تامّ و حقیقی است؛ ولی علایم برای ظهور، فقط حالت کاشفیت دارند. البته کنار این اختلاف، می‌توان به تفاوت‌های دیگر نیز اشاره کرد؛ از جمله:

۱. نشانه‌های ظهور، به صورت پراکنده و جدا از هم می‌تواند رخ دهند و در نهایت، ظهور امام زمان علیه السلام حادث شود؛ ولی شرایط باید با هم و

کنار یک‌دیگر، تحقق یافته و موجود باشند، تا امام زمان علیه السلام ظهور کند.
 ۲. به علت عدم ارتباط وجودی بین علایم با ظهور، امکان دارد یک علامت یا برخی از علایم اتفاق نیفتند یا در یک زمان حادث شوند و پایان پذیرند و بعد از آن ظهور واقع شود؛ ولی برای تحقق ظهور، باید همه شرایط (با هم) موجود باشند؛ لذا در صورت نبودن حتی یک شرط، ظهور امام مهدی علیه السلام محقق نمی‌شود. این، به علت رابطه وجودی بین شرط و مشروط (ظهور) است.

۳. علایم، چون حالت نشانه بودن را دارند، لذا ممکن است یک علامت، بعد از ظهور (مثلاً روز بعد) اتفاق بیفتد؛ ولی شرایط، باید پیش از ظهور موجود باشند. البته تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد.



برای آن که ظهور امام مهدی علیه السلام واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟

برای انقلاب جهانی و بزرگ امام مهدی علیه السلام مانند هر انقلاب دیگر، چهار شرط متصور و لازم است:

الف. قانون جامع

یک انقلاب، برای درهم‌شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب، به دو نوع برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه برای نابودی وضع موجود (دوران انقلاب)؛

۲. قانون مناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و رسیدن به حالت آرمانی (دوران تثبیت).

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز این دو نوع برنامه را لازم دارد. برنامه آن حضرت در قسمت اول، بر اساس روایات، پس از دعوت به راستی، حرکت مسلحانه تا نابودی کامل شرک و کفر و فساد است. به عبارت دقیق تر، حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، ابتدا مردم را دعوت به دین حق و امامت خویش می کند و اگر کسی مخالفت کرد و خواست به راه شرک و کفر و تباهی ادامه دهد، حضرت با وی مقابله می کند. این روش بر گرفته از قرآن است.^۱

برنامه حضرت در بخش دوم نیز بر اساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است. قانونی که از طرف خالق و پروردگار انسان فرستاده شده و تضمین کننده سعادت دنیایی و آخرتی او است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیانی فرمود:

سیره و سنت او، سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.^۲

ب. رهبری

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب، وجود رهبر و پیشوایی آگاه،

۱. بقره (۲): ۱۹۳؛ «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ «و با آنها پیکار کنید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد».

۲. کمال الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶

توانمند، شجاع، قاطع، دلسوز و فداکار است، تا با آشنایی کامل از اهداف و برنامه‌ها، امکانات و زمینه‌ها، موانع و مشکلات، با مدیریتی صحیح و هوشمندانه، حرکت انقلاب را رهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد.

انقلاب عظیم امام مهدی علیه السلام نیز دارای این شرط است. رهبر این انقلاب، بزرگ‌مردی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سلسله نورانی امامت است که در دامان ولایت پرورش یافته و وارث علوم انبیا و آگاه به قرآن و معارف دین است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در بیانی فرمود:

مهدی این امت از ما است، کسی که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده است.^۱

ج. یاران

شرط دیگر یک انقلاب، وجود یارانی فداکار است که با آشنایی با رهبر و برنامه‌ها و اهداف او و اعتقاد راسخ به آن‌ها، تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست برندارند و آماده هرگونه فداکاری باشند. قیام جهانی امام مهدی علیه السلام نیز به یارانی نیاز دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین، تا آخرین لحظه فداکاری کنند.

از امام جواد علیه السلام ضمن حدیثی نقل شده است:

اصحاب او [= حضرت مهدی علیه السلام] به سوی او اجتماع

۱. «منا - والذی نفسی بیده - مهدی هذه الامة الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ همان، ج ۱، باب ۲۴، ح ۱۰.

می کنند که ۳۱۳ نفرند، به تعداد اهل بدر، از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می کند و چون عقد کامل شد - که ده هزار نفرند - به اذن خدا خروج می کند.^۱

د. آمادگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی است. باید مردم خواستار تغییر حاکمیت و وضع موجود بوده و رهبر انقلاب و برنامه های او را واقعاً پذیرا باشند. در غیر این صورت، حرکت انقلاب به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

انقلاب امام مهدی علیه السلام نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند، تا هنگام قیام، او را پذیرفته و برای تحقق اهداف و برنامه های او همکاری کنند.^۲

۱. همان، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲.

۲. تاریخ، نمونه های متعددی را از آمادگی و عدم آمادگی مردم در سینه خود انباشته است؛ برای نمونه اعلام آمادگی مردم مدینه در هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آن شهر و استقرار حکومت اسلامی نقش اساسی داشت. نیز خواست عمومی مردم مدینه و شهرهای دیگر که در مدینه اجتماع کرده بودند، حکومت عدل گستر امام علی علیه السلام را در پی داشت. همچنین عدم همراهی عموم مردم با امام حسن و امام حسین علیه السلام و شهادت آن دو امام بزرگوار، توسط دشمنان اسلام.

۶۹

با توجه به این که امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسان‌ها به آماده‌سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟

برخی بر این باورند که بین فراوانی ظلم و ستم با ظهور امام زمان علیه السلام، رابطه‌ای تمام وجود دارد؛ به گونه‌ای که ظهور، زمانی است که ظلم و ستم فراگیر شده باشد؛ ولی شرط قرار دادن «ظلم» برای «ظهور»، امر صحیحی نیست. برای درک کامل مطلب، توجه به چند نکته لازم است:

الف. این که بین سرنوشت انسان‌ها و اعمال اختیاری آنان رابطه است، جای هیچ تردیدی نیست. قرآن، هم آینده هر شخص را در دست خودش می‌داند^۱ و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است؛^۲ یعنی تعیین سرنوشت خوب یا بد جامعه، در دست مردمان آن جامعه است. اسلام، از انسان می‌خواهد درباره مسائل اجتماعی ساکت نباشد و برابر ظلم و ستم، تا برقراری عدالت بایستد و حتی در این راه، به پیکار و مبارزه برخیزد؛^۳ و کوتاهی در

۱. نجم (۵۳): ۳۹. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

۲. رد (۱۳): ۱۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

۳. حج (۲۲): ۳۹-۴۰. «أَذِنَ لِّلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظَلَمُوا وَ إِنَّا عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»

این باره را نمی‌پذیرد و مؤاخذه می‌کند.^۱

بر همین اساس، امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دین شمرده شده است و خداوند به اجرای این دو فریضه بزرگ، امر کرده است.^۲

ب. به طور کلی، هیچ‌گاه یک آموزه دین نمی‌تواند برخلاف سایر آموزه‌های دین باشد، وگرنه این، خود نشانه باطل بودن آن دین است؛ لذا یکی از ویژگی‌های قرآن، عدم اختلاف در آن است؛ از این رو، معنا ندارد خداوند در آیات متعدد، مردم را به توبه و ترک گناه امر کند و جایی دیگر، برای تحقق وعده خدا (ظهور حق و حجت خدا) به گناه امر نماید.

ج. در این‌که قیام حضرت، بدون یار و یاور تحقق‌پذیر نیست، نباید تردید کرد. آیات و روایات نیز به وجود یاوران اشاره دارد. یاری کردن، یعنی حرکت برای اجرای برنامه‌ها و اهداف انقلاب و تبلیغ آن‌ها میان مردم. یاوران، مردم را با انقلاب آشنا و همراه می‌کنند و در حین انقلاب، انواع فداکاری‌ها را انجام می‌دهند و بعد از انقلاب، از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند. چنین افرادی، وقتی می‌توانند موفق باشند

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...»؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست».

۱. نساء (۴): ۷۵. «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (و چرا شما نمی‌جنگید در راه خدا و...).

۲. آل عمران (۳): ۱۰۴. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ و باید از میان شما گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند.

که خود را هم‌رنگ انقلاب و رهبر آن کرده باشند، تا مردم جلوه‌های انقلاب را در رفتار آنان ببینند و بپذیرند. آیا حرکت در مسیر گناه و ظلم، مردم را به طرف امام زمان علیه السلام سوق می‌دهد؟ بر همین اساس، خداوند بر ایمان و عمل صالح تکیه دارد:

«ما در زبور، بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح من ارث می‌برند»^۱ جای دیگر می‌گوید:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که خلافت زمین را به آنان واگذارد...»^۲.

شرط تحقق انقلاب امام مهدی علیه السلام این است که ایمان و عمل صالح در پرونده افراد باشد، تا انقلاب رخ دهد.^۳

د. وظیفه انسان، حرکت به سوی کمال و کسب آن از طریق عبودیت و بندگی است. خداوند می‌فرماید:

تنها کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و یک‌دیگر را به حق و راستی سفارش بکنند، از خسران و ضرر به دورند.^۴

۱. انبیا (۲۱): ۱۰۵.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم؛ دعوت کننده مردم باشید به وسیله غیر زبانتان» بحار الانوار، ج ۶۷ ص ۳۰۳؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «برای ما زینت باشید، نه مایه آبروریزی» بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۵۱. آیا گناه و ظلم، دعوت به مهدی و مایه‌ی زینت و افتخار امامان علیهم السلام است؟

۴. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ العصر (۱۰۳): ۳ و ۲.

خداوند، از انسان می‌خواهد در گناه نماند و به سوی او رجوع کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید، توبه‌ای خالص.^۱

کوتاه سخن آن که خداوند، انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه، دارای تأثیر می‌داند و از او می‌خواهد برای اصلاح گام بردارد و خسته نشود. در چنین نگرشی، وعده ظهور را مطرح می‌کند. بنابراین انتظار منجی، به معنای صحیح آن، نه سکوت و تن دادن به ظلم است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛ بلکه باید خواستار ظهور باشد و در این راه، تمام تلاش خود را به کار گیرد و اگر در این مسیر، به تشکیلات و حکومتی نیاز است که حرکت برای زمینه‌سازی را سامان دهد، برای تشکیل آن اقدام کند. طبیعی است ظالمان و مفسدان نیز بی‌کار نخواهند نشست و به مقابله بر می‌خیزند؛ لذا جبهه ظلم، در نهایت درجه ظلم حرکت می‌کند و جبهه حق، به اوج تلاش می‌رسد. در این زمان است که خداوند، به مدد انسان‌های حق طلب می‌آید و با ظهور مهدی عزیز علیه السلام کار ظالمان را یکسره می‌کند.



آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده است؟

برای تحقق امر فرج حضرت ولی عصر علیه السلام باید دست کم چهار شرط فراهم باشد^۱، تا خداوند اذن ظهور را صادر فرماید. دو شرط از شروط چهارگانه تحقق یافته است. دین مقدس اسلام که دربردارنده طرح و برنامه حرکتی امام زمان علیه السلام است، بر وجود مقدس پیامبر اسلام نازل شد. همچنین وجود مقدس امام مهدی علیه السلام که رهبر قیام بزرگ جهانی است، در سال ۲۵۵۵ق به دنیا آمد.

اما تشخیص این که آیا سایر شرایط فراهم شده و جهان، آماده پذیرش و ظهور حضرت هست، امری مشکل و به بیان دقیق‌تر، از دسترس علم بشری بیرون است. حقیقتاً، ما نمی‌دانیم که شمار یاران امام زمان علیه السلام کامل شده است یا نه؟ ما در شرایط کنونی جهان، امیدوار ظهور و نجات مظلومان هستیم؛ ولی نمی‌دانیم آیا مردم، به راستی آمادگی پذیرش حضرت و عدل فراگیر او را دارند و در راه اعتلای دین و برقراری احکام نورانی آن، حاضر به همکاری و فداکاری هستند یا نه؟ به نظر می‌آید اظهار نظر قطعی در این باره، صحیح نباشد.

۱. چهار شرط عبارتند از: ۱. قانون جامع، ۲. رهبر آگاه و توانمند، ۳. پذیرش عمومی، ۴. یارانی که برای به ثمر رساندن اهداف رهبر خود آماده جانفشانی باشند.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را اصلاح کنیم و در وفای به عهده‌ی که با خدا بسته‌ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:

اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور به تأخیر نمی‌افتد.^۱

نیز برای ظهورش دعای فراوان، بکنیم؛ چرا که آن حضرت فرمود: «اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج؛ برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید».



دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند؟

شاید بتوان در یک جمله گفت که مردم باید با همه وجود، خواستار و پذیرای منجی باشند. توضیح آن که:

۱. مردم باید بفهمند برپایی عدالت واقعی و امنیت و آرامش برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی و نابودی، از عهده مکاتب و ایسم‌های بشری و حکومت‌های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، می‌توان صبح

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

۲. علاوه بر معرفت، مردم واقعاً باید خواستار عدالت باشند و حاضر باشند برای برپایی عدالت تلاش و کوشش کنند. آنان باید بدانند که خداوند سرنوشت انسان‌ها را به نوع اختیارشان مرتبط کرده و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ﴾؛^۱ به درستی که خداوند، آنچه را برای قومی است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان خودشان را تغییر دهند.^{۱ و ۲}

بنابراین، مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت‌گستری او باشند و حق و عدالت و بهره‌وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده‌کردن عدالت، تا آخر بایستند. در این صورت است که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند.

۱. رعد (۱۳): ۱۱.

۲. در ابتدای سوره مائده، آیات ۲۰ - ۲۶ به یکی از حوادث مربوط به قوم بنی‌اسرائیل در این زمینه اشاره می‌کند. وقتی حضرت موسی علیه السلام به بیان نعمات الهی پرداخت و به آنان فرمود: «خداوند ارض مقدس را برای شما نوشته است. بجنگید که به پیروزی می‌رسید». قوم او حاضر به تلاش و جنگ نشدند. حضرت موسی علیه السلام هم دعا کرد: «خدایا! میان من و برادرم با قوم فاسق، جدایی بینداز». خداوند هم فرمود: «سکونت در این شهر، چهل سال برای آنان حرام شد».



امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟

آنچه از متن دین در باره اختیار و اراده آدمی به دست می آید، این است که انسان، بی شک، در زندگی فردی و اجتماعی خود اختیار دارد.^۱

بر این مبنا باید گفت، امام زمان علیه السلام امامی آوردنی است؛ همان - طور که حقیقتی آمدنی و ظهور یافتنی است. از این رو تا زمانی که شرایط برای جنبش جهانی فراهم نشود، او هرگز ظهور نخواهد کرد. در این بین، ما مسلمانان مسؤولیت آماده سازی جنبش مهدوی را داریم، تا با کسب معرفت درباره امام و با آگاهی دهی به جامعه انسانی برای ایجاد بستر توحیدی، اراده جمعی و فردی خود را به کار بگیریم. امام، آوردنی است؛ چرا که این بخش از مقدمات، بی شک در اختیار ما انسان ها نهاده شده است و بلکه از ما خواسته شده است در این راه گام برداریم و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهیم؛ اما این که به حکم ضرورت، مسأله مهدویت در زندگی انسانی براساس حکمت الهی، نهادینه شده و امری است که به طراح نظام هستی باز می گردد و اختیار انسانی در آن نقشی ندارد، امام

۱. خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خداوند، سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. «رعد ۱۱: (۱۳)».

آمدنی است؛ یعنی پس از آن که تمام اراده‌های انسانی، دست به دست هم داد و مردم، از سر اضطرار و آمادگی، در جست‌وجوی آن مهدی موعود برآمدند، آن گاه خدای متعال، براساس حکمت و مصلحتی که همواره در کار نظام هستی و تدبیر الهی بوده است، اراده می‌فرماید و ظهور را رخصت می‌دهد.

البته شکی نیست که زمینه‌آذنِ ظهور از سوی خدای متعال، در اختیار انسانی است؛ ولی اصلِ اذنِ الهی، از اختیار آدمی بیرون است و باید دعا و ندبه کرد، تا خدای متعال امر به ظهور کند. بر اساس سنت قرآنی، هر گاه اضطرار آدمی به غایت خود رسید، بدون تردید، اجابت الهی به دنبال آن خواهد آمد.^۱



چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ مانع عمده ظهور چیست؟

شاید بتوان گفت یکی از شرایط عمده برای ظهور، وجود یاورانی است که همراه امام، بار قیام را بر دوش بکشند و تا آخر، از همراهی و یاری رهبر خود دست برندارند و او را تنها نگذارند. سدید صیرفی در گفت‌وگویی با امام صادق علیه السلام دربارهٔ عدم قیام می‌گوید:

۱. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ»، نمل (۲۷): ۶۲.

حضرت، مرا به خارج مدینه برد تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. امام صادق علیه السلام به جوانی که در آن نزدیکی بز می چراند، نگاهی کرد و فرمود: «ای سدیر! به خدا قسم! اگر پیروان من، به تعداد این بزها بودند، بر جای نمی نشستیم [و قیام می کردم]. سدیر گوید: بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آنها از هفده تجاوز نمی کند.^۱

تحقق این شرط، لازم است؛ ولی کافی نیست؛ بلکه باید زمینه‌های دیگر نیز فراهم شود. از جمله آن شرایط، قابلیت مردم برای پذیرش دولت حق است، به این معنا که عموم مردم و جامعه بشری (نه گروهی خاص و در منطقه‌ای خاص) باید به درجه‌ای از معرفت برسند که دریابند حکومت‌ها و مکاتب ساخته بشر، جوابگوی نیاز مردم نیست و به وسیله این‌ها، سعادت و عدالت واقعی به بشر هدیه نمی‌شود.

خلاصه آن که مردم، خود باید ظهور عدالت را بخواهند و جهانیان را با زیبایی‌های دوران ظهور آشنا کنند و روحیه عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را همه جا گسترش دهند. مرحوم خواجه طوسی، در کتاب *تجربید الاعتقاد*، علت غیبت امام را کوتاهی مردم می‌داند؛ چرا که اعمال و کردار مردم، باعث شد امام از میان مردم برود؛ بنابراین، مردم باید از راه غلطی که رفته‌اند، برگردند و امام را بخواهند، تا ظهور صورت گیرد.^۲

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۴.

۲. از همین رو، شیخ صدوق در مقدمه کتاب *کمال الدین* می‌گوید: «ظهور حجت‌های



انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟

هر انقلاب و نهضت، برای رسیدن به اهداف عالی خود، به مقدمات و آمادگی‌هایی نیاز دارد. دعوت و قیام جهانی و فراگیر حضرت ولی عصر علیه السلام نیز به زمینه‌ها و شرایطی نیاز دارد که بخشی از آن‌ها را افراد جامعه بشری آماده می‌کنند و با تشکیل یک حکومت و انقلاب برخاسته از متن جامعه که بر احیای ارزش‌های فراموش شده مبتنی است و در راستای اهداف و شعارهای بلند حضرت بقية الله الاعظم علیه السلام حرکت می‌کند، می‌تواند شرایط و زمینه را برای ظهور حضرت فراهم کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

یخرج ناس من المشرق فیوطنون [یمهدون] للمهدی یعنی

سلطان؛ گروهی از مردم از طرف مشرق خروج می‌کنند

الهی در مقام پیشوایی خود، بر سبیل امکان و تدبیر، نسبت به مردم زمان خودشان است. اگر حال (مردم) طوری باشد که امام بتواند تدبیر و رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد - یعنی مردم حاضر باشند حرف او را بپذیرند، و او بتواند اراده خدا را پیاده کند - ظهور آن حجت، لازم خواهد بود و اگر وضع به گونه‌ای باشد که امام نتواند تدبیر در رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد و حکمت الهی، موجب پنهانی او گردد و تدبیر نیز آن را اقتضا کند، خداوند او را در پشت پرده غیبت، نهان می‌سازد، تا زمانی که وقت مناسب فرا رسد.

پس آماده می‌کنند برای مهدی علیه السلام حکومتش را.^۱

در این راستا، امام راحل، معمار بزرگ انقلاب و بنیانگذار این نظام الهی فرمود:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان علیه السلام هموار می‌کنیم.^۲

امام خمینی در بخشی دیگر، انقلاب ایران را شروع انقلاب حضرت مهدی علیه السلام می‌داند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند، به همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۳

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود علیه السلام به

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

وسيله ملت ايران برداشته شده است و آن، ايجاد حاکمیت قرآن است.^۱

ایشان رابطه این دو انقلاب را به اینگونه تبیین می‌فرماید:

انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام زمان عجل الله فرجه برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر عجل الله به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اند، بدانید و شمای امام بزرگوار امت! بدانید - که بهتر از ما می‌دانید. - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر عجل الله شدید. شما یک قدم، این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید.^۲

آری؛ انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی عجل الله فرجه نیز است.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، تاریخ ۵۹/۴/۶.

۲. همان.



هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی ما، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟

با توجه به روایات، می‌توان شرایط ایران را تا حدودی این گونه ترسیم کرد: دانش و معارف دین اسلام و مکتب تشیع، از ایران و قم، به جهانیان صادر می‌شود؛ لذا موقعیت علمی ایران ممتاز است و اصلی‌ترین مرکز نشر مذهب اهل بیت علیهم السلام خواهد بود. در روایتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده است:

به زودی کوفه، از مؤمنان خالی می‌گردد و دانش، مانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود، از آن شهر رخت می‌بندد. سپس علم ظاهر می‌شود در شهری به نام قم. آن شهر، معدن علم و فضل می‌گردد [و از آن جا به سایر شهرها پخش می‌شود]؛ به گونه‌ای که در زمین، ناآگاهی در دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان در خانه‌ها. این قضیه نزدیک ظهور قائم علیه السلام واقع می‌شود... علم، از قم به سایر شهرها در شرق و غرب پخش می‌شود و حجّت بر جهانیان تمام می‌شود؛ به گونه‌ای که در تمام زمین، فردی پیدا نمی‌شود که دین و علم به او نرسیده باشد. بعد از آن، قائم علیه السلام قیام می‌کند و سبب انتقام خدا و غضب او بر بندگان [ظالم و معاند] می‌شود؛ زیرا خداوند، انتقام [و عذاب] بر بندگان را روا نمی‌دارد،

مگر وقتی که حجّت را انکار کنند.^۱

در ایران خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به طرف دین، روی می‌دهد. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

«مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. گروهی، گرد او اجتماع می‌کنند که مانند پاره‌های آهنند و بادهای تند [حوادث] نمی‌تواند آنان را از جای برکند. از جنگ خسته نمی‌شوند و کناره‌گیری نمی‌کنند و بر خدا توکل می‌کنند. سرانجام، پیروزی برای متقین و پرهیزکاران است».^۲

شاید این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین، خروج می‌کنند و طالب حق هستند؛ اما به آنان پاسخ داده نمی‌شود. مجدداً، بر خواسته خود تأکید می‌کنند؛ ولی جواب نمی‌شنوند. پس چون چنین دیدند، شمشیرها را به دوش می‌کشند و مقابل دشمن می‌ایستند، تا حق به آنان داده می‌شود، اما این بار قبول نمی‌کنند؛ بلکه قیام می‌کنند و نمی‌دهند آن را [= پرچم قیام را] مگر به صاحب شما [امام زمان علیه السلام].^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۶.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۲۴۳.



با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاح‌های مدرن، آیا مبارزه امام زمان علیه السلام با شمشیر خواهد بود؟

این که سلاح حضرت و یارانش هنگام ظهور چه خواهد بود، امری است که حقیقت آن، برای ما روشن و آشکار نیست؛ چرا که سخن از آینده‌ای است که ترسیم صحیح و دقیقی از آن، برای ما قابل پیش‌بینی نیست؛ لذا تعیین و مشخص کردن نوع سلاح، امکان ندارد. البته در این میان، چند نکته قابل دقت و تأمل است:

الف. روایاتی که در آن‌ها به شمشیر اشاره شده است، لزوماً به معنای آن نیست که نوع سلاح حضرت، شمشیر است؛ بلکه معنای آن، این است که قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است.

ب. پیروزی در جنگ و غلبه بر دشمن، تنها با تکیه بر سلاح و ادوات جنگی نیست؛ بلکه درایت و فرماندهی درست نیز شرط است. امام زمان علیه السلام از درایت و فرماندهی خود که از علم الهی سرچشمه گرفته است، بهره می‌برد. همچنین آن حضرت، علاوه بر امدادهای غیبی و فرشتگان، به لشکر «رُعب» مجهز است و خداوند، وحشتی در دل دشمنان او می‌افکند که توان درست فکر کردن و درست بهره‌بردن از تجهیزات را از دست می‌دهند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز در جنگ‌های بدر و احزاب، به این ابزارها مؤید بود.

ج. نوع حرکت جنگی و ابزارها، به گونه‌ای است که فقط دشمنان

نظامی را از پای در می‌آورد، نه آن که به مردم عادی آسیب برساند. به عبارت دیگر، عدالت رعایت شده و فقط کسانی که به جنگ برخاسته‌اند، کشته می‌شوند، نه آن که خوب و بد و مردم غیرنظامی نیز به قتل برسند؛ چنان که در سلاح‌های متعارف امروزی، چنین است.

د. آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که بین حضرت با دشمنان، جنگ و درگیری رخ می‌دهد و طرفین کشته می‌دهند؛ یعنی علاوه بر آن که لشکریان دشمن تار و مار می‌شوند، عده‌ای از یاران امام نیز به شهادت می‌رسند؛ بنابراین، نوع سلاح‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای طرفین، استفاده جنگی از آن امکان پذیر باشد.

سخن آخر آن که بررسی سلاح، از مسایل مهم مهدویت نیست و لذا دانستن آن، اهمیت چندانی ندارد و کنکاش در آن نیز نتیجه چندانی نمی‌دهد.



مراد از علایم ظهور چیست؟

«علامت» در لغت عرب، به معنای نشانه است؛ بنابراین منظور از علایم ظهور، نشانه‌هایی است که نزدیک شدن ظهور را خبر می‌دهند و تنها جنبهٔ اعلام و کاشفیت دارند؛ یعنی تحقق آن‌ها کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است.

علایم را از جهات مختلفی می‌توان تقسیم بندی کرد؛ از جمله:

۱. عادی و غیر عادی (معجزه آسا)؛

۲. حتمی و غیر حتمی؛

۳. قریب (نزدیک) و بعید (دور).

آنچه بیشتر از ظاهر روایات به دست می‌آید تقسیم علایم به غیر حتمی و حتمی است. علایم غیر حتمی یا موقوف نشانه‌هایی است که رخ دادن آن‌ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع به وقوع نپیوندند؛ اما علایم حتمی، علایمی است که رخ دادن آن‌ها حتمی و قطعی است.



علایم ظهور کدامند؟

در منابع و متون روایی، به بسیاری از رخداد‌های طبیعی و غیر طبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و حوادث اجتماعی به عنوان نشانه‌های ظهور، اشاره شده است. بدیهی است روایات مربوط به این مسأله؛ مانند سایر مسائل دیگر، همه از جهت درستی و اعتبار، یکسان نیستند. بلکه میان این روایات، برخی از جهت سند غیر قابل اعتمادند و برخی هم از جهت مضمون و مطالبی که در آن مطرح شده، جای بحث و تأمل دارند؛ بنابراین، نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت - بدون بررسی کارشناسانه از جهت سند و دلالت - به آن اعتماد کرده و آن را پذیرفت.

میان نشانه‌هایی که در احادیث، از آن‌ها به عنوان «علائم حتمی ظهور» نام برده شده است و دارای سند معتبر بوده و در مواردی، کنار یک‌دیگر از آن‌ها سخن به میان آمده است، علائم معروف و حتمی پنجگانه زیر است:

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه (آسمانی)، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در (زمین) بیدا.^۱

اشاره کوتاه این که:

۱. خروج سفیانی: پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام مردی از نسل ابوسفیان، در منطقه شام، خروج می‌کند و با تصرف بخش‌هایی از سرزمین اسلام، برای یافتن و کشتن شیعیان جایزه تعیین می‌کند.^۲

۲. خسف در بیدا: «خسف»، یعنی فرورفتن و «بیدا» نام سرزمینی بین مدینه و مکه است. سفیانی که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند، هنگامی که از ظهور ایشان با خبر می‌شود سپاهی عظیم به مدینه و مکه می‌فرستد و چون به سرزمین بیدا می‌رسند، خداوند آنان را در کام زمین فرو می‌برد و هلاک می‌شوند.

۱. «عن عمر بن حنظله: قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: قبل قیام القائم خمس علامات محتومات: الیمانی و السفیانی و الصیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف بالیداء»؛ کمال‌الدین، ج ۲، ب ۵۷، ح ۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. خروج یمانی: سرداری از یمن قیام می‌کند و مردم را به حق و عدل دعوت می‌کند. خروج یمانی، اجمالاً از نشانه‌های ظهور است؛ هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی، روشن نیست.^۱
۴. قتل نفس زکیه؛ نفس زکیه، یعنی انسان پاک و بی‌گناه. در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام جوانی بی‌گناه، مظلومانه در مسجد الحرام به قتل می‌رسد.^۲
۵. صیحه آسمانی: منظور از آن، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از آسمان به گوش می‌رسد و همه مردم آن را می‌شنوند. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حضرت مهدی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
- ندا کننده‌ای از آسمان، نام قائم ما را ندا می‌کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می‌شنود.^۳
- البته در برخی روایات، به نشانه‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مانند خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن^۴ یا طلوع خورشید از مغرب.^۵

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۰۶.

۳. الغیبة، نعمانی، باب ۱۴، ج ۹، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۴. کتاب الغیبة، طوسی، ص ۴۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۵. کتاب الغیبة، طوسی، ص ۴۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۹.



کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟

عده‌ای بر این باورند که بسیاری از علایم غیر حتمی ظهور اتفاق افتاده است و فقط علایم حتمی نزدیک ظهور، باقی مانده است. به نظر می‌آید در این باره سخن قطعی و کاملی نمی‌توان گفت؛ زیرا منابع اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند و بسیاری از این نشانه‌هایی که به عنوان علایم اتفاق افتاده، مطرح می‌شوند یا اصولاً در این منابع ذکر نشده یا بسیار کم رنگ بیان شده است. این امر، نشانه آن است که اخباری که این گونه نشانه‌ها را بیان کرده‌اند، چندان مورد اعتنای علمای گذشته نبوده است. همچنین اسناد برخی از روایات، اشکال دارد و نقل آن‌ها در کتب روایی جامع؛ مانند *بحارالانوار* به دو علت می‌تواند باشد:

۱. حفظ اصل نقل‌ها برای تأمل و تدبر دیگران درباره آن‌ها؛
۲. روشن شود که همه گروه‌ها - چه موافق و چه مخالف اهل بیت علیهم‌السلام - در اصل ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام اتفاق نظر دارند. مرحوم مجلسی در ذیل روایتی می‌گوید:

این روایت را که متن آن تغییر یافته و اشتباه دارد و سند آن به بدترین خلق خدا؛ یعنی عمر بن سعد منتهی می‌شود، آوردم تا دانسته شود همه حضرت مهدی علیه‌السلام را قبول دارند.^۱

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۷.

همچنین، این سؤال زمانی قابل پاسخ است که ما تطبیق را بپذیریم. مراد از تطبیق آن است که علامتی را با حادثه خارجی تطبیق داده و بگوییم این حادثه همان نشانه گفته شده در روایات است؛ اما باید توجه داشت که اولاً ما از لحاظ علم محدود می‌باشیم، و نمی‌دانیم آیا واقعاً این حادثه، همان نشانه است یا نه، و ثانیاً بعضی از علامت‌ها، دارای سند معتبر و قابل قبولی نیست، تا خود نشانه را بپذیریم و بخواهیم از وقوع آن سخن بگوییم.

بله؛ اگر قراین و شواهد قطعی وجود داشته باشد، می‌توان گفت نشانه‌ای از نشانه‌ها واقع شده است و این، بسیار مشکل است. البته، باید توجه داشت که شباهت حادثه با یک علامت، این احتمال را ایجاد می‌کند که شاید این واقعه، همان علامت ظهور باشد؛ لذا حالت آمادگی را در فرد منتظر ایجاد می‌کند.



آیا به نظر شما، نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟

با توجه به این که زمان ظهور مشخص نیست، زمان نشانه‌های مرتبط نزدیک به آن نیز مشخص نیست؛ بنابراین، سخن از نزدیکی یا دوری ظهور، امری پسندیده نیست.

البته عده‌ای با توجه به اوضاع و شرایط فعلی حاکم بر جهان، به این

باور رسیده‌اند که دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، همان دوره آخرالزمان است که در روایات به آن اشاره شده است؛ زیرا برای آخرالزمان نشانه‌هایی گفته شده؛ مانند گسترش فساد و تفسیر دین بر اساس هوا و هوس و... که این نشانه‌ها در دوره زمانی ما به وقوع پیوسته است. پس زمان کنونی، آخرالزمان است و ظهور نیز در این دوران محقق می‌شود. به علاوه، با وجود انقلاب اسلامی ایران و زنده شدن نام و یاد امام زمان علیه السلام و معرفی آن حضرت به دنیا، آمادگی و اقبال مردم به پذیرش او، بیشتر شده و امید به ظهور هم فزون‌تر شده است.

به هر حال، ما در عین آن که باید به تعجیل در فرج امید داشته باشیم و آمادگی برای ظهور را در خود تقویت بکنیم، نباید فکر خود را متوجه اموری بکنیم که از محدوده علم ما فراتر است و راهی برای دسترسی به آن نداریم؛ لذا سخن از نزدیکی علایم، امری قابل قبول نیست.



دجال کیست؟

دجال، از ریشه «دجل» به معنای «دروغگو و حيله‌گر» است. اصل داستان دجال، در کتاب‌های مقدس مسیحیان آمده است.^۱ در *انجیل*، این واژه، بارها به کار رفته است و از کسانی که منکر حضرت

۱. رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۱۸ و ۲۲.

مسیح هستند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، با عنوان «دجال» یاد شده است. به همین سبب، در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است.^۱ اما در کتب روایی شیعه، تنها دو روایت در باره خروج دجال، در جایگاه یکی از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است^۲ که هیچ کدام از این دو روایت، از نظر سند، معتبر و قابل قبول نیست؛ بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علایم ظهور باشد، وجود ندارد؛ اما در عین حال، با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال دارد اصل قضیه دجال، به طور اجمال، صحت داشته باشد؛ اما بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، افسانه‌هایی بیش نیست. حال به فرض پذیرش، این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟

دو احتمال اساسی در این باره وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی دجال مقصود از آن، نام شخص معینی نباشد؛ بلکه هر کس که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع اسباب حيله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم

۱. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷-۵۱۹؛ سنن ابوداؤد، ج ۴، ص ۱۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶-۸۱.

۲. کمال‌الدین، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، باب ۴۷.

باشد، دجال است. بر این اساس، دجال‌ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن، سخن از دجال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می‌کند. مانند: این حدیث رسول خدا ﷺ که فرمود:

«یکون قبل خروج الدجال نيف علی سبعین رجلاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد».^۱

با توجه به این احتمال، قضیه دجال، نشانه این است که در آستانه انقلاب امام مهدی ﷺ افراد فریب‌کار و حيله‌گری، برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند و با تزویر و حيله‌گری، مردم را از اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دلسرد یا مردّد می‌کنند.

این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته است»؛ خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حيله‌گر و دروغگویی است که پیش از خروج حضرت مهدی ﷺ در صدد فریب مردم است.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار، با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس، این‌که

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

پیامبران، امت‌های خود را از فتنه دجال بیم داده‌اند.^۱ به این معنا است که آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته‌اند؛ پس احتمال می‌رود، منظور از دجال - با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده است - همان استکبار جهانی باشد. در اوصاف دجال گفته شده: «کوهی از طعام و شهری از آب، همراه دارد». این، کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای است که استکبار در اختیار دارد.^۲



خراسانی کیست؟

درباره شخصیت خراسانی و فرمانده نظامی او سؤال‌های زیادی مطرح شده است. ظاهر روایات مربوط به خراسانی که از طریق اهل سنت و همچنین در منابع متأخر شیعه وارد شده است. دلالت دارد بر این‌که آن شخص، از ذریه امام حسن مجتبی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام است و از او با عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است. اما بنا بر روایاتی که در منابع اصلی و اولی حدیث شیعه مانند

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷؛ «ما بعث الله نبیاً الا و قد انذر قومه الدجال...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت».
 ۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: چشم به راه مهدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹ و دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

نعیبت نعمانی، کتاب نعیت طوسی و الارشاد مفید دربارهٔ این شخص وارد شده است، احتمال دارد او را یاور خراسانیان یا رهبر اهالی خراسان یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد؛ زیرا این روایات تعبیر به «خراسانی» کرده است. مجموعه قراین موجود دربارهٔ شخصیت او دلالت دارد وی همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می‌شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می‌کند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

خروج سفیانی و خراسانی و یمانی، در یک سال و یک ماه خواهد بود.^۱

آنچه از روایات مربوط به وی به دست می‌آید، این است که او رهبری و هدایت حرکت بزرگ از طرف مشرق زمین را به عهده دارد.



منظور از قتل نفس زکیه چیست؟

پس از آن که اراده خداوند بر ظهور حضرت قرار گرفت، بر اساس روایات، پانزده روز پیش از آن، شخصی در مسجد الحرام کشته می‌شود. قتل وی که به قتل نفس زکیه مشهور است، یکی از پنج علامت حتمی ظهور شمرده شده است.

۱. الارشاد مفید، ب ۴۰، ح ۱۴.

حمران بن أعین نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام فرمود:
از جمله علائم حتمی که وقوعش قبل از قیام قائم قطعی
خواهد بود خروج سفیانی، خسف بیداء، کشته شدن
نفس زکیه و ندای آسمانی است.^۱

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:
بین قیام قائم و کشته شدن نفس زکیه، [فاصله] نخواهد
بود، مگر پانزده شب.^۲

از برخی روایات استفاده می‌شود این شخص، جوانی است از فرزندان
پیامبر به نام محمد بن الحسن که گویا چون انسان پاک و وارسته‌ای
بوده و بدون گناه کشته می‌شود، به نفس زکیه معروف شده است.
وی در مسجد الحرام به شهادت می‌رسد.

در فرازی از روایت امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

و جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله که نام او محمد بن حسن -
نفس پاک - است بین رکن و مقام کشته می‌شود.^۳

درباره علت و کیفیت کشته شدن وی در روایتی از وجود مقدس
امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

[حضرت] قائم علیه السلام [صلی الله علیه و آله] به اصحاب خود می‌گوید: «ای
قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند؛ ولی من کسی را به سوی

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۶۴، ح ۲۶.

۲. «لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیه الا خمسة عشر ليلة...»؛

کتاب الغیبه، شیخ طوسی، باب علایم ظهور، ح ۴۴۰.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

آنان می‌فرستم، تا برایشان اتمام حجت کند و به آنچه سزاوار است، مانند من بر آن‌ها احتجاج کند. پس مردی از اصحاب خود را می‌خواهد، و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهل مکه! من فرستاده از طرف فلان [امام زمان علیه السلام] به سوی شمایم، و او [امام زمان علیه السلام] می‌گوید به شما: «به درستی که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و از تبار و سلاله پیامبرانیم و به درستی که ما مورد ظلم و ستم واقع گردیده و مقهور شدیم. از زمانی که پیامبران از دنیا رفت، تا امروز، حق ما از ما گرفته شده است، پس اکنون ما شما را به یاری می‌طلبیم؛ پس یاری کنید».

چون آن جوان این کلام را بگوید، مردم به سوی او بروند و او را بین رکن و مقام ذبح کنند و او است نفس زکیه.^۱



درباره سید حسنی توضیح دهید.^۱

از مجموع روایات چنین استفاده می‌شود که اصل وجود شخصی با نام حسنی یقینی است. در برخی روایات ویژگی‌ها و قضایایی برای ایشان نقل شده است که از اعتبار چندانی برخوردار نیستند و ما به اشاره‌ای اجمالی، اکتفا می‌کنیم.

۱. در روایات سه تن بعنوان حسنی معروف شده‌اند: اولی از دوستاناران حضرت است؛ امام از خدا درخواست اجازه ظهور می‌کنند حسنی از این موضوع با خبر شده و اقدام به خروج می‌کند اهل مکه به او هجوم برده، او را کشته و سرش را به نزد شامی - سفیانی - می‌فرستند پس از این واقعه ظهور صاحب‌الامر علیه السلام صورت می‌گیرد و مردم با ایشان بیعت می‌کنند ظاهراً این شخص همان نفس زکیه خواهد بود که بحث آن گذشت^۲؛ دومی شخصی است که با سپاه سفیانی - اموی در شام درگیر می‌شود و سرانجام مغلوب خواهد شد؛ و سومین حسنی همان شخصی

۱. از روایات مربوط به سید حسنی به دست می‌آید که چند نفر، به سید حسنی ملقب هستند. ما تبیین آیت الله خراسانی را از کتاب *مهدی منتظر* (ص ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶ و ۳۵۴) تقدیم می‌کنیم.

۲. ر ک: *کافی*، ج ۸، ص ۲۲۴ و ۲۲۵، ح ۲۸۵؛ *نعمانی، الغیبه*، ص ۲۷۰، ح ۴۳.

مورد بحث است که از بلاد شرق - دیلم - خروج کرده و با یارانش در کوفه مستقر خواهد شد.^۱

۲. مکان خروج و استقرار حسنی: در ضمن روایتی بسیار طولانی مفضل بن عمرو نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «... سپس حسنی آن جوانمرد خوشرو از جانب دیلم خروج خواهد کرد وی با صدای فصیح می‌گوید: ای آل احمد غمگین محزون و ندا کننده از مکه یعنی مهدی علیه السلام را اجابت کنید. پس گنج‌هایی از طالقان که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی‌اند بسان پاره‌های آهن سوار بر اسب‌های ابلق در مسیر خود به سمت کوفه با ستمگران جنگیده، آنان را کشته تا وارد کوفه شده... و آنجا را قرارگاه خود قرار می‌دهند...»^۲

۳. زمان و مکان ملاقات حسنی با امام زمان علیه السلام: از روایت فوق استفاده می‌شود که خروج حسنی همزمان یا بعد از ظهور حضرت خواهد بود زیرا در ادامه روایت فوق امام علیه السلام می‌فرماید: «... پس از ورود مهدی علیه السلام و اصحابشان به کوفه حسنی با خبر شده؛ یارانش به او می‌گویند: یابن رسول الله کیست که به ساحت و منطقه ما وارد شده است؟ حسنی در پاسخ آنان می‌گوید بیرون شویم و ببینیم او کیست و چه می‌طلبد. به خدا قسم او

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، باب ۲۸، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. همان.

می‌داند که او مهدی علیه السلام است و او را می‌شناسد و از این سخن غرضی جز اینکه امام را به اصحاب خود بشناساند ندارد پس حسنی با سپاه خود نزد حضرت می‌آیند و...^۱»

۴. صداقت حسنی: پس از ملاقات حسنی با امام زمان علیه السلام گفتگویی جالب بین آنان صورت می‌گیرد امام صادق علیه السلام در ادامه همان روایت می‌فرماید: «حسنی به امام عرض می‌کند: اگر تو مهدی آل محمدی آثار جدت پیامبر صلی الله علیه و علی آله و سلم عصا، انگشتر، عمامه و... و مصحف علی علیه السلام کجاست؟ حضرت همه آنها را به او عرضه می‌کند سپس حضرت یا حسنی عصا را برداشته و در سنگ سختی فرو می‌برد بلافاصله عصا سبز شده و برگ در می‌آورد و... پس از آن می‌گوید: الله اکبر یابن رسول الله دست خود را دراز کن تا با تو بیعت کنم و به این ترتیب او و سپاهیان با حضرت بیعت می‌کنند...^۲»

۱. همان.

۲. همان؛ برای اطلاع بیشتر در این زمینه به کتاب «تأملی نو در نشانه‌های ظهور» تقریرات درس آیت‌الله نجم الدین طوسی پیرامون قیام حسنی، با تحقیق و تقریر آقای محمد شهبازیان، مراجعه شود.



دربارهٔ یمانی توضیح دهید.

روایات متعددی دلالت دارد که یمانی یکی از پنج علامت ظهور امام زمان علیه السلام دانسته شده است. عمر بن حنظله می‌گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

قبل از قیام قائم پنج علامت خواهد بود: ندای آسمانی، سفیانی، خسف بیداء، کشته شدن نفس زکیه و یمانی...^۱

در برخی از روایات این پنج علامت بعنوان علائم حتمی مطرح شده‌اند در روایتی چنین وارد شده است:

عمر بن حنظله: امام صادق علیه السلام فرمود: پنج علامت قبل از قیام قائم از علائم حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء.^۲

قبل از ظهور قائم علیه السلام چند تن خروج خواهند کرد مهم‌ترین آنها خروج سفیانی، یمانی و خراسانی است که مطابق برخی روایات در یک سال و یک ماه و یک روز رخ خواهد داد به این روایت توجه کنید:

امام صادق علیه السلام: خروج سه تن خراسانی، سفیانی و یمانی در یک

۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ و نیز با سندهای دیگر: الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۹؛ کمال‌الدین، ج ۲، باب ۵۷، ص ۶۴۹، ح ۱؛ الغیبه، طوسی، ص ۴۳۶؛ و...
 ۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

سال، یک ماه و در یک روز خواهد بود و...^۱.
 روایت فوق در ادامه پرچم یمانی را هدایت کننده‌ترین پرچم به
 حق دانسته که بیانگر حرکت مثبت ایشان و هدایتگر بودن ایشان
 است که مردم را به حق و راستی دعوت می‌کند.
 در پایان تذکر این نکته ضروری است که واژه یمانی یعنی کسی
 که اهل یمن و منسوب بدانجاست و یمانی نیز با همین عنوان
 معروف است ولی آیا نام اصلی ایشان چیست؟ و آیا اهل یمن است و
 از یمن خروج خواهد کرد؟ یا اهل یمن است ولی از مکان دیگری
 قیام خواهد کرد؟ و یا غیر یمنی است ولی از یمن قیام خواهد کرد؟
 و یا سرانجام ایشان چه خواهد شد؟ و وظیفه مردم در برابر قیام
 یمانی چیست؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی دیگر از این قبیل از
 جمله مسائلی است که یا در روایات به آنها پاسخی داده نشده است
 و یا اگر پاسخی بیان شده در روایاتی طرح شده که از اعتبار قال
 توجهی برخوردار نیستند لذا از ارائه آنها خودداری شده است.



سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید.

در برخی روایات، یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، خروج فردی معروف

۱. العیبة، طوسی، ص ۴۶.

به سفیانی شمرده شده است. از جزئیات حرکت وی نمی‌توان به روشنی و با قطعیت چیزی گفت؛ اما به صورت کلی می‌توان بیان کرد او که گویا از نسل بنی امیه و ابوسفیان است چند ماهی پیش از ظهور، خروج و قیام خود را از منطقه وادی یابس (احتمالاً جنوب غرب سوریه واقع است) شروع می‌کند و بر منطقه عراق، سوریه، اردن و این نواحی مسلط می‌شود. او، مردی خون ریز است که در زمان تسلط و حکومت او عده زیادی کشته می‌شوند. او با احساس خبر ظهور، لشکری را برای مبارزه و کشتن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به طرف مدینه و مکه روانه می‌کند. لشکر وی در منطقه «بیدا» بین مکه و مدینه به اراده خداوند به زمین فرو می‌رود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور و حرکت به سمت عراق، سفیانی را می‌کشد.



جهان در آستانه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در چه شرایطی است؟

وقتی ظلم و تباهی چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن‌گاه که ستمگران، گستره زمین را جولانگه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست‌های یاری‌خواهی را به آسمان گشوده‌اند، ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می‌درد و در ماه خدا، رمضان،

ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد.^۱ قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی علیه السلام از هر کسی، سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمرة یاوران او، سر از پا نمی‌شناسند.

آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و عراق سلطه دارد، سپاهی را تجهیز می‌کند، تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است، در محلی به نام بیدا به کام زمین می‌رود و نابود می‌شود.^۲

پس از شهادت نفس زکیّه، به فاصله کوتاهی، امام مهدی علیه السلام در سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می‌کند، در حالی که پیراهن مبارک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بر تن دارد و پرچم پیامبر را به دست گرفته است. او، به دیوار کعبه تکیه می‌زند و بین رکن و مقام، سرود ظهور را زمزمه می‌کند. پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او می‌فرماید:

ای مردم! ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد، به یآوری می‌خوانیم.

آن‌گاه خود و خاندانش را معرفی می‌کند و ندا می‌دهد:

۱. الغیبه، نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.

فَاللّٰهُ اللّٰهُ فِينَا لَاتَخَذُلُوْنَا وَاَنْصُرُوْنَا يَنْصُرْكُمْ اللّٰهُ تَعَالٰی؛
 درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را
 [در میدان عدالت گستری و ستم‌ستیزی] تنها نگذارید و
 یاریمان کنید تا خدا شما را یاری کند.

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت
 می‌گیرند و فرشتگان، گروه‌گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت
 می‌کنند؛ در حالی که پیشاپیش آن‌ها فرشته وحی، جبرئیل با امام
 دست همراهی می‌دهد. آن‌گاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط
 مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند بر گرد خورشید تابناک
 امامت، حلقه زده و پیمان وفاداری می‌بندند. این جریان سبز، جاری
 است، تا آن که ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام علیه السلام حضور
 می‌یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت می‌کنند.^۱

امام علیه السلام با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر
 مکه و اطراف آن مسلط می‌شود و سرزمین پیامبر را از وجود
 ناهلان، پاک می‌کنند. آن‌گاه راهی مدینه می‌شود، تا سایه عدالت و
 مهر را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند.
 سپس عازم عراق می‌شود. در عراق، با دو مشکل روبه‌رو می‌شود:

۱. گروهی به ظاهر دیندار، مقابل او قرار می‌گیرند وقتی نصایح
 حضرت و موعظه‌اش در دل آنان اثر نمی‌گذارد، کار به جنگ می‌-
 کشد و همه آنان کشته می‌شوند.

۱. الغیبه، نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷.

۲. با لشکر سفیانی مقابله می‌کند. این، زمانی است که حضرت، کوفه را نیز به تصرف خود درآورده است. گفت‌وگوها و اندرزه‌های حضرت، در دل چون سنگ آنان نیز اثر نمی‌گذارد و جنگ، شعله‌ور می‌شود که به هلاکت سفیانی و یاران او می‌انجامد.

حضرت، شهر کوفه را مرکز حکومت جهانی خود برمی‌گزیند و از آن جا به مدیریت قیام می‌پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌کند.

امام علیه السلام یک به یک سنگ‌های کلیدی جهان را فتح می‌کند؛ زیرا علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد. خداوند توانا، چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما به وسیله رُعب [وحشت در دل دشمنان] یاری می‌شود.^۱

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود، بیت‌المقدس است^۲ و پس از آن، واقعه بسیار مبارکی اتفاق می‌افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام سرنوشت‌ساز است و

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶.
 ۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۵۴، ح ۷۲۸.

جبهه آن حضرت را تقویت می‌کند و آن، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان است. حضرت مسیح علیه السلام که به فرموده قرآن، زنده است و در آسمان‌ها به سر می‌برد، به زمین می‌آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام به نماز می‌ایستد. بدین وسیله، فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی علیه السلام، به همگان اعلام می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن مریم علیه السلام فرود می‌آید و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.^۱

به دنبال این اقدام حضرت عیسی علیه السلام، بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند، به آخرین ذخیره الهی و پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خداوند، عیسی علیه السلام را برای چنان روزی حفظ کرده است، تا چراغ هدایتی برای حق‌طلبان باشد. البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی علیه السلام و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت، از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند. در همین

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

راستا، امام، الواح تورات تحریف نشده (کتاب مقدس یهود) را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می‌کند^۱ و بسیاری از یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند. این‌گونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌شود و اسلام عزیز، همه عالم را زیر پرچم خود می‌گیرد.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲؛ و او خدایی است که پیامبرش را با (دلایل) هدایت و دین حق فرستاد تا (سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.



آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور خود اطلاع دارد؟

عده‌ای بر این باورند که امام زمان علیه السلام از زمان ظهور، اطلاعی ندارد. اینان، برای اثبات ادعای خود، به احادیث عدم توقیت (وقت تعیین نکردن) تمسک کرده‌اند؛ مانند «كذب الوقتون؛ تعیین کنندگان وقت

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۲.

۲. توبه (۹): ۳۳.

دروغگویند»^۱ یا روایت «فلسنا نوقت لأحدٍ وقتاً؛ ما برای هیچ کس وقتی را معین نکردیم»^۲ یا روایاتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده است: «مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها الا هو؛ مثل [ظهور] او مثل ساعت [روز قیامت] است که هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد»^۳.

در مقابل، عده‌ای دیگر دلالت این احادیث را تمام نمی‌دانند؛ زیرا این که گفته می‌شود: «تعیین وقت کنندگان دروغگویند» یا «ما اهل بیت تعیین وقت نمی‌کنیم» به معنای عدم علم نیست. حتی روایتی که ظهور را به قیامت تشبیه کرده نیز قابل توجیه- کردن است؛ زیرا بین این که آشکار کردن وقت فقط با خدا است با این که علم آن فقط نزد خدا است، تفاوت وجود دارد. علاوه بر این که روایاتی داریم که علم اهل بیت علیهم‌السلام متصل به علم الهی است و به گذشته و آینده علم دارند. مرحوم کلینی در باب‌های متعددی، روایاتی را درباره علم ائمه علیهم‌السلام مطرح می‌کند، از جمله باب «ان الائمة علیهم‌السلام يعلمون علم ما كان و ما يكون و انه لا يخفى عليهم الشيء». بنابراین، اظهار نظر قاطعانه در این باره، مشکل است؛ به علاوه، دانستن این که حضرت، به ظهور علم دارد یا نه، برای ما فایده ندارد.

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۲۵، ش ۴۱۱.

۲. همان، ص ۴۲۶، ش ۴۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.



حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام قیام خود را از کجا آغاز می‌کند؟

بنابر آنچه از روایات متعدد به دست می‌آید، محل شروع نهضت و قیام امام زمان علیه السلام مکه و مسجدالحرام است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

به درستی که قائم میان گروهی به عدد اهل بدر [= سربازان اسلام در جنگ بدر] ۳۱۳ نفر، از گردنه ذی-طوی [کوهی کنار مکه] پایین می‌آید، تا آن که پشت خود را به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروزی را که پرچمی مخصوص است به اهتزاز در می‌آورد.^۱

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

هنگامی که خروج کرد [به مسجد الحرام آمده و] به خانه کعبه تکیه می‌زند، و ۳۱۳ نفر مرد نزد او حاضر می‌شوند. اول سخنی که بر زبانش جاری می‌شود، این آیه است: ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲ سپس می‌گوید: «مَنْ بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي زَمَانِهِ وَ خَلِيفَهُ وَ حِجَّتَهُ وَ حُجَّتَهُ»^۳.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۲. هود (۱۱): ۸۶.

۳. کمال‌الدین، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶.

در این که مکه و مسجدالحرام، محل ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است، همه مسلمانان - چه شیعه و چه اهل سنت - اتفاق نظر دارند؛ زیرا روایات در این زمینه، بسیار است. البته این روایات، در قالب‌های گوناگون صادر شده است؛ در برخی، سخن از بیعت با حضرت در کنار کعبه شده «انه یبایع بین الرکن و المقام؛ بیعت می‌شود با او بین رکن (حجرالاسود) و مقام (ابراهیم)»^۱ و در برخی، خطبه آن عزیز کنار کعبه بیان شده^۲ و در برخی، از تجمع یاران در مکه^۳ یاد شده است.



چرا حضرت در مکه ظهور می‌کند؟

علت اصلی و حقیقی آن برای ما روشن نیست؛ ولی توجه به چند نکته باعث می‌شود، مکه مکان مناسبی برای ظهور باشد:

۱. مکه و کعبه قبله‌گاه مسلمین بوده و مردم هر روز بارها به سوی آن مکان مقدس توجه پیدا می‌کنند و در برابر آن سر به خاک می‌سایند.
۲. کعبه و مکه، مکان مقدسی است که انبیای بزرگوار الهی از

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۵۴ و ۴۶۳.

۲. منتخب الاثر، فصل ۶ ب ۱، ح ۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

آدم تا خاتم صلوات الله علیه به امر خدا در آنجا حاضر شده و ضمن زیارت و طواف، عبودیت خود را نشان داده‌اند.

۳. مکه زادگاه پیامبر خاتم صلوات الله علیه و محل بعثت او است.

شاید ظهور حضرت مهدی علیه السلام در مکه بیانگر آن باشد که ظهور آن بزرگوار در ادامه حرکت همه انبیای الهی و اوصیای او و در راستای رسالت پیامبر اکرم صلوات الله علیه است و او با ظهورش می‌خواهد قرن‌ها تلاش و مجاهدت پیامبران را به نتیجه برساند و دین حق را با استقرار کامل عدالت در جهان پیاده کند.



درباره جنگ‌های زمان ظهور سخنانی گفته می‌شود، حقیقت آن چگونه است؟

جنگ‌هایی که در زمینه ظهور مطرح است، مربوط به دو مرحله است:

۱. جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های پیش از ظهور: این حوادث ارتباطی با امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت ندارد؛ بلکه به سبب زیاده‌طلبی‌ها و خودخواهی‌های برخی انسان‌ها، بر جامعه بشریت تحمیل می‌شود. البته چون خداوند سرنوشت انسان‌ها را در اختیار خود آنان گذاشته است، آن‌ها می‌توانند با تعقل و درایت از بروز این حوادث جلوگیری کنند. در صورت تحقق این حوادث، اهل بیت علیهم السلام به ما آموزش داده‌اند که چگونه

تحت سرپرستی فقها و علما، از کنار این حوادث عبور کنیم.^۱

۲. جنگ‌های مربوط به دوران ظهور: ما بر اساس روایت که عقل، آن‌ها را تایید می‌کند، قیام حضرت را قیام مسلحانه می‌دانیم؛ ولی کشتار در مقیاس وسیع را به دلایل زیر نمی‌پذیریم:

الف. روایاتی که در آن به کشتارهای زیاد اشاره شده است، معمولاً دارای سند ضعیف است؛ لذا اعتمادی به آن‌ها نیست.

ب. امام، مظهر رحمت پروردگار است؛ لذا «رحمة للعالمین» از القاب آن بزرگوار است. او برای نجات و هدایت انسان‌ها می‌آید. او می‌آید تا بشریت را از پلیدی‌ها، رذالت‌ها و حیوان صفتی‌ها دور کند؛ لذا هنگام ظهور، ابتدا خود را معرفی کرده و به تبیین حرکت و هدف خود می‌پردازد و مردم را به پذیرش حق و راستی، عمل به نیکی‌ها و بندگی خداوند دعوت می‌کند.

۱. امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «بر دیگران واجب است از فقها تقلید کنند» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۱۰، ح ۳۳۴۰، ص ۱۳۱). مرحوم شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که مولای ما حضرت مهدی علیه السلام (درباره وظیفه شیعیان در زمان غیبت) فرموده است: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رخدادهایی که واقع می‌شود، به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان، حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم».

طبرسی نیز در کتاب الاحتجاج از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینہ، مخالفاً لهواه و مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛ هر یک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوا و هوسش و مطیع فرمان مولایش [= امامان] باشد بر دیگران لازم است که از او تقلید کنند» (ج ۲، ص ۴۵۸).

او فقط با کسانی وارد جنگ می‌شود که مقابل جریان حق بایستند و نه تنها حاضر به پذیرش حق نباشند؛ بلکه بخواهند با جنگ با حضرت، برای همیشه امید به صلح و نجات را در میان بشریت از بین ببرند و به حکومت ظالمانه خود ادامه دهند.

اینان، مانند غده‌های عفونی و چرکینی هستند که باید زیر چاقوی جراحی قرار گرفته و از پیکره بشریت خارج شوند، تا بقیه اعضا و اجزاء از عفونت، رهایی یافته و بتوانند به زندگی سالم و پر نشاط خود ادامه دهند.

مبارزه با این گونه افراد، نه تنها مطابق عقل و شرع است؛ بلکه عموم مردم نیز خواهان آن هستند. آیا مردم، خواهان مجازات افرادی مانند هیتلر، صدام، بوش و دیگر سرکردگان ظالم بشریت نیستند؟

ج. از آن جا که حرکت و قیام حضرت، با تبلیغ به دین حق و راستی شروع می‌شود و کلام او، با فطرت سلیم و الهی انسان‌ها هماهنگ است، بیشتر مردم خسته از ظلم و فساد و تبه کاری، به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد. به عبارت دیگر، مردمی که خودشان خواهان ظهور منجی هستند، آیا معقول است با او وارد جنگ شوند؟

۹۳

زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟

امامان معصوم علیهم‌السلام همواره در پاسخ به این پرسش، سکوت اختیار می‌کردند و علم آن را نزد پروردگار می‌دانستند؛ ولی کسانی یافت شده‌اند که در جواب احساسات پاک منتظران، به بیاناتی خلاف سیره امامان علیهم‌السلام روی آورده‌اند. با سیری کوتاه در بوستان معطر کلام امامان معصوم علیهم‌السلام می‌توان مضمون روایات مربوط به وقت ظهور حضرت مهدی را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- علم و آگاهی از زمان ظهور، نزد پروردگار متعال است.
- تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگویند.
- امر ظهور، ناگهانی خواهد بود.
- وقت ظهور، همانند خود ظهور، از اسرار الهی است.

برای نمونه، توجه به موارد زیر، سودمند می‌نماید:

وقتی شاعر پرآوازه شیعه، دعبل خزاعی، در محضر هشتمین آفتاب آسمان ولایت، شعری نیک خواند و سخن را با اشاره به قیام واپسین پیشوای شیعیان به پایان برد، اشک از دیدگاه آن امام همام جاری شد و فرمود:

ای خُزاعی! روح القدس، از لبانت با این دو بیت سخن گفت. آیا می‌دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟^۱

۱. «یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الامام

سپس حضرت به معرفی امام منتظر پرداخت و این گونه ادامه داد:
 اما این که چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ پدرم، از پدرش،
 و ایشان از پدراننش، نقل کرد که وقتی به پیامبر
 اکرم ﷺ گفته شد: «قائم از فرزندان کی ظهور خواهد
 کرد؟» آن حضرت در جواب فرمود: «مثل ظهور او،
 همانند ساعت [= قیامت] است که خداوند درباره آن
 فرمود: «هیچ کس جز او نمی تواند وقت آن را آشکار
 سازد. در آسمانها و زمین، سنگین است و این امر اتفاق
 نمی افتد، مگر به صورت ناگهانی».^۱

همین مطلب را آن امام غایب نیز این گونه یاد آور شده است:
 اما ظهور و فرج پس به درستی که کار آن، با خدای
 تعالی است و تعیین کنندگان وقت، دروغ می گویند.^۲
 از این دو روایت و روایات دیگر در این باره، به روشنی می توان
 دریافت که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه
 بشر از رسیدن به آن، بسی کوتاه است.^۳

و متی یقوم».

۱. وَاَمَّا «مَتَى» فَاجْبُرْ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قِيلَ
 لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ ﷺ: «مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَجْلِبُهَا
 لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَةٌ؛ كَمَالِ السِّدِّينِ، ج ۲، ب ۳۵،
 ح ۶: بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

۲. «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ، فَأِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذِبَ الْوَقَّاتُونَ»؛ كَمَالِ السِّدِّينِ، ج ۲، ب
 ۴۴، ح ۴.

۳. رحمان بن کثیر می گوید: مهزم بر حضرت صادق ﷺ وارد شد و گفت: فدایتان شوم!
 مرا از زمان امری که منتظر آن هستم، خبر دهید. آن حضرت فرمود: «یا مهزم! کذب

۹۶

حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از سوی من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند.» چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه می‌کنند و فریاد تمنای ظهور مهدی صلوات الله علیه سر می‌دهند و ظلم و جور، بیداد می‌کند و فقر، گریبان‌گیر ملت‌ها شده است، حضرت نمی‌آید؟

ابتدا به این مطلب اشاره می‌کنیم که سکوت نکردن برابر شکم‌بارگی ستمگران و فقر محرومان، دارای مراحل و راهکارهای متعدد است که یکی از آنها، قیام و تشکیل حکومت است. حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلوات الله علیه بیست و پنج سال خانه نشین شد و اقدام ظاهری برای تشکیل حکومت نکرد. امام حسن مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه، به مدینه بازگشت و حرکت ظاهری خاصی برابر ظلم‌های معاویه از خود نشان نداد. آیا این دو بزرگوار، کاملاً سکوت کرده بودند یا متناسب با شرایط زمان، عهد و مسؤولیت الهی خود را انجام می‌دادند؟

الوقائون؛ ای مهزم! کسانی که «وقت» معین می‌کنند دروغگو هستند»، کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۲۶، ح ۴۱۳؛ فضیل بن یسار از حضرت باقر علیه السلام درباره زمان ظهور پرسید. امام علیه السلام فرمود: «کذب الوقائون! کذب الوقائون! کذب الوقائون! تعیین کنندگان وقت [ظهور] دروغگو هستند!»، همان، ص ۴۲۵، ح ۴۱۱.

همچنین باید توجه داشت اگر حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، آن کلام بلند را فرمود و خلافت را پذیرفت، بدان سبب بود که مردم، آمادگی پذیرش را اعلام کردند و حجت بر امام تمام شد؛ ولی تاریخ نشان داد مردم، واقعاً آمادگی پذیرش را نداشتند؛ لذا حضرت پس از حکومتی حدوداً پنج ساله، در مسجد کوفه به شهادت رسید. شهادت حضرت، ضایعه بسیار بزرگ و غیر قابل جبرانی برای جامعه بشریت بود؛ ولی راه امامت، به وسیله امام حسن و سایر امامان علیهم السلام ادامه یافت علاوه بر آن، وظیفه حضرت علی علیه السلام آن نبود که با قیامی جهانی، عدالت را فراگیر کند. وظیفه هر امام، از سوی خداوند با توجه به زمان و محیط و مردم تعیین شده است. امام مهدی علیه السلام آخرین امام است و وظیفه او، فراگیر کردن عدالت و اسلام در سرتاسر جهان است؛ لذا زمان ظهور، وقتی خواهد بود که واقعاً مردم قابلیت پذیرش را در خود ایجاد کنند و حضرت را بخواهند و تا آخر همراه باشند.

فصل دہم

دورانِ ظہور و

حکومتِ حضرت مہدی

عَلَيْهِ السَّلَام
مُرَحَّمًا شَرِيفًا



آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی، هم‌گرایی دارد یا واگرایی؟

برای رسیدن به پاسخی مناسب در این رابطه، ابتدا باید ویژگی‌های جامعه مهدوی را از نظر گذرانند. آنچه در منابع و متون دینی و روایی ما، درباره حکومت مهدوی وجود دارد، گویای آن است که رکن اصلی و خمیرمایه بنیادین حرکت جهانی امام زمان علیه السلام گسترش همه جانبه و تقویت و توسعه توحید و یگانه‌پرستی و درکنار آن، مبارزه فراگیر و مستمر با همه تفکرات و جریان‌های انحرافی و الحادی است. در نهضت مهدوی، آموزه‌ها و تعالیم فراموش شده پیامبران الهی برپا می‌گردد و همه دستگاه‌های استبدادی، در نهاد حکومت و قدرت زایل می‌گردند و از بین می‌روند. در حکومت مهدوی، محرومان و مستضعفان و بندگان صالح و مؤمن خداوند، از جایگاه رفیعی برخوردارند. نظام فرهنگی، مرگب از ارزش‌ها و

هنجارها، عقاید و باورها، آرمان‌ها و... براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت معصومان شکل می‌گیرد و همه اجزا و عناصر اجتماعی، متأثر از این نظام فرهنگی است.

عدالت‌جویی و عدالت‌خواهی و مبارزه همه جانبه و مستمر با منکرات و عوامل اجرایی و شیوع آن، از برنامه‌ها و سیاست‌های اصولی در حکومت جهانی مهدوی است. رشد و توسعه همه جانبه و فراگیر، در همه ابعاد و شؤون بهره‌برداری از منابع طبیعی، توزیع عادلانه فرصت‌های اجتماعی و ایجاد روابط صمیمانه و دوستی متقابل بین افراد و... همه و همه، از ویژگی‌های جامعه آرمانی اسلام است. رکن اصلی همه متغیرها و الگوها، برآمده از دین و برای تحقق و تحکیم بنیان‌های دینی است که خصیصه اصلی جامعه مهدوی است.

در موضوع جهانی‌شدن، متغیرها و الگوهایی را می‌توان برای نمونه ذکر کرد؛ از جمله آن‌ها: شکسته‌شدن مرزهای ملی و فرهنگی و به جای آن، تداخل آن‌ها و تلاش در زمینه ایجاد تفاهم بر اصول مشترک فرهنگی و دست کشیدن از باورها و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و... افزایش ارتباطات و تعاملات جهانی و نزدیک کردن آن، از حیث زمان و مکان، به کمک وسایل و فن‌آوری‌های جدید ارتباطی و الکترونیکی، تبدیل نهادهای اجتماعی و ملی به نهادهای جهانی و توافق جهانی ملت‌ها بر باورها و ارزش‌های مشترک و یکسان - سازی جهان‌بینی‌ها، کاهش و حذف سنت‌ها و عناصر اجتماعی هویت - ساز، ایجاد و گسترش سازمان‌های جهانی و تأکید بر نهادهای سیاسی

اقتصادی جهانی... حذف دین و باورها و سنت‌های دینی و به جای آن، تأکید بر سکولاریسم و دموکراسی و پلورالیزم است. با توجه به این بیان، خصوصیت‌ها و ویژگی‌ها، در دو نوع حکومت و نگرش، معلوم می‌گردد که این دو، از جهاتی شبیه به هم و در نتیجه، هم‌گرایی دارند. این هم‌گرایی و شباهت، در اصل جهانی‌شدن و وحدت جهانی، استوار است؛ اما در تعیین محتوا و الگوها، کاملاً با هم متفاوتند؛ زیرا آنچه امروزه با عنوان جهانی‌شدن مطرح است، در واقع «غربی‌شدن» را تبلیغ و ترویج می‌کند. روش و منشی که به دنبال حذف دین و آموزه‌های دینی و ملی جوامع و فرهنگ‌های محلی و ملی و سعی و تلاش بر حاکمیت جهان‌بینی سکولار و... است. اضافه بر این، در تعیین محتوای جهانی‌شدن، واگرایی جدی و اصولی وجود دارد.

در یک سخن، شاید بتوان گفت: هدف حکومت مهدوی، اجرای عدالت فراگیر و بهره‌مندی عموم مردم از مواهب و امکانات خدادادی است؛ در حالی که در جهانی‌سازی جدید، هدف آن است که منافع عده‌ای خاص تأمین شود، البته در قالبی جدید.

۹۵

آیا انقلاب مهدی عجل الله فرجه الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟

انسان موجودی اجتماعی است که شکوفایی و تعالی برخی استعدادها و کمالات او در جامعه تحقق می‌یابد؛ چون جوامع

کوچک انسانی به یک‌دیگر پیوند خورده و جامعه جهانی را شکل داده‌اند و از آن، به دهکده کوچک جهانی یاد می‌کنند، محیط مناسب رشد برای عموم انسان‌ها زمانی است که این جامعه جهانی حرکتی مناسب و هماهنگ در کل زیر مجموعه‌ها داشته باشد؛ پس قانونی کامل و فراگیر لازم است. بنابراین طبق آیه سوم سوره مائده^۱ کامل‌ترین قانون و معرفت در دسترس انسان‌ها قرار گرفت.

قانون به تنهایی ضامن ایجاد جامعه سالم نیست؛ لذا تا کنون چنین جامعه‌ای محقق نشده است. با توجه به برداشت‌های مختلف از این قانون (به علت نقص و درجات عقل و علم) از طرفی و حرکت رو به رشد انسان‌ها از سوی دیگر، به معلم عالم (به علم الهی) و معصوم (از هر خطا) نیاز می‌باشد، تا به تبیین و تعلیم قانون الهی بپردازد و علاوه بر معلم، به مربی و تزکیه‌کننده نیز لازم است؛ از این رو خداوند وظیفه تبیین و تزکیه را بر دوش انبیا قرار داد تا علاوه بر تلاوت و ابلاغ وحی به این دو مهم همت گمارند:

خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.^۲

با رحلت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این دو وظیفه مهم به عهده اوصیا و امامان

۱. «أَيُّوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُم دِينَكُمْ وَ أْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»، مائده (۵): ۳.
۲. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ آل عمران (۳): ۱۶۴.

معصوم عجل الله فرجه قرار گرفت؛ بنابراین غدیر، پاسخی دیگر به نیاز انسان بود.

قانون و معلم معصوم، کنار یکدیگر نیز موجب پیدایش مدینه فاضله نیست؛ چنان که تا کنون محقق نشده است. باید کنار این دو رکن مهم، مدیریت جامعه نیز در اختیار معصوم عالم باشد تا او با علم الهی که به دین، وضع جامعه، نیازها و امکانات دارد در هرم قدرت قرار گیرد و با استفاده از کارگزاران شایسته و بهره‌وری صحیح از امکانات، محیط مناسبی را برای رشد انسان‌ها فراهم آورد.

از بیان فوق روشن شد که اولاً؛ جامعه جهانی، به دین اسلام نیازمند است، ثانیاً؛ به معلم و مربی معصوم عجل الله فرجه نیاز دارد و ثالثاً؛ محتاج امامت و مدیریت امام عالم معصوم است؛ پس انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله فرجه و تشکیل حکومت واحد جهانی، نیاز جامعه بشری است.^۱

۱. البته از راه قرآن و روایات نیز می‌توان حکومت واحد جهانی را در سایه انقلاب امام مهدی عجل الله فرجه به تصویر کشید که به یک آیه اشاره می‌شود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسق‌اند». نور (۲۴): ۵۵. خداوند در این آیه به مسلمانان و مؤمنان صالح وعده حکومت بر کل زمین را داده است؛ حکومتی که در

۹۶

آیا با ظهور امام زمان علیه السلام همه مردم مسلمان می‌شوند؟

در این باره، دو دسته آیات و روایات وجود دارد: دسته اول، آیات و روایاتی است که ظاهر آن‌ها وجود غیرمسلمان در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام است؛ مانند آیه:

«یهود می‌گویند: دست خدا بسته است... و کینه و

دشمنی را تا قیامت میان آنان افکنديم.»^۱

و مشابه این آیه، درباره مسیحیت نیز آمده است.^۲ مقتضای ظاهر این آیات، آن است که دین یهود و مسیحیت، تا قیامت باقی خواهند بود.

از بعضی از روایات نیز همین مطلب نتیجه‌گیری می‌شود؛ مانند

روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام که می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم:

سایه آن، دین مورد رضایت خدا که همان اسلام است (با توجه به آیه سوم سوره مائده) تحقق و استقرار می‌یابد و امنیت کامل فراگیر می‌شود. این چنین امنیت، در سایه از بین رفتن عوامل ناامنی (شرک و کفر و فساد) و پیاده شدن اسلام و دین خدا تحقق می‌یابد؛ لذا در روایات، علاوه بر عدالت‌گستری امام مهدی علیه السلام به ورود دین اسلام در همه قریه‌ها و آبادی‌ها اشاره شده است. نتیجه این حرکت و حکومت، عبادت و عبودیت صحیح و کامل است «یعبدوننی لایشركون بی شیناً».

۱. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنَا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَعِنَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ مائده (۵): ۶۴.

۲. مائده (۵): ۱۴.

«در دوره حضرت مهدی، با اهل ذمه (یهود و نصارا) چگونه رفتار می‌شود؟» فرمود: «با آنان از سر آشتی و مسالمت رفتار می‌کند؛ همان‌گونه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با آنان از سر مسالمت رفتار کرد»^۱.

دسته دوم، آیات و روایاتی است که ظاهر آن‌ها می‌رساند که در زمان امام مهدی عجل الله فرجه همه مردم، مسلمان می‌شوند و هیچ دینی جز اسلام باقی نخواهد ماند؛ مانند آیه:

«و برای او، هر آن که در آسمان و زمین است، تسلیم هستند؛ از روی میل یا به اجبار و به سوی او، بازگردانده می‌شوند»^۲.

از امام کاظم عجل الله فرجه نقل شده است که در تفسیر این آیه، فرمود: این آیه، در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شود، دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئان و کفار شرق و غرب، عرضه می‌دارد؛ پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات، امرش می‌کند و هر کسی از قبول اسلام امتناع ورزد، گردنش را می‌زند، تا این‌که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست، کسی باقی نمی‌ماند
...^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۲. «... وَ لَئِذَا أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؛ آل عمران (۳): ۸۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

نیز امام حسن، از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند:

او [مهدی علیه السلام]، زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشن پر می‌کند و سرتاسر زمین، تسلیم او می‌شوند به طوری که هر کافری ایمان می‌آورد و هر بدکاری، نیکوکار می‌شود.^۱

به دلیل وجود این دو دسته آیات و روایات، بین عالمان و دانشمندان، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی می‌توان به این شکل اختلاف را حل کرد که بگوییم این دو دسته از آیات و روایات، مربوط به دو دوران از حکومت حضرت مهدی علیه السلام است: دسته اول، اشاره به سیره و روش حضرت در ابتدای ظهور دارد و دسته دوم، اشاره به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام

توضیح این‌که آن حضرت، در ابتدای ظهور، تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغولند، سرکوب می‌کند و از بین می‌برد؛ ولی با کافرانی که از ظلم و جور و فساد دورند و پذیرای حکومت دادگستر آن حضرت هستند، همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سر مسالمت رفتار می‌کند و از آنان، جزیه^۲ می‌گیرد. به تدریج، با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین بردن باطل‌ها و بدعت‌ها و آشکار شدن نشانه‌ها و آیات حق، حجت‌های روشن الهی بر مردم تمام می‌شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و

۱. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۲۰، ح ۴۱۴.

۲. مالیات اهل کتاب به دولت اسلامی.

شرک باقی نخواهد ماند. در آن دوره، همه مردم، مسلمان خواهند شد و آن زمان، کفر و شرک، مصداق روشن ظلم و تجاوز از حق خواهد بود که در حکومت عدل گستر مهدی عجل الله تعالی فرجه، هیچ جایی نخواهد داشت. آنچه در روایت امام حسن از امیرالمومنین علیه السلام آمد، به روشنی، بر این معنا دلالت دارد. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریف **﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾**^۱ به مفضل فرمود:

ای مفضل! اگر پیامبر بر همه دین‌ها غالب شده بود، از آتش پرستان و یهودیان و نصارا و ستاره پرستان و از تفرقه و نفاق و شرک و ... اثری نبود. این که خداوند فرموده است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند» مربوط به روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.^۲

۱. توبه (۹): ۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۳.



برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی علیه السلام چیست؟

با توجه به روایات فراوانی که دربارهٔ دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام موجود است، برنامه‌های حکومتی حضرت را در سه محور می‌توان خلاصه کرد:

۱. برنامه‌های فرهنگی: مهمترین محور این برنامه عبارت است از:

الف. احیای کتاب و سنت: حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام

مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را

جایگزین هوای نفس می‌سازد. در عصری که نظر

اشخاص بر قرآن مقدم شده، افکار را متوجه قرآن

می‌کند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد»^۱.

ب. گسترش معرفت و اخلاق: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«زمانی که قائم ما قیام می‌کند، دست خود را بر سر

بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع کرده و

اخلاق آن‌ها را به کمال خواهد رساند»^۲.

ج. رشد دانش بشر به طور چشمگیر و بی‌سابقه: امام باقر علیه السلام فرموده

است:

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

در زمان امام مهدی علیه السلام به شما حکمت و دانش داده می‌شود، تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت (رفتار) می‌کند.^۱

د. مبارزه با بدعت‌ها: ۲ امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

هیچ بدعتی را وا نگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر این که آن را برپا خواهد داشت.^۳

۲. برنامه‌های اقتصادی: برخی برنامه‌های اقتصادی دوران حاکمیت حضرت را می‌توان چنین برشمرد:

الف. بهره‌وری از منابع طبیعی: حضرت علی علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تمام گنج‌های زمین برای او آشکار می‌شود».^۵

ب. توزیع عادلانه ثروت: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند، [اموال را] به طور مساوی تقسیم می‌کند و میان خلق، به عدالت رفتار می‌کند.^۶

۱. همان، ص ۳۵۲.

۲. بدعت، به معنای داخل کردن اندیشه و آرای شخصی در دین و دینداری است.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۵. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

۶. الغیبه، عمانی، باب ۸۳، ح ۲۶.

همچنین فرمود:

مهدی میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.^۱

ج. عمران و آبادی: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد می‌شود».^۲

۳. برنامه‌های اجتماعی: در این زمینه، روایات فراوانی رسیده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«مهدی علیه السلام و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».^۳

ب. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی: در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:
این قاطع حبائل الکذب و الافتراء این طامس آثار الزیغ و الاهواء...؛ کجا است آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را ریشه کن خواهد کرد؟ کجا است آن که آثار گمراهی و هوای و هوس را نابود خواهد ساخت؟

ج. عدالت قضایی: امام رضا علیه السلام فرمود:

وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود.

۱. همان.

۲. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

او، ترازوی عدالت را میان خلق نهد. پس [چنان عدالت را جاری کند که] هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.^۱ به امید روزی که بتوانیم آن دوران نورانی و سراسر معنوی را درک کنیم.



آیا امام زمان عج و اصحابش در عصر ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند؟

از روایات استفاده می‌شود در عصر ظهور که حاکمیت حق و عدل و نابودی شرک و کفر در آن رقم می‌خورد، منادیان راستی از الطاف و امدادهای خاص خداوند برخوردار هستند. برخی از امدادهای الهی برای حضرت مهدی عج و یارانش چنین است:

۱. آنان از لحاظ جسمی قوی بنیه هستند. ریتان پسر صلت می‌گوید:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟» حضرت فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گاه که از ظلم و ستم پر شده باشد. چگونه می‌توانم صاحب آن امر باشم؛ در حالی که ناتوانی جسمی مرا می‌بینی؟ قائم کسی است که وقتی ظهور کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تومند

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد»^۱.

در وصف یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می‌کند و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن محکم و استوار می‌نماید و به هر کدام از آنان، قدرت چهل مرد می‌بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می‌شوند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

به هنگام فرا رسیدن امر ما [حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه] خداوند ترس را از دل شیعیان ما برمی‌دارد و در دل دشمنان ما جای می‌دهد، در آن هنگام، هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده‌تر و از شیر شجاع‌تر می‌شوند.^۳

۲. لشکر رعب: در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می‌شود».^۴

۳. فرشتگان و جنیان: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می‌کند.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۱۷.

۳. همان، صص ۳۲۶، ۳۱۸ و ۳۷۲.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

۵. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۸۵.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

آن گاه که او پرچم پیامبر را به اهتزاز درآورد، سیزده هزار و سیزده فرشته به زیر پرچمش گرد می آیند که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان همراه بودند. همچنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می شتابند. آن ها، فرشتگانی هستند که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند، تا در رکاب امام حسین علیه السلام بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین علیه السلام را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام می گردند و اشک می ریزند.^۱

نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و آله یاری دادند، هنوز به آسمان باز نگشته اند، تا این که صاحب الامر را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می باشد.^۲

بنابراین امدادهای الهی به صورت های مختلفی شامل حال حضرت و یارانش می شود.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۲۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.



منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان عجل الله فرجه چیست؟

قرآن مجید، نقل می‌کند که شیطان پس از این که به دلیل سجده نکردن بر انسان و تمرد از دستور الهی، رانده شد، به خداوند گفت:

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾؛ پروردگارا! مرا تا

روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.^۱

شیطان، در این درخواست، دو مطلب از خداوند متعال خواسته

است:

۱. به او مهلت داده شود؛

۲. این مهلت، تا قیامت و روز مبعوث شدن بندگان ادامه داشته باشد.

پاسخ حضرت حق تعالی به درخواست او، چنین است:

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾؛ تو،

از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم.^۲

خداوند متعال، به او مهلت داده است و درخواست نخست او را

اجابت کرده است؛ اما درخواست دوم او که خواسته بود، تا روز

قیامت مهلت داشته باشد، اجابت نشده است؛ بلکه تا روز و وقت

معلوم به او مهلت داده شده است. پرسش، این است که «وقت

۱. حجر (۱۵): ۳۶.

۲. حجر (۱۵): ۳۷ و ۳۸.

معلوم» چه زمانی است؟ در بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۱، از امام صادق عج، روایتی وارد شده است که ابن وهب از امام، درباره سرنوشت ابلیس در آیه پرسش می‌کند که این روز، چه روزی است؟ امام می‌فرماید:

ای وهب! آیا تصور می‌کنی آن روز، زمانی است که خدا در آن روز، مردم را مبعوث می‌کند؟ [این چنین نیست؛] بلکه خداوند، ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت می‌دهد. آن هنگام، امام زمان عج، ابلیس را محکم می‌گیرد و گردن او را می‌زند و آن روز، زمان معلوم است.

البته قتل شیطان و ابلیس، به معنای از بین رفتن همه شیاطین - به ویژه انسان‌های شیطان‌صفت - نیست؛ زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف، دائر مدار اختیار خیر و شر است ضمن این که نفس اماره نیز هست.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۶۷-۱۶۹ ذیل آیه ۳۸ سوره حجر و ص ۱۸۴، ذیل بحث روایی آیه مذکور.



اگر حضرت مهدی علیه السلام شیطان را بکشند، مردمان پس از ظهور، از فریب‌های شیطان در امان خواهند ماند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است؟

اجر و پاداش انسان‌هایی که در دوران پیش از ظهور زندگی می‌کنند و دین خود را نگه داشته‌اند و تسلیم و سوسه‌های شیطان نشده‌اند، از مردمانی که در دوران ظهور زندگی خواهند کرد و تحت حاکمیت عدل الهی روزگار سپری می‌کنند، بیشتر و بالاتر است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عبادت همراه خوف و در دولت باطل؛ مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانید هر یک از شما که نماز فریضه را فرادا و پنهان از دشمن و در وقت بخواند (وقتی که علنی و با جماعت امکان ندارد) خدا، برای او ثواب ۲۵ نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی بخواند، خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه‌ای انجام دهد، خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هر کس نیکوتر انجام دهد، خداوند ثواب را مضاعف می‌کند. سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید:

شما، صابرِ همراهِ امام و منتظرِ دولتِ حق هستید، بر امام و بر جان‌های خود از شر حاکمان ظالم در هراسید. حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع می‌کنند و در تنگی و طلب معاش قرار می‌دهند؛ در حالی که بر

دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید؛ از این رو خداوند اعمال شما را چند برابر می‌کند؛ پس بر شما گوارا باد.

سپس حضرت در پایان حدیث می‌فرماید:

به خدا سوگند! هر یک از شما به این حال بمیرد، نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر و احد حضور داشتند.^{۱ و ۲}

طبق برخی روایات شیطان کشته می‌شود و مردم در زمان ظهور از شر وسوسه‌ها و فریب‌های او در امان خواهند ماند؛ ولی باز هم انسان دارای حق انتخاب و اختیار است؛ پس باز هم امکان خطا و اشتباه برای او هست. به عبارت دیگر، نفس درونی و وسوسه‌های او، آدمی را رها نمی‌کند.

همچنین چون دنیا محل ابتلا و امتحان است و مردم دوران ظهور نیز امتحان می‌شوند، امتحان آنان در مقطعی دیگر و به صورت دیگر و شاید مشکل‌تر انجام شود؛ برای نمونه، دانش آموزی که در مقطع دبستان امتحان می‌دهد، در حد و اندازه علمی و توان فکری از او آزمون گرفته می‌شود و وقتی به مقطع راهنمایی و دبیرستان وارد می‌شود، با توجه به رشد علمی و فکری، امتحان سخت‌تری را باید پشت سر بگذارد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷.

۲. در روایات متعدد، انسان منتظر، مانند فردی شمرده شده است که در رکاب پیامبر به شهادت رسیده است؛ همان، ص ۱۲۶.

همین فرد، وقتی وارد دانشگاه شد، باز باید امتحان بدهد و حتی ممکن است امتحان او به جای ده سؤال، فقط یک سؤال باشد و به او اجازه استفاده از کتاب نیز داده شود؛ ولی روشن است که امتحان او، بسیار سخت‌تر است و بخشش و ارفاق استاد نسبت به او کمتر می‌شود. اگر دانش آموز ابتدایی بشنود در دانشگاه چنین امتحانی می‌گیرند، آن را شاید نوعی ظلم بداند و بگوید: چگونه است من که علم کمتری دارم، باید سؤالات بیشتری را، آن هم به صورت حفظی پاسخ دهم؛ ولی دانشجو، هم سؤالات کمتری دارد و هم حق استفاده از کتاب برای او محفوظ است؛ ولی فردی که به همه دوره‌های تحصیلی اشراف دارد، در می‌یابد که کلام این دانش آموز صحیح نیست.

دوران ظهور نیز چنین است که امتیازاتی بی‌نظیر و بی‌بدیل دارد؛ ولی امتحانات خاص خود را نیز دارد.^۱

با توجه به، روشن می‌شود که خداوند در همه حال دربارهٔ بندگان، عدالت را مراعات می‌کند.

۱. قرآن کریم درباره زنان پیامبر می‌گوید: «ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکاری مرتکب شد، عذاب او دو چندان است»، احزاب (۳۳): ۳۰؛ یعنی انتساب شما به پیامبر به شما ویژگی و امتیازی داده است که اگر تقوا پیشه کنید؛ مانند دیگر زنان نیستید (بلکه ممتازتر هستید) و اگر خطایی مرتکب شوید نیز از دیگران بیشتر در عذاب هستید، احزاب (۳۳): ۳۰-۳۲.



آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیة الله کسی هم گناه می‌کند؟ اختیار چه می‌شود؟

بعد از ظهور حضرت حجت عج مانند پیش از ظهور، اختیار باقی است و برای انسان، امکان گناه کردن هست. این، مطلبی است مسلم که هم ادله عقلی و هم ادله نقلی بر آن دلالت دارد.

دلایل عقلی

الف. انسان، موجودی است که ذاتاً در افعال خود مختار است. این، یک امر وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند، این مطلب را درک می‌کند. به قول مولوی:

این که گویی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم
در قرآن کریم هم آیات متعددی اشاره به این حکم عقل دارد؛
مانند:

﴿ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ﴾^۱؛ بگو: حق، از پروردگارتان است؛ پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.^۱

ب. یکی از اصول دین ما، معاد است. ما معتقدیم قیامت برای تمام افراد، از اول هستی تا به آخر، حتی برای پیامبران و امامان

۱. کهف (۱۸): ۲۹.

ثابت است و هیچ استثنایی در بین نیست. روشن است مسأله قیامت و ثواب و عقاب، متفرع بر اختیار است.^{۱ و ۲}

ادله نقلی

خداوند در قرآن کریم، مردم را یا با لفظ «ناس» می‌خواند یا با لفظ «مؤمنین» این دو لفظ، شامل تمام افراد می‌شود و انسان‌های پس از ظهور، یا ایمان می‌آورند که مشمول این خطابات و تکالیف هستند یا ایمان نمی‌آورند که باز هم نشانه اختیار و امکان گناه برای آنان است و هیچ دلیلی بر استثنا کردن و خارج کردن آن افراد از تحت خطابات قرآن، نداریم.

-
۱. ان الله عزوجل ارحم بخلقه من أن يجبر خلقه على الذنوب ثم يعذبهم عليها؛ خداوند، به بندگان خود، رحیم‌تر از آن است که آنان را به گناه مجبور سازد و سپس آنان را کیفر دهد، توحید، باب ۵۹، ح ۳، ص ۳۶۰، این حدیث، هم از امام باقر و هم از امام صادق علیهما السلام نقل شده است در نتیجه اگر معاد برای همه هست، باید اختیار هم برای همه باشد.
 ۲. البته آیات بسیاری بر این معنی دلالت می‌کنند، مانند آیات ۱۰-۷ سوره شمس و آیات سوره «و العصر» و...

۱۰۶

برخی می‌گویند با توجه به روایات^۱ در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه امکان گناه کردن وجود ندارد، آیا این گفته‌ها درست است؟

این روایات، نه فقط دلالت بر عدم امکان گناه و بی‌اختیار بودن انسان نمی‌کند؛ بلکه کاملاً دلالت بر وجود اختیار و امکان گناه می‌کند. این مطلب، به توضیح نیاز دارد. اولاً می‌دانیم که مقصود از عدل در این روایات، عدل در مقابل ظلم است، و این معنا از «عدل»، در جایی امکان تحقق دارد که امکان ظلم باشد.^۲ در جایی می‌توان گفت یک فعل، عادلانه است که امکان ظالمانه بودن آن هم باشد. اگر در جایی امکان ظلم نباشد و انسان مجبور به انجام یک طرف باشد، دیگر اطلاق «عدل» معنا ندارد.

نکته مهم دیگر، این است که اختیار داشتن انسان، بدین معنا نیست که حتماً باید ظلم و گناه کند. آنچه اختیار انسان را ثابت می‌کند امکان گناه و ظلم است، نه انجام گناه.

۱. مانند: «بملاً الارض عدلاً؛ زمین را پر از دل و داد می‌کند»، (مناهل الابرار، ج ۹، ص ۱۴۲) یا «و ارتفع فی ایامه الجور؛ در ایام آن امام بزرگوار ظلم و جور برداشته می‌شود»، (مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۸، ص ۱۶۴).

۲. مثلاً ما لفظ «نابینا» را در جایی به کار می‌بریم که امکان بینایی وجود داشته باشد ولی در جایی که این امکان وجود ندارد اطلاق «نابینایی» معنا ندارد. مثلاً کسی نمی‌گوید که سنگ نابینا است ولی می‌شود گفت که فلان شخص نابینا است.



اگر در زمان امام عصر علیه السلام امکان گناه وجود دارد پس چرا ظلم و گناه صورت نمی‌گیرد و یا بسیار اندک است؟

جواب این سؤال، به صورت بسیار زیبایی در روایاتی که ویژگی‌های آن زمان را بیان می‌کند، وارد شده است. می‌دانیم که ریشه گناه، غلبه کردن هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد، هرگز گناه نمی‌کند. در روایات، وارده شده که در آن زمان، عقل انسان‌ها کامل می‌شود،^۱ پس در آن زمان، چون عقول کامل می‌شود و هوای نفس تابع عقل می‌گردد، کسی به کسی ظلم نمی‌کند؛ گرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است.

باید توجه داشت انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌های دوران غیبت دارای اختیارند. آنان خود، باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند، تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند. انسان مجبور، نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر.

این که سخن از اجرای عدالت فراگیر است، خود نشانه آن است که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف بشود؛ ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شد، به سرعت عدالت درباره او اجرا شده و مجازات می‌شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.



سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چگونه است؟

به صورت خلاصه طبق آیات شریف قرآن، آینده جهان از آن دین اسلام و حاکمیت دین حق است.^۱ کل زمین در اختیار بندگان صالح قرار می‌گیرد^۲ و حجت خدا و مؤمنان صالح، به خلافت و حکومت می‌رسند. در این روزگار، دین مورد رضایت خدا (اسلام) پا بر جا و برقرار می‌شود و احکام و معارف آن در سرتاسر جهان اجرا می‌گردد. امنیت و آرامش کامل برقرار می‌گردد و عوامل نا امنی و مظاهر ظلم و فساد از بین می‌رود و عبودیت و بندگی حقیقی به صورت عمومی تحقق می‌یابد.^۳

در آن روزگار طلایی، قرآن، نماز و مسجد جایگاه حقیقی خود را پیدا می‌کنند. تعلیم قرآن، به یک فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود. امام علی عجل الله تعالی فرجه در روایتی فرموده است:

گویا شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند.^۴

۱. توبه (۹): آیه ۳۲، ۳۳.

۲. انبیا (۲۱): آیه ۱۰۵.

۳. نور (۲۴): آیه ۵۵.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

به این صورت است که مسجد مکان تعلیم و تربیت دینی می‌شود و نماز که رکن اصلی دین و بهترین نوع عبادت است، خالصانه انجام می‌شود. خداوند در تبیین آن روزگار می‌فرماید:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ عبادت می‌کنند مرا و

برای من چیزی را شریک قایل نمی‌شوند.^۱

در آن دوران، زینت‌ها و بناهای اضافی مسجد از بین می‌رود، تا این مکان به درستی محل مناجات و عبادت باشد.

بهره‌وری از منافع مادی به بهترین حالت شکل می‌گیرد و برکات و نعمات آشکار می‌شود. البته منافع مادی در زمان ظهور دو مشخصه اصلی دارد:

الف. جامعه در آن عصر، فضیلت‌محور و ارزش‌مدار خواهد بود؛ از این رو از منافع مادی در راستای حیات معنوی استفاده شده و دنیا ابزار حرکت تکاملی و کسب سعادت خواهد بود.

ب. این منافع مادی به صورت صحیح در اختیار عموم قرار می‌گیرد و همه از آن بهره می‌برند و جامعه طبقاتی نخواهد بود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین، گنج‌های خود را بیرون ریخته و آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن‌ها را می‌بینند. دارندگان زکات، سراغ کسی می‌روند که نیازمند باشد، تا زکاتشان را به او

بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم از [کمک‌های دیگران] بی‌نیاز می‌شوند».^۱

بر اساس روایات، در دوران حکومت امام زمان عج بهترین نوع زندگی به وجود می‌آید. حضرت مهدی عج مردم را با خدا آشنا نموده و یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند. آنان را خدا ترس می‌کند و سجایای اخلاقی را میان جوامع گسترش می‌دهد. او عقل‌ها را کمال می‌بخشد. آن‌گاه انسان‌ها بدی را از خوبی باز می‌شناسند و به گرد زشتی‌ها نمی‌گردند. عصر حکومت آن حضرت، دوران کمال انسانی و عصر رهایی انسان‌ها از بند عبودیت نفس و رهایی از اطاعت شیطان است.

امام باقر عج می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آن‌ها را جمع ساخته و اخلاقتشان را به کمال می‌رساند.^۲

حضرت علی عج می‌فرماید:

زمانی که مهدی ما قیام کند... کینه‌ها از سینه‌ها بیرون می‌رود.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.



نقش و برنامه حضرت عیسیٰ علیه السلام در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

آنچه از مجموع روایات دربارهٔ نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام استفاده می‌شود، اصل فرود آمدن آن بزرگوار و نماز خواندن او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام است. در روایات شیعه، چیزی بیش از این مطرح نشده است که بتوان به آن اعتماد کرد. البته در روایات اهل سنت، به نکته‌های دیگری مانند حضور حضرت عیسیٰ علیه السلام در بیت المقدس، نیز درگیری و جنگ او با دجال و قتل دجال نیز اشاره شده است.

می‌توان گفت نماز خواندن حضرت عیسیٰ علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام که آخرین حجت خدا میان مسلمانان و جانشین بر حق پیامبر خاتم است، برای اثبات این حقیقت بزرگ است که دین اسلام آخرین دین الهی، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آخرین پیامبر از سلسله انبیای الهی است. نماز خواندن حضرت عیسیٰ علیه السلام در جایگاه پیشوای گسترده‌ترین دین جهان که بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده است، راه را برای حق‌جویان عالم باز خواهد کرد و این، بزرگ‌ترین نقشی است که یک پیامبر بزرگ برای هدایت نسل‌ها بر عهده دارد و به خوبی آن را به انجام می‌رساند. در واقع، نماز حضرت عیسیٰ علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام یک نماز عبادی و سیاسی است که حاکمیت و پیشوایی بر حق امام مهدی علیه السلام را بر همه جهانیان اعلام می‌دارد.



آیا حضرت مهدی عجل الله فرجه هنگام ظهور خود، احکام جدید می آورد؟

دین کامل و جامع اسلام به صورت تمام و کمال بر وجود مقدس پیامبر اکرم ص نازل شد و آنچه مردم بدان نیاز داشتند، در اختیار پیامبر ص قرار گرفت. آیه سوم سوره مائده^۱ بر این مطلب دلالت دارد. البته باید توجه داشت که این «اکمال دین» و «اتمام نعمت» و «رضایت الهی از دین اسلام، برای مردم» هنگامی است که ولایت و امامت امامان معصوم ع را در جایگاه مفسر و معلم قرآن در متن دین بپذیرند. آیه ۶۸ سوره مائده^۲ که روز هجدهم ذی الحجة (در جریان غدیر خم) نازل شد این مطلب را ثابت می کند؛ بنابراین هر حکمی توسط امامان بیان یا اجرا می شود، بر گرفته از دین اسلام می باشد.

در روایات، به پاره‌ای از احکام اشاره شده است که در زمان ظهور به اجرا گذاشته می شود. درباره این احکام (در صورت پذیرش صدور

۱. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

۲. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای».

آن از معصومان علیهم‌السلام توجه به چند مطلب ضروری است:

الف. برخی احکام الهی، بر پیامبر نازل شد؛ ولی شرایط و اجرای آن در زمان ظهور فراهم شده و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

ب. با گذشت زمان، به علت سیطره زورمداران و وجود تحریفگران، ممکن است تغییراتی در برخی احکام پدید آمده باشد. چنین مواردی در زمان ظهور، تصحیح می‌شود.

ج. چون فقها در استنباط و فهم حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌برند، در تعدادی از احکام ممکن است برداشت مجتهدی مطابق با واقع نباشد (هر چند او معذور بوده و فتوای او لازم الاجرا است و ما مکلف به انجام آن هستیم. به این نوع از احکام، حکم ظاهری گفته می‌شود). در زمان ظهور، حکم واقعی گفته می‌شود.

د. برخی احکام، در شرایطی خاص و اضطراری و به علت تقیه اعلام شده است. در زمان ظهور به علت عدم تقیه، حکم واقعی بیان می‌شود.

از امام باقر علیه‌السلام نیز نقل شده است:

[مهدی علیه‌السلام] هیچ بدعتی را وانگذارد، مگر این که آن را از ریشه برکنند و از هیچ سستی نمی‌گذرد، مگر این که آن را برپا کند.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.



منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان علیه السلام می آورد، چیست؟

با مراجعه به مصادر حدیثی، روشن می شود تعبیر دین جدید و قرآن جدید در روایات وجود ندارد؛ بلکه تعبیراتی مشاهده می شود که ممکن است از مجموعه آن ها چنین استنباط شود که حضرت، دین جدید می آورد، تعبیراتی مانند: سلطان جدید، امر جدید، قضای جدید، سنت جدید. البته در برخی احادیث تعبیر کتاب جدید مطرح شده است. در این باره علما و اندیشوران بزرگوار ما مباحثی مطرح کرده اند که به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم:

الف. مطابق برخی روایات، بخشی از احکام به سبب نبودن شرایط آن ها توسط معصومان علیهم السلام بیان نشده است و فقط علم آن ها نزد اهل بیت علیهم السلام باقی مانده است که در عصر ظهور بیان می شود.

ب. بخشی از احکام به سبب دور شدن مردم از حقایق دین، مهجور و فراموش می شود که در عصر ظهور، زنده و احیا می شود.

ج. به علت برخی موانع، برخی احکام به درستی اجرا نمی شود. عصر ظهور، دوران اجرای کامل و صحیح احکام است.

د. در عصر ظهور، به علت بالا رفتن سطح فکر و آمادگی و قابلیت بیشتر مردم برای پذیرش معارف دینی، حقایق و معرفت های دینی به صورت گسترده در اختیار مردم قرار می گیرد.

ه اسلوب و روشی که امام مهدی علیه السلام در حکومت داری از آن استفاده می‌کند، با روش‌های رایج و شناخته شده نزد مردم متفاوت است.

و. در طول تاریخ، به علت آن که امامت و مدیریت معصوم پذیرفته نشد و نااهلان اختیار حکومت و برطرف کردن نیازهای فکری و دینی را به عهده گرفتند که نتیجه آن نیز غیبت امام معصوم علیه السلام را رقم زد، بدعت‌ها و انحرافات در دین به وجود آمد که در پاره‌ای موارد، از مسلمات و ضروریات دین شمرده شد. تلاش فقهای شیعه به علت مظلومیت و اقلیت آنان، راه به جایی نبرد؛ ولی در عصر ظهور بدعت‌ها از بین می‌رود.

مجموعه عوامل یاد شده باعث می‌شود دین در عصر ظهور برای مردم به صورت جدید به تصویر در آید، نه این که دین جدید و قرآن جدید بیاید. امام مهدی علیه السلام جانشین خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم است. خاتمیت پیامبر و دین اسلام، از ضروریات تفکر اسلامی است که در جای خود اثبات شده است.

در پایان ذکر این نکته هم ضروری است که از آنجا که اکثریت مسلمانان را اهل سنت تشکیل می‌دهند و آنان نیز از علوم اهل بیت علیهم السلام فاصله دارند و تحریفات زیادی در اعتقادات و احکام آنها وارد شده است به همین خاطر وقتی امام زمان علیه السلام اسلام را که بر مبنای مذهب تشیع و اهل بیت علیهم السلام است، رواج می‌دهد در نگاه اهل سنت به عنوان دین جدید جلوه می‌دهد.



حکومت امام مهدی علیه السلام چه مدت به طول می انجامد؟

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام به صورت دقیق، روشن و آشکار نیست. روایاتی که در این باره رسیده، متفاوت است. در بعضی از روایات هفت سال ذکر شده است، در برخی دیگر، اضافه شده که هر سال آن روزگار، معادل ده سال این دوران است.^۱ در تعدادی دیگر از روایات، مدت حکومت، حدود بیست سال و در برخی، حدود چهل سال و در روایتی، سیصد و نه سال گفته شده است.^۲

در جمع روایات، برخی هفت سال را پذیرفته اند؛ زیرا مشهورتر است.^۳ احتمال دیگر این که این عددها، مربوط به مراحل مختلف حکومت است؛ مرحله ظهور، مرحله تثبیت و مرحله بلوغ و کمال.

با توجه به اختلاف روایات در متن و مشکل سندی برخی روایات، به نظر می آید مدت حکومت، روشن نیست؛ ولی این مطلب معلوم است که مدت حکومت، آن مقدار طول می کشد که عدالت فراگیر شود و احکام و فرهنگ و معنویت دین اسلام، در جهان سایه افکن و ریشه دار شود و در شؤون زندگی فردی و اجتماعی انسان ها جاری گردد.

۱. در نتیجه مدت حکومت حضرت، هفتاد سال خواهد بود.

۲. برای آگاهی از روایات، به کتاب چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام نجم الدین طبسی، ص ۱۷۳-۱۷۵ رجوع شود.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۷.

این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که پایان حکومت حضرت مهدی علیه السلام به معنای پایان عمر دنیا نیست؛ بلکه با رجعت امامان علیهم السلام، حاکمیت عدل و دین پس از ایشان به وسیله سایر امامان معصوم علیهم السلام دنبال می‌شود؛ بنابراین، بین مدت حکومت حضرت با مدت دوره حاکمیت عدل الهی که تا پایان عمر دنیا به طول می‌انجامد، فرق است.



آیا امام زمان علیه السلام، بعد از ظهور، به شهادت می‌رسد؟

در باره شهادت یا رحلت حضرت مهدی علیه السلام روایات مختلفی وجود دارد. در روایتی، از شهادت آن بزرگوار، به دست زنی دارای ریش، به نام «سعیده» سخن به میان آمده است.^۱ لازم به ذکر است این روایت فاقد پیشینه در کتب اصلی روایی است و اولین منبعی که آن را ذکر کرده مربوط به قرن اخیر است بنابراین قابل اعتنا و اعتماد نیست. در روایتی دیگر، از شهادت آن حضرت همراه دو هزار نفر از فرماندهان در جنگ با روم، خبر داده شده است. برخی اخبار

۱. برای آگاهی از روایات، به کتاب *چشم‌اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام اثر نجم‌الدین طبسی*، ص ۲۱۳-۲۱۵ رجوع شود؛ الزام الناصب، ص ۱۹۰؛ عقدالدرر، ص ۱۴۹؛ الفتن ابن حماد، ص ۹۹ و ۱۰۴؛ کافی، ج ۸، ص ۴۰۶؛ بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

نیز حاکی از رحلت آن عزیز به مرگ طبیعی است.^۱ در برخی دیگر از احادیث، فقط به اصل مرگ آن بزرگوار و رجعت امام حسین عجله الله تعالی فرجه اشاره شده است و از کیفیت مرگ حضرت، سخنی به میان نیامده است.^۲ برخی بر اساس روایت امام حسن مجتبی عجله الله تعالی فرجه که فرمود: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا [با شمشیر] شهید می‌شود»،^۳ بر این باورند که نهایت و فرجام زندگی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه شهادت خواهد بود؛ هر چند چگونگی آن روشن نیست.

به نظر می‌آید در این باره، سخن قطعی نمی‌توان گفت؛ چرا که روایت اول، دوم و سوم، از جهت سند، قابل پذیرش نیست و روایت امام حسن مجتبی عجله الله تعالی فرجه نیز می‌تواند اشاره به امامانی باشد که در زمان حکومت حاکمان جور زندگی می‌کردند. به هر حال، دربارهٔ رحلت یا شهادت نمی‌توان قاطعانه اظهار نظر کرد.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.



رجعت چیست؟ لطفاً آن را به صورت کامل توضیح دهید؟

رجعت، به معنای بازگشت است و مراد از آن، این است که «خداوند گروهی از مردگان را با همان شکل خود به دنیا بازگرداند».^۱ از نظر شیعه، در زمان ظهور دولت حق، برخی از مردم که از دنیا رفته‌اند، دوباره زنده می‌شوند. اصل رجعت، یک امر مسلم قرآنی است. خداوند در آیات متعدد به زنده شدن برخی مردگان اشاره دارد؛ مانند زنده شدن برخی از بنی‌اسرائیل،^۲ زنده شدن یک جوان بنی‌اسرائیلی،^۳ زنده شدن هزاران نفر،^۴ زنده شدن یکی از اولیای الهی^۵ و حتی یکی از معجزات و ویژگی‌های حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن برخی از مردگان بود^۶ و نمونه‌های متعدد دیگر.

آیاتی نیز وجود دارد که بر رجعت، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام دلالت می‌کند؛ مانند آیه ۸۳ از سوره نمل که می‌فرماید:

«آن روز، از هر امتی، گروهی را محشور می‌کنیم».

۱. *اوائل المقالات*، ص ۷۷.

۲. بقره (۲): ۵۵ و ۵۶.

۳. بقره (۲): ۷۳.

۴. بقره (۲): ۲۴۳.

۵. بقره (۲): ۲۵۹.

۶. آل عمران (۳): ۴۹.

امام صادق عج می‌فرماید:

«این آیه، مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت از هر امت، گروهی را محشور می‌کند و بقیه را رها می‌سازد؟ آیه قیامت، این آیه است که می‌فرماید: «و آنان را گرد آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم».^۱

این آیه، به روشنی، به وقوع چنین امری (رجعت) دلالت می‌کند، روزی که فقط گروهی زنده شوند و نه همه مردم. روایات مربوط به رجعت را نیز می‌توان در جلد ۵۳ از کتاب *بحارالانوار*، دید.

برای نمونه، در روایتی، مأمون از امام رضا عج می‌پرسد: «نظر شما در باره رجعت چیست؟» امام پاسخ می‌دهند:

«همانا رجعت، واقعیت دارد».^۲

امام صادق عج می‌فرماید: «از ما نیست کسی که به رجعت ما باور نداشته باشد».^۳

بنابراین، به وقوع پیوستن چنین مسأله‌ای از مسلمات است و جای هیچ گونه شکی ندارد؛ به همین سبب در زیارت آل یاسین که امام زمان عج خود به شیعیانش آموخته، آمده است:

«رجعت شما، حق است و شکی در آن نیست».

بعد از ثابت شدن رجعت، به نکاتی در باره آن اشاره می‌کنیم:

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. همان، ص ۹۲.

- بنابر روایات، رجعت همگانی نیست و تنها مؤمنان خالص و کافران خالص بر می‌گردند.

- بعضی از افراد، همان ساعات اولیة ظهور رجعت می‌کنند و از یاران اولیه هستند؛ مانند مقداد، سلمان، مالک اشتر و اصحاب کهف و عده‌ای پس از استقرار حکومت و برای بهره‌مندی از حکومت عدل، زنده می‌شوند.

- میان حوادث رجعت، برگشت امامان علیهم‌السلام به دنیا، از نکات قابل توجه است. بنا بر روایات، اولین فردی که از امامان علیهم‌السلام رجعت می‌کند، امام حسین علیه‌السلام است که هنگام رحلت امام زمان علیه‌السلام رجعت می‌کند و مراسم خاک سپاری آن حضرت را عهده دار می‌شود. سپس حکومت آن حضرت را به مدت طولانی رهبری می‌کند. به رجعت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در روایات تصریح شده است. رجعت سایر امامان علیهم‌السلام را نیز، از بعضی روایات می‌توان استفاده کرد.

حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام با رجعت امامان علیهم‌السلام و مؤمنان صالح، مدت زمان بسیار طولانی ادامه خواهد یافت. می‌توان گفت: اساساً، عمر دنیا بعد از استقرار حکومت مهدوی، تازه آغاز می‌شود و حکومت امامان معصوم علیهم‌السلام، آخرین حکومت است - یعنی دیگر حاکمان جور به حکومت نمی‌رسند - و بعد از آن، قیامت بر پا می‌شود. گفتنی است امر رجعت هرچند بر اساس آیات و روایات امری مسلم و پذیرفته شده است، جزئیات آن واضح و شفاف نیست؛ بنابراین ما اصل رجعت را به صورت کلی می‌پذیریم و از اظهار نظر قطعی درباره‌ی جزئیات خودداری می‌کنیم.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کمال الدین و تمام النعمة
۴. کتاب الغيبة، شیخ طوسی
۵. الغيبة، نعمانی
۶. بحار الانوار
۷. مکیال المکارم
۸. الارشاد، شیخ مفید
۹. منتخب الاثر
۱۰. مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار)
۱۱. صحیفه مهدیه
۱۲. منتهی الآمال
۱۳. اسرار الامامة
۱۴. کشف الغمة فی معرفة الائمة
۱۵. عیون اخبار الرضا
۱۶. میزان الحکمة
۱۷. معانی الاخبار
۱۸. شرح منهاج الکرامه
۱۹. مناقب آل ابی طالب
۲۰. الاحتجاج
۲۱. الغدير
۲۲. الامالی (شیخ صدوق)
۲۳. اثبات الهداة
۲۴. تحف العقول
۲۵. خصال
۲۶. المحاسن
۲۷. سفینه البحار
۲۸. وسائل الشیعة
۲۹. مستدرک الوسائل
۳۰. اصول کافی
۳۱. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف
۳۲. بحث حول المهدي
۳۳. عقائد الاماميه (شیخ محمد رضا مظفر)
۳۴. مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول
۳۵. تذکرة الخواص
۳۶. کفاية الموحدين
۳۷. مفاتيح الجنان
۳۸. تفسیر علی بن ابراهیم قمی
۳۹. مفردات فی الفاظ القرآن
۴۰. يوم الخلاص
۴۱. مجمع الزوائد و منبع الفوائد
۴۲. الحاوی للفتاوی
۴۳. مزار کبیر
۴۴. تاریخ الغيبة الصغری
۴۵. انوار الهدایة
۴۶. شجره طوی
۴۷. من لا یحضره الفقیه
۴۸. عقد الدرر
۴۹. تجرید الاعتقاد
۵۰. صحیفه نور
۵۱. روزگار رهایی
۵۲. ارشاد القلوب
۵۳. کامل الزیارات
۵۴. توحید شیخ صدوق
۵۵. مناهل الابرار
۵۶. مجموعه آثار شهید مطهری

۵۷. اوائل المقالات
۵۸. تاریخ ما بعد الظهور
۵۹. تفسیر فرات الکوفی
۶۰. تفسر نمونه
۶۱. تفسیر المیزان
۶۲. البرهان فی تفسیر القرآن
۶۳. تفسیر نور الثقلین
۶۴. مجمع البیان
۶۵. اثبات الوصیة
۶۶. مسند احمد
۶۷. مستدرک حاکم
۶۸. سنن ابن ماجه
۶۹. صحیح بخاری
۷۰. اعلام الوری
۷۱. البیان فی اخبار صاحب الزمان
۷۲. الیواقیب و الجواهر
۷۳. صحیح مسلم
۷۴. سنن ترمذی
۷۵. سنن ابو داوود
۷۶. کنز العمال
۷۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیةالله
۷۸. فرهنگنامه مهدویت
۷۹. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی
۸۰. آینده جهان
۸۱. موعود شناسی و پاسخ به شبهات
۸۲. موعود نامه
۸۳. مجله تخصصی انتظار موعود
۸۴. دادگستر جهان
۸۵. دلیل عقلی و نقلی امامت و مهدویت
۸۶. نگین آفرینش
۸۷. انتظار پویا
۸۸. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان
۸۹. معارف قرآن (بحث انسان شناسی)
۹۰. جزیره خضرا افسانه یا واقعیت
۹۱. راز طول عمر امام زمان علیه السلام
۹۲. زنده روزگاران
۹۳. خورشید مغرب
۹۴. سیمای امام مهدی علیه السلام در قرآن
۹۵. امام زمان علیه السلام در آینه قرآن
۹۶. سازمان وکالت
۹۷. سیمای آفتاب
۹۸. تاریخ عصر غیبت
۹۹. پژوهی درباره جزیره خضرا
۱۰۰. مهدی منتظر
۱۰۱. سفیانی از ظهور تا افول
۱۰۲. چشم براه مهدی (جمعی از نویسندگان)
۱۰۳. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران
۱۰۴. نشانه‌هایی از دولت موعود

کتابنامه

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ش
۲. کتاب الغیبة، شیخ الطائفة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۷ق
۳. الغیبة، ابی عبد الله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب المعروف به (ابن ابی زینب نعمانی)، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۲ق
۴. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، تهران: المکتبة الاسلامیة، ۱۳۷۲ش
۵. مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم، آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم: ایران نگین، ۱۳۸۱ش
۶. مجموعه فرایشات حضرت بقیة الله، محمد خادمی شیرازی، قم: انتشارات رسالت
۷. الارشاد، شیخ مفید، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۰ش
۸. منتخب الأثر فی الامام الثاني عشر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، قم: موسسه السیدة المعصومة، ۱۴۱۹ق
۹. مهدی موعود، مترجم علی دوانی: تهران، ۱۳۸۴ش
۱۰. صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی، ترجمه سید محمد حسین رحیمیان، قم: دارالتقلین، ۱۳۷۹ش
۱۱. زنان در حکومت امام زمان علیه السلام محمد جواد طبسی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۹ش
۱۲. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ش
۱۳. اسرار الامامة، حسن بن علی الطبرسی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش

۱۴. كشف الغمة في معرفة الائمة، ابي الحسن على بن عيسى بن ابي الفتح الاربلي، قم: انتشارات مجمع جهاني اهل بيت، ۱۴۲۶ق
۱۵. عيون اخبار الرضا، شيخ صدوق ابن بابويه ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين قمي، تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۰ش
۱۶. ميزان الحكمة، محمد محمدی ری شهری، مترجم: حمید رضا شیخی، قم: انتشارات دار الحديث
۱۷. معانی الاخبار، شيخ صدوق ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بابويه قمي، قم: موسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۶ق
۱۸. شرح منهاج الكرامة، ابي منصور الحسن بن يوسف الحلّي الشهير بالعلامة، مؤلف سيد علي ميلاني، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۸ق
۱۹. الامامة في اهمّ الكتب الكلامية، سيد علي ميلاني، قم: شريعت، ۱۴۲۲ق
۲۰. مناقب آل ابي طالب، ابي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۴۱۲ق
۲۱. الاحتجاج، ابي منصور احمد بن علي بن ابي طالب الطبرسي، قم: انتشارات اسوه
۲۲. الغدير، علامه عبد الحسين احمد الأميني النجفي، تهران: ۱۳۶۶ش
۲۳. الامالي، شيخ صدوق، قم: انتشارات مؤسسة بعثت، ۱۴۱۷ق
۲۴. اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات، محمد بن الحسن الحر العاملي، قم: المطبعة العلميه
۲۵. تحف العقول، ابو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبة الحراني. قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۲۱ق
۲۶. مهج الدعوات و منهج العنايات، ابي القاسم علي بن موسى بن جعفر بن طاووس الحسني الحسيني، قم: مؤسسه آفاق، ۱۴۲۲
۲۷. خصال، شيخ صدوق، ترجمه: محمد باقر كمره‌ای، تهران: انتشارات كتابچی، ۱۳۷۷ش
۲۸. المحاسن، ابي جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقي، قم: انتشارات مجمع جهاني اهل بيت، ۱۴۱۶ق
۲۹. سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، شيخ عباس قمي، قم: دار الاسوة، ۱۴۲۲ق
۳۰. وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحر العاملي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ۱۴۱۰ق
۳۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ۱۴۰۹ق
۳۲. اصول الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، قم: دارالاسوة، ۱۴۱۸ق

۳۳. تفسیر فرات الکوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی، بیروت: مؤسسه النعمان
۳۴. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش
۳۵. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳
۳۶. تفسیر نور الثقلین، شیخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۲ق
۳۷. تفسیر المیزان، علامه محمد حسین طباطبائی، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، بی تا
۳۸. مجمع البیان لعلوم القرآن، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ق
۳۹. اثبات الوصیه لامام علی بن ابی طالب، ابو الحسن المسعودی، قم: موسسه انصاریان، ۱۳۸۴
۴۰. المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي علیه السلام علی الکورانی، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۱. سلوک مهدوی، محمد باقر حیدری کاشانی، قم: سبط النبی، ۱۳۸۶ش
۴۲. فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۸ش
۴۳. مهدویت، پرسشها و پاسخها، پژوهشکده مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۵ش
۴۴. درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۶ش
۴۵. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۵ش
۴۶. آینده جهان، رحیم کارگر، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۳ش
۴۷. موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش
۴۸. موعودنامه، مجتبی تونه ای، قم: انتشارات مشهد، ۱۳۸۳ش
۴۹. مجله تخصصی انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
۵۰. جستارهایی در مهدویت، رحیم کارگر، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۶ش
۵۱. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸ش

۵۲. دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۸ش
۵۳. ضرورت مهدویت، روح‌الله شاکری زواردهی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش
۵۴. امام مهدی در احادیث شیعه و سنی، جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش
۵۵. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمد صابر جعفری، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش
۵۶. طلوع خورشید، مهدی یوسفیان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش
۵۷. نگین آفرینش، جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۶ش
۵۸. انتظار پویا، آیت‌الله محمدمهدی آصفی، مترجم: تقی متقی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ش
۵۹. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳
۶۰. نشانه‌هایی از دولت موعود، نجم‌الدین طبسی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش